

### سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## تحصن و اعتراض کارگران مبارز صنعت نفت به بازداشت رهبران اعتصابات شکوهمند گذشته

گروه کثیری از کارگران صنعت نفت جنوب بعنوان اعتراض به دستگیری غیرقانونی رفقای خود که در اعتصابات شکوهمند صنعت نفت ضربه قطعی را بر پیکر رژیم شاه منقور فرود آورده بودند دست به تحصن زدند. مادر این شماره از نشریه، گزارش مفصلی از چگونگی دستگیری این مبارزان را در صفحه ۳ "ضمیمه" چاپ کرده ایم.

## کارگران، دهقانان و خلقها خود باید سرنوشت خویش را تعیین کنند

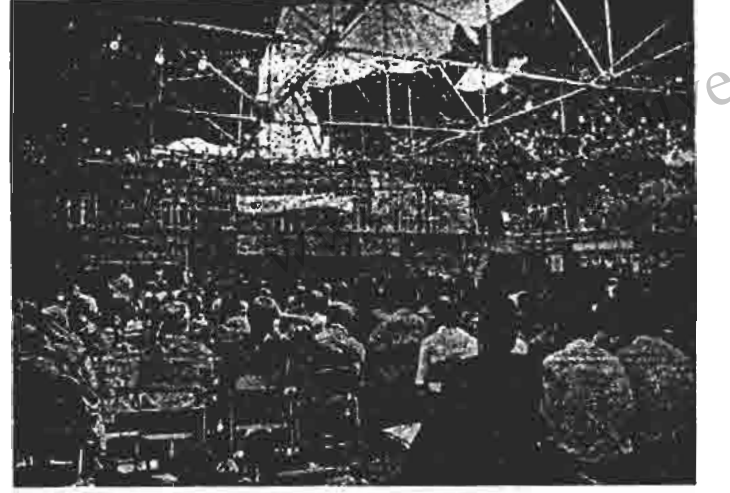
کارگران، دهقانان و خلقهای ستمدیده ایران، پس از آن همه محرومیت ها و تحقیرها، پس از آنهمه مبارزات و جانبازی های غرور انگیز، امروز می خواهند، روشن است که حق دارند، از میان خود، نمایندگان واقعی خود را انتخاب و آنان را در وضع و تدوین قوانینی که مستقیماً به زندگی کارگران، زحمتکشان و خلقهای ایران مربوط می شود، شرکت دهند. مجلس موسسان به عنوان نهادی که نمایندگان واقعی مردم را به دور هم گردمی آورد، می تواند مدافع دستاوردهای انقلاب، مدافع آزادی های اساسی مردم و مدافع حقوق خلقهای ایران باشد. خلقهای ما رژیم گذشته را به گور سپردند تا خود سرنوشت خویش را به دست گیرند و با مبارزات حماسه آفرین خود و سرنوشتی رژیم، رشد و شایستگی خود را به اثبات رسانند. واضح است که فقط زحمتکشان و نمایندگان آنها که از میان خود آنها انتخاب می شوند، دردها و خواسته های زحمتکشان را درک می کنند و همین ها هستند که می توانند قوانینی وضع کنند که مدافع زحمتکشان باشد. اگر کارگران و دهقانان ایران، اگر خلقهای ایران که در برابر ستم دوگانه به پا خاسته اند، اگر اقلیت های مذهب و خلاصه همه مردم ایران نتوانند در محیطی دموکراتیک، کاملاً آزاد و به دور از هرگونه تهدید، ارعاب، نمایندگان واقعی و راستین خود را انتخاب و در وضع و تدوین قوانین اساسی شرکت دهند، قانون اساسی به هیچ چیز نمی آرد. چرا که نمی تواند بیانگر اراده توده های ستمکش باشد و البته چنین قانونی نه تنها مدافع ستمکشان نیست بلکه در هر صورت و شکلی که بیان شود، تنها و تنها مدافع ستمگران خواهد بود.

ماضن اعلام همبستگی با کارگران مبارزی که به پشتیبانی از رفقای مبارز خود برخاسته اند اعلام می داریم که آنان که این روشهای ضد انقلابی را دنبال می کنند هرگز نخواهند توانست با این گونه اعمال خود، مبارزات ضد سرمایه داری وابسته و ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان ایران را متوقف کنند. کارکنان صنعت نفت جنوب در اعتراض به بازداشت سه تن از همکاران مبارز و انقلابی خود، ضمن تحصن از دولت خواستار شدند که هر چه زودتر موضع خود را نسبت به این توطئه روشن سازد. از چگونگی دستگیری این مبارزان گزارشی تهیه شده که در همین شماره منتشر شده است.

باقی فرماندهان ارتش در پستیهای حساس، دعوت سرمایه داران فراری به کار، حفظ و تجدید روابط گذشته بدون تردید باید با سرکوبی کارگران و نیروهای انقلابی همراه باشد. حفظ سرمایه داری وابسته و دشمنی با انقلابیون دقیقاً دوسوی یک سکه اند و یکی بدون دیگری وجود نخواهد داشت. بازداشت سه تن از رهبران اعتصابات شکوهمند صنعت نفت جنوب که ضربه قطعی را بر پیکر رژیم شاه فرود آورد در حالی صورت می گیرد که برخی از فرماندهان ارتش و مقامات دولتی رژیم گذشته در پستیهای خود ایستاده اند و در صنایع نفت، آنان که بر ضد اعتصابات شکوهمند تاریخ ایران توطئه می کردند اینک بر سر کارند.

## گرامی داشت خاطره شهدای کارگران کوره پزخانه

دراجمتاج خانه کارگر یکی از کارگران با ایجاد نیروی ویژه نظم کارخانه ها می خواهند باز هم خون کارگران را به زمین بریزند ۲۳ خرداد سال ۳۸ با بانهای اطراف تهران و محوطه کوره پزخانه ها را خون کارگران مبارز که با خطر دست آوردن حداقل حقوق خود به پا خاسته بودند، به سرخی نشست و فصل تازه ای در مبارزات دلیرانه کارگران علیه استعمار و ستم گشوده شد. در این روز در کوره پزخانه های اطراف تهران مثل قرچک، دولت آباد و محمودآباد کارگران به همراه خانواده ها - هایشان که آنها نیز گرامی کردند دست به اعتصاب زدند و دنبال آن حرکات خود بخودی از قبیل واژگون کردن ماشین های آجر و تخریب کوره ها گسترش یافت. خشم کور کارگران حدومرزی نمی شناخت. مبارزهای خونین آغاز شد که آغاز گرساری بقیه در صفحه ۱۱



گوشه ای از مراسم گرامی داشت خاطره شهدای کارگران کوره پزخانه در خانه کارگر

## کارگران در جریان مبارزه آبدیده میشوند

هدف از طرح این گزارش بررسی مبارزات کارگران کارخانه مفوسازی است. مبارزات این کارگران برای بدست آوردن برخی از حقوق صنفی شان بوده است. برای ماسیاری آموزشدهنده خواهد بود که بینیم در جریان این مبارزات چگونه آگاهی طبقاتی کارگران بالا رفته است. از همین رو در اینجا به بررسی موقعیت کارگران قبل و بعد از مبارزاتشان می پردازیم. وضعیت کارگران قبل از مبارزه کارگران کارخانه مذکور از لحاظ آگاهی طبقاتی بسیار عقب مانده بودند. عوامل زیادی در پائین بودن آگاهی کارگران ناشی از دست داشتن از جمله برت بودن کارخانه و جدائی محیط زندگی کارگران از سایر محیط های کارگری. در این مورد کارفرمای می گفت: "اگر کارگران من با شهر رابطه داشته باشند توقعاتشان بالا می رود" به همین علت کارگران در جریان مبارزه کارگران کارخانه مذکور از لحاظ سیاسی بود که رابطه نزدیکی با خلقها و دیکتاتوری محمد رضا شاهی داشت. نماینده کارفرما هنوز قدرت داشت و کارگران هنوز از اومی ترسیدند. چون رفتار او با کارگران در گذشته بسیار خشن و آسیر و وحشیانه بود. (بعد از قیام همین نماینده در کشته نفوذ می کند و برای چند نگر از دارو دسته اش کارت می گیرد). بقیه در صفحه ۲

## موضع گیری مرتجعانه حکومت عراق بسود امپریالیسم و صهیونیسم است فرمانروایان عراق که سالهاست با رژیمهای ارتجاعی منطقه مثلاً شاه سابق ایران سازش کرده اند عملاً در برابر جنبش های آزادیبخش منطقه فرار گرفته اند

بدون آنکه به ریشه تحولاتی که سبب تشبیت جناح ارتجاعی طیفه حاکمه عراق در این کشور شد، بپردازیم باید آور می شویم که حکومت عراق در سالهای گذشته روز بروز سبستی ارتجاعی تر در پیش گرفته است. امروز فرمانروایان عراق که در راه انداختن هیاهو تبلیغاتی عوامفریبانه استاد شده اند، پیوسته از مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی دم می زنند. اما در عمل سالهاست که رژیم های ارتجاعی منطقه سازش کرده و در برابر جنبش های آزادیبخش منطقه که پیگیرترین نیروهای ضد امپریالیست و ضد صهیونیست منطقه هستند فرار گرفته اند. حکومت عراق در سالهای گذشته با رژیم های سرسپرده و منفوری چون رژیم شاه، رژیم عمان و شیخ نشین های خلیج فارس به همکاری برخاست و عملاً در برابر خواست توده های منطقه فرارگرفت حکومت عراق مثل هر حکومت ارتجاعی دیگری برای سرکوب مردم عراق به ویژه خلق کرد، مبارزات ضد امپریالیستی را رها کرده و اینک تنها در حرف و در تبلیغات عوامفریبانه خود ضد امپریالیست مانده است. حکومت عراق در جریان مبارزات سال گذشته خلقهای ایران با تضییقات بقیه در صفحه ۱۱

در حالیکه هنوز قانون اساسی جدید ماکه پایه و اساس تمام قوانین است تدوین نگردیده است، در حالیکه هنوز تکلیف مجلس موسسان که باید برای تدوین و تصویب قانون اساسی تشکیل شود روشن نیست در حالیکه دهها قانون ضد مردمی نظیر قانون کار، بجای خود پابرجاست و دولت وقت سرمایه داران و... به استناد آن زحمتکشان میهن ما را مورد تعدی قرار می دهند، در حالیکه صد ها قرارداد بیکه با دولت های امپریالیستی و انحصارات خارجی توسط رژیم خائس شاه بسته شده بود و میلیارد ها سرت خلق زحمتکش ما را به باد داده، هنوز بقوت خود باقیست، در چنین اوضاع و احوالی چطور شده است که دولت بسا این عجله بفرگند تدوین قانونی بسراي مطبوعات افتاده است؟ واقعیت اینست که دولت موقت نه برای خدمت به مطبوعات بلکه برای از بین بردن دست آورد های انقلابی مردم محدود کردن آزادیهای دموکراتیک شمشیر خود را از غلاف بیرون آورده و قانونی ضد دموکراتیک به نام "قانون مطبوعات" را سرهم بندی کرده است. روزنامه ها اول نوشتند که دولت فقط ۱۰ روز به مردم نوبس داده است که درباره این "پیش نویس لایحه" اظهار عقیده کنند و بعد از که دیدند اعتراض همه بلند شد تا ۱۵ تیر آنرا تعدی کردند. لایحه تصویب هیئت وزرا دوسه روزی فرصت می خواهد و شورای انقلاب هم برای تصویب آن بیش از یکی دو روز احتیاج ندارد و به این ترتیب "قانون" ظرف چند هفته به مورد مطبوعات افتاده است؟ واقعیت اینست بقیه در صفحه ۸

## شروع مجدد جنگ آزادیبخش در عمان

با آغاز پانزدهمین سال انقلاب عمان، جبهه خلق برای آزادی عمان آزادیبخش خلق عمان در بک نبرد دلاورانه عملیات مسلحانه خود را از سر گرفت. بقیه در صفحه ۱۱

## توجه به هم میهنان

همانگونه که در گذشته نیز اعلام کرده ایم، عده ای فرصت طلب به منظور سود خوبی و یاپیش برد مقاصد سیاسی خود که کاملاً مغایر با هدفهای سیاسی سازمان است، خود را عضو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعلام می کنند و حتی برخی از آنها برای جلب اعتماد، کارتهایی را که ادعای کنند، کارت عضویت سازمان است به مردم نشان می دهند در حالی که سازمان فعلاً برای اعضای خود کارت عضویت صادر نمی کند و بنابراین هیچ یک از اعضای سازمان کارت عضویت ندارند و ارائه چنین کارتهایی خود دلیل جعلی بودن آنها می باشد. از هواداران وهم میهنانی که می خواهند در مورد صحت و سقم پیوند خود با سازمان اطلاع پیدا کنند، می خواهیم که در تهران به قسمت سازماندهی دفتر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در بلوار کشاورز خیابان دهکده و در شهرستانها نیز به دفتر سازمان مراجعه کنند.

# پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# یک سند دیگر از اقدامات ضد کارگری دولت موقت

رشد آگاهی طبقاتی کارگران و گسترش مبارزات آنها، سرمایه داران و دولت حامی منافع آنها را به وحشت انداخته است. دولت موقت، اقدامات وسیع و گسترده ای را آغاز کرده است تا اینکه انضباط سرمایه داران را مجدداً بر کارخانه ها حاکم سازد. بنام حفظ نظم، سرکوب کارگران و بنام انقلاب اقدامات ضد کارگری را به کارگران تحمیل می کند. دشمنان طبقه کارگر آنچنان هراسناک و وحشت زده شده اند و با چنان سرعتی بر علیه طبقه کارگر به پا خاسته اند که کوچکترین تردیدی در مورد ماهیت ضد کارگری دولت کنونی باقی نمی گذارد. زیرا هنوز فراموش نشده است که اینها کارگران بودند که با مشت های گره کرده در تظاهرات شرکت می کردند. با اعتصابات خود کم روزیم را شکست دادند و بدوش افشار دیگر خلق باقیام مسلحانه رژیم راسرنگون کردند. هنوز خاطره سرکوب کارگران مبارز میهن ما، توسط رژیم مزدور شاه فراموش نشده است که دولت موقت باز داشت دست جمع کارگران صنعت نفت و نورد اهواز... را آغاز کرده است. اگر دولت موقت بنا به ناهیت ضد خلقی خود حمله به کارگران را آغاز کرده است، خلق مبارز ما و در رأس آن طبقه کارگر خوب می داند که حتی جعفران و اراغی که رژیم شاه پدید آورده بود، نتوانست جلوی یورش ویرانگر توده ها را که طومار ننگین حکومت پهلوی را در هم پیچید، سد کنند و سرانجام در زیر ضربات بی امان توده های زباله دانی تاریخ سربده شد. اگر رژیم گذشته می توانست از طریق بی اعتنائی به خواستهای کارگران ایجاد محیط رعب و وحشت، کم کردن جاسوسان و سرسپردگان در کارخانه ها، دستگیری، سرکوب، شکنجه و اعدام کارگران نتیجه مطلوبی بگیرد، دولت موقت کونی هم می تواند به این شیوه ها دل خوش کند. اما دولت موقت باید این واقعیت را درک کند که مطمئناً کارگران مبارز میهن اقدامات ضد کارگری دولت را بی جواب نخواهند گذاشت. بی شرمانه است که هنوز خونهای ریخته کارگران بر با چنان خنیا با نپاشانک نشده است که روشهای ساواک را در کارخانه ها پیاده می کنند و به شناسایی، تعقیب و آزار

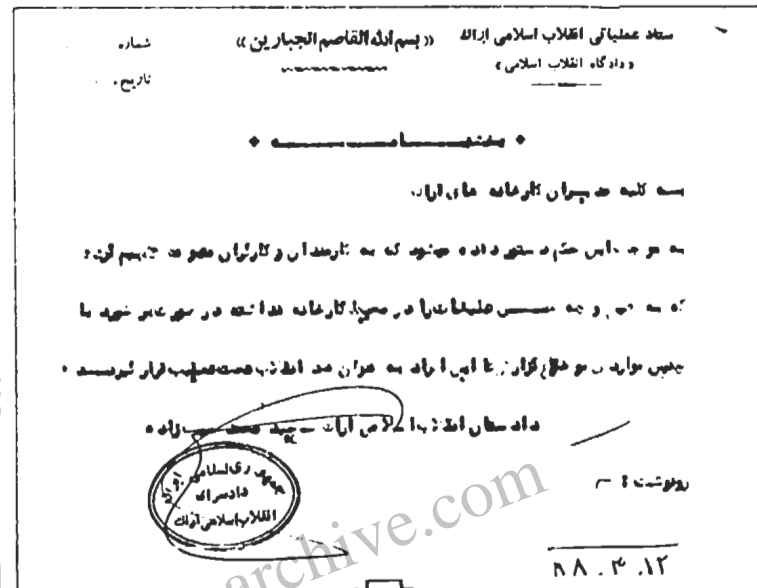
کارگران می پردازند.

نمونه بارز این اقدامات ضد کارگری بخشنامه ای است که به نازکی به دنبال بخشنامه دولت از سوی "دادسرای انقلاب اسلامی اراک" جهت مدیران کارخانه های اراک نوشته شده و در آن به صراحت حق هرگونه آزادی و اعتراض از کارگران سلب شده است و به سرمایه داران و مدیران کارخانه ها این حق را داده اند که کارگران مبارز را شناسایی کنند و به دادسرای به اصطلاح انقلاب اسلامی گزارش دهند تا بعنوان ضد انقلاب تحت تعقیب قرار گیرند.

مستأهل می کنیم که آیا ضد انقلاب سرمایه داران مفت خور و حامیان آنها هستند یا طبقه کارگر؟ و آیا این است سهم کارگران از انقلابی که آنهمه در راهش جان باختند و آیا این است حساب خواستهای کارگران؟

رفقای کارگر!  
این سند یکبار دیگر ماهیت ضد کارگری دولت کنونی را به بهترین وجه نشان می دهد. این سند یکبار دیگر نشان می دهد که در جامعه سرمایه داری دولت، دادگاهها، ارتش پلیس... همه در خدمت سرکوب کارگران و دفاع از سرمایه داران قرار دارند. تازمانی که رهبری مبارزه در دست طبقه کارگر نباشد نظام سرمایه داری - وابسته از بین نرود، هیچ دولتی از منافع کارگران و زحمتکشان دیگر، دفاع نخواهد کرد.

رفقای کارگر!  
تنها شکل و اتحاد کارگران و ایجاد دولتی تحت رهبری طبقه کارگر میتواند جامعه ما را از وابستگی به امپریالیسم نجات بخشد و یک چنین دولتی است که می تواند در راه منافع طبقه کارگر و همه نیروهای خلقی گام بردارد.



بشنامه  
به کلیه مدیران کارخانه های اراک  
بموجب این حکم دستور داده می شود که به کارمندان و کارگران مجموعه تفهیم گردد که به هیچ وجه حق تبلیغات را در محیط کارخانه نداشته و در صورت برخورد با چنین مواردی موضوع گزارش تا این افراد به عنوان ضد انقلاب تحت تعقیب قرار گیرند.  
دادستان انقلاب اسلامی اراک سید محمد...

## کارگران، دهقانان و...

بقیه از صفحه ۱  
درسراسر تاریخ هرگاه که خواسته اند توده ها را از حق شرکت در تعیین سرنوشت خود محروم کنند، عدم آگاهی و رشد توده ها، حساسیت زمانی، شرایط و امثالهم را بهانه آورده اند و امروز نیز به روشنی می بینیم که حساسیت و اوضاع و احوال و کمبود و عدم اطلاع و "خبره نبودن" نمایندگان را که مردم انتخاب می کنند بهانه کرده اند. اما همه می دانیم که برای توده ها خطر واقعی شرکت ندادن آنها در وضع قوانینی است که مستقیماً به زندگی خود آنها مربوط است.  
بدون شک هیچ کس بهتر از کارگر، از رنج کارگران، ستم سرمایه داران و خواسته های کارگران سردر نمی آورد. هیچ کس بهتر از نمایندگان خلقهای مختلف ایران شایسته تصمیم گیری درباره قوانینی که خلقهای میهن مادر آن ذینفعند، نیست و هیچ مقامی نمی تواند و حق ندارد در آنها قیام در بسته برای میلیونها تن از زحمتکش و خلقهای محروم ایران قانون وضع کند. چنین قوانینی نه تنها هرگز نمی تواند مطلوب خلقهای کرد، ترک و غیره باشد بلکه برای یکپارچگی ایران نیز خطراتی جدی در بر خواهد داشت.  
به اعتقاد ما اگر امروز قوانینی برخلاف منافع کارگران، دهقانان و خلقهای ستمدیده ایران تدوین و در شرایطی غیردموکراتیک از طریق فراندوم به تصویب رسانده شود، باز هم هیچ کس نمی تواند مدعی رسمیت چنین قوانینی باشد. چرا که این قوانین از آنجا که هرگز نخواهند توانست منافع کارگران و منافع خلقهای زیر ستم میهن را در نظر بگیرند در یازود با اعتراض و مخالفت کارگران و زحمتکشان سراسر ایران روبه رو خواهد شد و توده ها با اعتراض یکپارچه خود ستم محکومیت آن را امضا خواهند کرد.

## کارگران در جریان...

بقیه از صفحه ۱  
چگونگی مبارزات کارگران  
کارگران برای افزایش حقوق و سود سالانه دست به مبارزه می زنند. انگیزه کارگران در شروع این حرکت مبارزاتی کاملاً روشن است.  
"به آنها گفتیم: بابا دم عید به ما پول بدهید، احتیاج داریم، ندادند. پس ما کارخانه را خواباندیم."  
کارگران در اولین قدم مبارزه در مقابل نماینده کارفرما قرار می گیرند یکی از کارگران شدت مضروب می شود و دستش می شکند. کارگران از کمیته کمک می خواهند. اما کمیته هم به کارگران هیچبند صدانقلابی و خرابکاری می زند. زیرا عوامل نماینده کارفرما در داخل کمیته هستند. کارگران ماهیت این کمیته را در عمل می بینند و می شناسند. کارگری به شخصی که مدافع کمیته بود می گوید:  
"تو که این همه از کمیته می گوئی مگر برایت چکار کرده است؟ مگر همان افراد نماینده کارفرما توی کمیته نیستند؟" کارگر دیگری می گوید:  
"تا دیروز جرئت نداشتیم حرفی بزنیم. ما را به ساواک می بردند. حالا هم اگر صدایمان در بیاید به کمیته می برند."  
کارگران ضمن متوقف کردن کار متحصن می شوند و با تعیین چند نماینده به اداره کار منطقه می روند. رئیس اداره کار کارگران را دست بسر می کند. کارگران می بینند که عوامل کارفرما آنجا هم نفوذ دارند. آنها در برخورد با این مائل ارتباط اداره کار منطقه، کمیته و نماینده کارفرما را یکدیگر و نیز نفوذ عوامل کارفرما در کمیته و اداره کار می بینند.

## ادامه مبارزه کارگران

عناصر آگاه ضمن شرکت در مبارزه کارگران، ارتباط و وحدت سرمایه داران و دولت و در نتیجه وحدت کارفرما و اداره کار را با افشاری همه جانبه برای کارگران توضیح می دهند. چونگویی این ارتباط همه جانبه دولت و سرمایه داران را کارگری آگاه چنین بیان می کند:  
"اینها آمده اند هی وعده می دهند که فلان کار را می کنیم. ولی توی کمیته و اداره کارشان بر این عوامل کارفرماست" در ادامه مبارزه کارگران به وزارت کاری روند. هنوز به وزارت کار امید دارند و فکر می کنند که وزارت کار خواسته هایشان را برآورده خواهد کرد. چرا که حتی از آمدن نمایندگان وزارت کار خوشحال هستند و از وزارت کار

## کارگران شرکت ایران - زاین پائین بودن سطح حقوق و گرانی بیش از حد، زندگی ما را غیر ممکن ساخته است

مسئله ای که کارگران و تمام هواداران طبقه کارگر باید همیشه در عمل به آن توجه کنند و هرگز فراموش نکنند آن است که نظام سرمایه داری به هر شکلی که باشد و به هر اصلاحاتی که دست بزند باز هم هرگز نخواهد توانست پاسخگوی نیازهای طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه باشد. کارگران، بویژه در موقعیت انقلابی کنونی نباید مبارزات خود را به خواستهای اقتصادی محدود کنند بلکه باید همواره به مبارزه سیاسی توجه داشته باشند. به اعتقاد ما کارگران شرکت ایران زاین در اینجا مبارزه سیاسی را فراموش کرده اند و تنها به مطالبات و درخواستهای اقتصادی توجه داشته اند. باید همواره و در عمل توجه داشت که تنها با نبودی کامل نظام سرمایه داری و استقرار حکومت کارگران است که طبقه

هموطنان مبارز:  
پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمائید.  
تهران - خیابان بلوار، خیابان دهکده (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. تلفن ۶۵۹۹۹۹  
آدرس بانکی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، تهران - بانک ملی ایران، شعبه دانشگاه. شماره حساب ۳۲۰۹۸  
بنام عباس فضیلت کلام.  
از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم، فیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.

# همه صنایع و شرکتهای وابسته باید ملی شوند

# اخبار کارگری

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## تحصن کارگران آکام

### دولت ۶۰ میلیون بدهی خود به لاجوردی را به کارگران بدهد

۸۴۲ تن کارکنان ناسبات آکام واسه به گروه صنعتی شهر هفتصد گذشته در دفتر مرکزی این شرکت واقع در خیابان فخر آباد دست به تحصن زدند.

نایب آکام واقع در ۲۲ کیلومتری حاده قدیم کرج از جمله ناسبات گروه صنعتی شهر است که کله سهام آن متعلق به برادران لاجوردی، خسرو رحمانی کیا و حواد خادم احمد آبادی می باشد. کارکنان ناسبات آکام را اکثر کارگران مینی تشکیل می دهد که کار آنها احسن اسکله فلزی و ساختمانهای پس ساحه سنونی است. حداقل دستمزد کارگران روزی ۳۲ تومان است و با وجود پرداخت ۷٪ حقوق ماهانه به عنوان حق سیم هج یک از آنها صاحب دفتر چه سهم نامن اعتنا رسید. زیرا عدم پرداخت حقوق سه کارگران از جانب کارفرما به سازمان خدمات درمانی باعث شده که دفتر چه سه کارگران فاقد نام اعتبار باشد. نماینده کارکنان محصن که یکی از اعضای شورای ۷ نفری این شرکت است در توضیح خواستههایش گفت:

شورای مابین از اینکه در اسفند ماه شکل شد در جهت نامس حواسهای کارگران با کارفرما تماس گرفت و سپس در جلسه ای که در حضور نماینده کارفرما و نماینده وزارت کار تشکیل شده بود، سوافضامای از جانب طرفین به امضا رسید که طی آن کارفرما متعهد به پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران، پرداخت سود و بهره و بازگشت کارگران احرافی

به سرکار بود اما هیچیک از این خواستهها تاکنون به مرحله اجرا گذاشته نشده است یکی از نمایندگان شورایی گفت:

آکام فلز آکام بتون از اولس ناسبات آکام بود و بعد کارفرما از سود حاصله از این دو شرکت در شرکت ناسباتی راه نام آکام بوجود آورده و همیشه هم سودی که باید بین کارگران تقسیم می شد به جیب کارفرما می رفت. ما حساب کردیم که هر کارگر باید در سال حداقل ۱۵۰۰۰ تومان سود ویژه دریافت کند در حالیکه حداکثر این دریافتی تا سال ۵۶ مبلغ ۳۵۰۰ تومان بوده و سود ویژه سال ۵۷ نیز هنوز پرداخت نشده است. مدارکات نمایندگان کارکنان با وزارت کار و نماینده کارفرما نتیجه ای نداشته است و تنها نتیجه تحمیل یک مدیر انتصابی از جانب وزارت کار برای این شرکت شده است. یکی از کارگران در این مورد می گفت:

ما کارگرانی که انقلاب کردیم چرا باید گرسنه مانیم؟ چرا دولت نیست به این موضوع رسیدگی نمی کند؟ دولت نزدیک به ۶۰ میلیون تومان به لاجوردی بدهکار است به جای پرداخت این پول به لاجوردی حقوق کارگران را پرداخت کند.

فسمعی از خواستههای کارکنان شرکت آکام عبارتست از:

- ۱- دریافت حقوق دو ماهه گذشته
- ۲- دریافت سود ویژه سال ۵۷
- ۳- تعیین تکلیف ۱۷۰ نفر از کارگران احرافی که ورقه بازگشت بکار را دارند اما هنوز تکلیفشان معلوم نیست.

## اعتصاب کارگران پیمانی بشکه سازی پالایشگاه آبادان

آبادان - گروهی از کارگران پیمانی بشکه سازی پالایشگاه نفت آبادان از روز ۱۹ خرداد دست به اعتصاب زدند. این کارگران خواستار رسمی شدن و استفاده از حقوق و مزایای ناشی از تغییر وضعیت استخدامی خود هستند. کارگران قسمت بشکه سازی از یکسال پیش بارها دست به اعتصاب زده اند.

بخش دیگری از خواستههای کارگران پیمانی بشکه سازی پالایشگاه نفت آبادان از این قرار است:

پرداخت حقوق بوسله شرکت نفت (بجای پیمانکاری)، اجرای طبقه بندی مشاغل، تعطیل روز پنجشنبه و ۲۰ روز مرخصی سالانه، دریافت حق فتنی و رسیدگی به نیازهای درمانی و امنیتی کارگران.

لازم به یاد آورست که کارگران بشکه سازی در محیط نامناسب که غیر بهداشتی و همراه با سروصدای بسیار است کاری کنند. کارگران خواهان دریافت حقوق سختی کار و تغییر محیط کار خود هستند.

## خواستههای کارگران کوره پزخانه های اردبیل

اردبیل - کارگران کوره پزخانه های اردبیل، چرخش، آجر چین (کوره چی) و آجر زن کوره پزخانه های اردبیل در بیانیه ای خواستههای خود را مطرح کردند.

در قسمتی از این بیانیه آمده است:

ما در حتمتکنان همواره عرق می ریزیم و همیشه با شرایط سختی کاری کنیم. در حالی که شمره کارمان را گروهی سودجو و زورگو و غارتگر صاحب شده، روزی روز گردن کلفت تر و ظالمتر می شوند.

این محرومیتها ما را بر آن داشت که همواره با دیگر کارگران جامعه در مقابل رژیم که مسئول این همه خرابی وضع ما بود بیاخریم و مبارزه کنیم تا اینکه در فردای بیروزی دیگر حاصل دسترنج ما به جیب مفتخوران رالو صفت نرود. و لسی مناسفانه می بینیم در این مدت سه ماهی که از انقلاب گذشته اصلا وضع ما در کشتان تفاوتی نگرفته بلکه فشار بیشتر شده است و اگر هم اعتراض بکنی می گویند صبر انقلابی داشته باش و به خاطر انقلاب گذشت کن، گذشت کن تا زن و بچه هایت از گرسنگی می میرند، گذشت کن تا صاحب کار روز بروز چاقتر از روز قبل شود. چرا گذشت ران سرمایه داران، کارخانه داران و صاحب کوره پزخانه هانی. کنند که شمره ما را زامی خورند؟

۱- استفاده رسمی تمام کارگران کوره پزخانه های اردبیل.

۲- صدور دفتر چه سهم بهداشتی برای تمام کارگران کوره پزخانه، احداث مدرسه برای فرزندانمان در نزدیکی محل کار و کلاس اکابر برای بزرگان.

۳- دادن وامهای طویل المدت و بدون بهره برای کارگران در اسرع وقت.

۴- دادن لباس کار و وسایل لازم و بهداشتی کردن محیط کار.

۵- حق استفاده از حقوق حمصه و ایام تعطیلی و یک ماه مرخصی سالانه.

۶- تشکیل شوراهای واقعی کارگری جهت پیشبرد هدفهای برجھقان.

ضمنا پشتیبانی خود را از کارگران کوره پزخانه تبریز و از خواستههای برجھ همه خلقهای تحت ستم از جمله خلق قهرمان آذربایجان ابراز داشته و هرگونه تفرقه افکنی در صفوف خلق را محکوم می کنیم.

## کارگران کوره پزخانه آمل تولید را بدست گرفتند

با کاهش نرخ آجر و رساندن آن به قیمت عادلانه کوشش انقلابی کارگران را در جهت حفظ منافع کارگران و مردم عملا نشان داد و مردم نیز با خرید آجر از سرکوره ها همسنگی خود را با کارگران اعلام کردند. بدینال بدست گرفتن تولید کوره پزخانه شگون، کارفرمایان چند کوره دیگر را کاشن نرخ آجر رساندن آن به قیمت عادلانه کوشش انقلابی کارگران را در جهت حفظ منافع کارگران و مردم عملا نشان داد و مردم نیز با خرید آجر از سرکوره ها همسنگی خود را با کارگران اعلام کردند. بدینال بدست گرفتن تولید کوره پزخانه شگون، کارفرمایان چند کوره دیگر را

آمل - کارگران کوره پزخانه آمل بدینال اظهارهای فنی و پذیرفته شدن خواستههایشان از طرف کارفرمایان از ۱۹ خرداد تولید کوره ها را بدست گرفتند. کارگران فلتا طی بیانیه ای شرایط غیر انسانی کار و باس بودن دستمزد و بی توجهی کارفرمایان نسبت به خواستههایشان را شرح کرده و بدو بالاخره پس از دو ماه درگیری کنترل کوره ها را بدست گرفتند.

## حقوق کارگر را فقط ۱۴ تومان تعیین کردند

روزی ۱۴ تومان به کار باز کردند. کارگران شرکت برج خواهان بازگشت به کار با حقوق مناسب و دریافت حقوق عقب افتاده خود هستند.

بابل - گروهی از کارگران نجاج بابل نسبت به رفتار توهین آمیز شخصی به نام "مهندس شهاب" که رئیس کارخانه فندکی این شهر است اعتراض کردند و خواهان برکناری و مجازات وی شدند. در بیانیه این کارگران گفته می شود مهندس شهاب (که سیاست ضد کارگری دارد و با عوامل رژیم گذشته همکاری داشته) در برابر درخواست همکاری یک کارگر ابتدا شروع به فحاشی و سپس کتک کاری می کند. همچنین یکی از نگهبانان بنام "حدادی" که سابقه سرقت دارد و عامل کارفرماست یکی از کارگران مبارز را با چاقو زخمی کرده که پس از چند ساعت باردانست در کمیته آزاد می شود.

## بر اثر هوسبازی و همبستگی کارگران حمله مهاجمین به کارخانه بی - یو رشت شکست خورد

رشت - روز ۲۰ خرداد عده ای از افراد ضد انقلابی که خود را وابسته به یکی از گمته های شهر معرفی می کردند با اسلحه و چماق و چاقو به کارخانه بی - یو رشت حمله می کنند. مهاجمان پس از ورود به کارخانه به پناهگاه یکی از کارگران زن مورد اذیت قرار گرفته چند تن از کارگران را محروم می کنند و ضمن بهم ریختن وسایل اطفاهاز مته را برای درگیری و احداث اختلاف میان کارگران فراهم می کنند. کارگران مبارز کارخانه با هوسبازی و همسنگی این توطئه مهاجمین آگاه می شوند و با حوسبندی و مناسبت انقلابی مهاجمین را محصور به غف شخصی می کنند. بلافاصله حمله ای محصور کارگران و همسر کارگری که مهاجمین ادعا می کنند به او اهاات شده، تشکیل می شود. در اس جلسه شخص می شود که ادعای مهاجمین بی اساس بوده و آنها قصد توطئه و خونریزی داشته اند. صور جلسه

## فعالیت های شورای کارگران سیمان صوفیان

است و بالای آرم نوشته برچشم می خورد: "ما کارگران دخالت امریکا را در امور خود محکوم می کنیم".

در پائین آرم نوشته شده است: "مرگ بر امپریالیسم و صهیونیسم"

شورای کارگران سیمان صوفیان توانسته است حقوق کارگران و کارکنان این کارخانه را تا حدودی افزایش دهد.

تبریز - کارگران و کارکنان شرکت واحدهای مسکونی خانه سازی تبریز در اجتماع خواستههای خود را مطرح کردند. کارگران در این جلسه که در ۱۷ خرداد برگزار شد در مورد دریافت دفترچه سهم درمانی که از چهار سال پیش حق بیمه اش کسر میشد و همچنین افزایش حقوق و تامین وسایل ایمنی صحبت کردند. در این جلسه چند تن از عوامل ضد کارگری برخلاف خواستهها و مصالح کارگران سخن گفتند که با عکس العمل شدید کارگران و کارکنان روبرو شدند.

صوفیان - شورای کارگران کارخانه سیمان صوفیان مرخصی سالانه کارگران را به ۱۸ روز افزایش داد که از اول فروردین ماه ۵۸ قابل اجرا است. همچنین کتابخانه ای در قسمت برق این کارخانه با فعالیت کارگران ایجاد شد. بتازگی آرم جدیدی بوسله کارگران تهیه شده که تصویر کوره های کارخانه در آن منعکس

تبریز - گروهی از کارگران بیکار تبریز روز دوشنبه ۲۹ خرداد در محفل دبیرستان ارم اجتماع کردند و خواهان صادره سرمایه ها و کارخانه های بزرگ شدند. یکی از کارگران گفت:

"در یکی از سندیگاها به کارگران پیشنهاد پول می کنند تا به محل اجتماع کارگران بیکار نیایند. یکی از نمایندگان کارگران که برای مذاکره به تهران آمده بود گفت:

"مذاکرات با معاون وزیر کار عملا نتیجه ای نداشته است. کارگران در پایان به ضرورت تشکیل سندیکا و ادامه مبارزه تاکید کردند.

## عوامل ساواک را به کارخانه بازگرداندند

کاشان - گروهی از کارگران صنایع "راوند" متعلق به لاجوردی سرمایه دار معروف در بیانیه ای ضمن اعتراض به بازگشت دوتی از عوامل رژیم گذشته (که فعلا از کارخانه اخراج شده بودند) و اعتراض به حمایت رئیس اداره کار از آنها خواستار اخراج مجدد این عوامل و برکناری رئیس اداره کار کاشان شدند.

کارگران کارخانه راوند ضمن حمایت از شورای کارگری کارخانه به این نکته اشاره کرده اند که روابط سابق دوباره بر کارخانه مسلط شده است. آنها این سؤال را مطرح کرده اند که آیا باید مثل گذشته ما برای "لاجوردی" ها جان بکنیم؟ آیا باید کسانی که در نتیجه قیام و مبارزات انقلابی کارگران و بخاطر ارتباط با ساواک و مزدوران رژیم گذشته اخراج شده اند، به کار بازگردانده شوند؟ آیا کارگران باید برای انباشتن جیب سرمایه داران تولید را بالا بیاورند، بدون اینکه کوچکترین سهمی از سود باقی در مدیریت کارخانه داشته باشند؟

کارگران در پایان خواستار اخراج خواجوی و استوار تولید از کارخانه و برکناری رئیس اداره کار (که در گذشته نیز سیاست ضد کارگری داشته) و همچنین "عسگری" رئیس سازمان کارگران شده اند.

## حمایت کارگران رشت باید ۴۰ درصد به حقوقها اضافه شود

شورای کارگران کارخانه "بارسنت" رشت در یک گردهمایی که تمام کارگران در آن شرکت داشتند تصمیم گرفتند افزایش دستمزدها را به میزان ۴۰ درصد تقاضا کنند. کارگران اعلام داشتند چنانچه برخواستهای آنها توجه نشود از ورود مدبرعامل و روسا و همچنین خروج کالا جلوگیری خواهند کرد.

کارگران شرکت جوراب بافی گنت (مدبشا) که بالغ بر ۱۵۰ نفری هستند در یک جلسه عمومی با حضور نمایندگان خود خواستههایی را مطرح کردند و برای رسیدن به این خواستهها روز دوازدهم خرداد دست از کار کشیدند. کارفرما متعهد شده است تا اول تیرماه خواستههای کارگران را که عبارت است از اضافه دستمزد بر حسب سابقه کار از ۳۰ تا ۵۵ تومان و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل اجرا کند.

سرمایه دار در چند روز پیش مقاله ای بصورت "آکمی" در روزنامه ها منتشر کرد و خود را طرفدار انقلاب معرفی کرد.

دستال حمله به کارخانه بی - یو گروههای مختلفی از کارگران رشت از آنها حمایت کردند. از جمله کارگران کارخانه جسی سازی "ایربریلان" در سانه ای حمله عناصر مرخص و ضد کارگر را محکوم کرده و خواستار مجازات مهاجمین شده اند. کارگران ایر بریلان آمادگی خود را برای حمایت از کارگران بی - یو در جهت مقابله با عناصر ضد کارگری و کویا کردن دست آنها از کارخانه ها اعلام داشته اند.

کارگران کارخانه "ورزیده کار" رشت که پس از ۵۰ نفر هستند خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل شده اند. از طرف شورای کارگران یک نماینده برای ساده کردن طرح معرفی شده که کارفرما با این نماینده مخالفت کرده است. کارگران تصمیم گرفتند در صورت لزوم از ورود مدبرعامل و رئیس کارگری به کارخانه جلوگیری کنند و مانع خروج کالا از کارخانه شود.

"ورزیده کار" که بزرگترین کارخانه دار و وارد کننده مواد پلاستیکی است در برابر خواستههای کارگران مقاومت می کند. وی که صد هائیسون تومان



فرخی،

شاعر زحمتکشان

فرخی سردی، شاعر و سوسده آزادخواه واعلایی ایران، در سال ۱۲۶۵ - هجری قمری در بروجرد متولد شد. کودکی و جوانی در بروجرد و قزوین گذشت. در آسایش مروتی با سیدان حزب دمکرات (از احزاب مرفعی آن زمان) شغف پیدا کرد. در سال ۱۲۸۶ به دست نیروی انتظامی به دستور حاکم بروجرد در سهراب دهان راجح و مورین دو حیدر و آن کار در زمانی انجام می گرفت که سه سال از انقلاب مروتی و اسرار حکومت قزوین می گذشت.

وی سرانجام از زندان سهرابی برود و در سال ۱۲۸۷ به تهران آمد. در سال ۱۲۹۶ همراه با سلطان میرزا اسکندری و چند تن دیگر، به دعوت دولت شوروی در دهمن سالگرد انقلاب اکبر در مسکو شرکت جست. در اواخر سال ۱۲۹۸ روزنامه "طوفان" را انتشار داد. این روزنامه به سبب حملات بی ادبانه که در عوامل استبداد و ارتجاع می کرد اغلب توقیف بود. خود شاعر سرانجام در حبس باسعد بود. درباره جعفران و ساسور ارتجاع حاکم، حسن گفته است.

آزادی است و مجلسی و هر روزنامه را هر روز بی محاکمه توقیف می کنند. گویند لب لبیب جویینی خطای ما را می است باصواب که تکلیف می کنند.



همراه با کودتای بنکس ۱۲۹۹ که دست رضا خان و سید سوز انگلیس تمام احجام شد. مدتی در زندان سیر کرد. در زمان کابینه ونوی الدوله، با قرارداد محوین و اسرار ۱۹۱۹ که انگلیس با دست ستادگان داخلی آسپاه ایران حمل کرده بودند، تمام نیروی مخالفت برخاست.

در سال ۱۳۰۷ در بروجرد هم، معاهده بزد در مجلس شورای ملی شد. اما به سبب ندانستن نامی حاکم که سید محافلین شاه بود، ایران را ترک گفت. ابتدا به سکو رفت و بعد به ترس رفت و همچنان به مبارزه علیه خودکامی رضا شاه ادامه داد. تا آنکه سوزمان ویر دربار رفت که به ترس آمده بود، از طرف شاه به او ایمنی حاکم داد. فرخی فریب خورد و در سال ۱۳۱۲ به ایران برگشت. او را دستگیر کردند. مدتی زندانی بود و سرانجام، در محاسن شاه در روز پنجشنبه ۱۳۱۸ او را در زندان به شهادت رساندند.

فرخی در زندان می زیست که انقلاب مروتی با آن همه جانناز سبهای حیرت انگیز، با آن همه شهید، بر اثر یک سلسله علل، مهمتر از همه سوارش سروهی از چنانی و مبارکاز مالکین ها (و سر به سب پاره های آشنایات نیروهای افغانی) به شکست انجامیده بود. ارتجاع و استبداد که اردو سوزان رانده شده بود، از پیچره بازگشته بود. افغانیون روز آخر، باه فول کسروی "میوه چنان انقلاب" آسپاهک مندا در لحظه مناسب "تاگهان" افغانی شده بودند، تمامی ارگاسهای فدایی را دست گرفته بودند.

هم ایسان، سروهی مسلح خلق، یعنی مبارزان مشروطه راه خاطر "مصالح انقلاب"، طبع سلاح کرده بودند و سرانجام انقلاب را به سود خود و آریایان خود محروم ساخته بودند. فرخی از این اوضاع روح سزار می برد:

ز آزادی جهان آباد و جرح کشور دارا  
بسیار مشروطه، با افسار استبداد می گردد.  
براندگی سروهی افغانی و سبب و اختلاف سزار در میان آنها نیز یکی دیگر از عواملی بود که فرخی را عمقا آندوهگین می ساخت. در این باره می گوید:

همین نفاق که افتاده در میانه ما،  
یکی از فرصتهای درحسان زدگی فرخی، که در تکوین و انجام شخصیت مبارزش نقش موری داشت، آشنائی او با کمونیستهای ایران از جمله دکتر تقی آریایی، اس کمونیست صدیق کشور ما، در زندان است. این فرصت موجب شد تا او با بدنه های کمونیستی یعنی آرماسهای طبعه کارگر، اگر چه بسیار مختصر، آشنائی پیدا کند و احساسات که لوح و مصطلحات نوشته ها و تعارض اندکی تغییر می پذیرد و از دیدگاه دیگری به سبب اجتماعی و مسائل مبارزه ضد استبداد می نگرد:

توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود  
کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود  
تا گمگند است که منظور شاعران "جنگ صنفی" جنگ طبقاتی است. در این زمان است که با محوینائی یکی متفاوت از شعرهای قبلی خود، جنبش می براند:

آنچه را با کارگر سرمایه داری می کند  
با کمپوز، پنجه باز شکاری می کند.  
می برد از دسترنجش گنج اگر سرمایه دار  
بهر فیلش از چه دیگر بافتاری می کند؟  
سال و مه در انتظار فرصت نان، شب تا به صبح  
دیده زار چرا اختر شماری می کند؟

عمده ترس آموزشی که فرخی به زحمتکشان می دهد، اتحاد و یکپارچگی استبداد مبارزه علیه طبقات حاکم است. او به زحمتکشان می آموزد که همانطور که سنگران در مبارزه خود علیه ستونکشان متحد و یکپارچه عمل می کنند، آنان نیز باید متحد و یکپارچه عمل کنند:

در شماره قبل متأسفانه علت تراکم مطالب نتوانستیم دساله مقاله "سخنی درباره شعر" را باورن ارجواندگان، از این شماره مجدداً بحث خود را دنبال می کنیم.

فردا

کوچک خوب!  
گریه نکن  
من صداقت گریه هایت رامی دانم  
و از قطره های اشکت  
دنیائی تجربه دارم.

کودک همیشه گریان همسایه!  
من سلول پیکر فقرم  
و صحنه هایت را خوب می شناسم

فرزند گرسنگی!  
صداقت گریه های تو  
خشم هزاران دهان پرفریاد است  
و هزاران مشت گره کسورده.

قطره کوچیک رنج!  
زالال اشکت  
میلاد مسلسل است و استمرار خشم

گر سینه کوچیک!  
با چشم اشکبارت که تصویر راتاری می کند  
نگاه کن

نگاه کن  
برق سرنیزه های دشمن را  
موج انسان را  
و دریای خون را.

من سلول فقرم،  
کهنه آجر بنای لرزان تبعیض،  
هزار فریاد  
ویک جفت مشت گره کرده:  
این تمام دارائی من است  
در طبق اخلاص

فرخی که این هفتد بر اساس انتخاب کرده ام از یک رقص حرومچین چاپخانه است و می بسید که جقدر زیباست. اما آنچه نقل شد، تمامی شعر نیست. شعر اصلی بلند بود و یک هائی از آن را حذف کردم. البته این حذف کردن فقط به دلیل بلندی شعر نبود، بلکه علت دیگرش این بود که در دیگر قسمت های شعر، مفاهیم و مضامین (سطر) های بسیار تکرار شده بود و این تکرار به سبب کسب به بهتر شدن شعر نمی کرد، بلکه بیشتر بصورت حرفهای ساده ای بود که حذف آنها هیچ لطمه ای به شعر نمی زد. بخش هائی که ما حذف کردیم با بخت هائی

تبعی که این هفتد بر اساس انتخاب کرده ام از یک رقص حرومچین چاپخانه است و می بسید که جقدر زیباست. اما آنچه نقل شد، تمامی شعر نیست. شعر اصلی بلند بود و یک هائی از آن را حذف کردم. البته این حذف کردن فقط به دلیل بلندی شعر نبود، بلکه علت دیگرش این بود که در دیگر قسمت های شعر، مفاهیم و مضامین (سطر) های بسیار تکرار شده بود و این تکرار به سبب کسب به بهتر شدن شعر نمی کرد، بلکه بیشتر بصورت حرفهای ساده ای بود که حذف آنها هیچ لطمه ای به شعر نمی زد. بخش هائی که ما حذف کردیم با بخت هائی

آسپاهای آنکه مارا شاد کند، عمگس و خشمگین می کند. مثل دیدن روح همه مردم رنج دیده.  
و آنوقت در اینجای سبیم که ساعر براس این اندیشه طبقاتی اش، نسبت به این کودک گرسنه همسایه موضع گرفته است.

سخنی درباره شعر (۲)

متلاذکی از سطرهایی که ما حذف کردیم اینطور بود: "گریه کوچیک، گریه نکن خواهش می کنم. می بسید که این جمله درست مانند حرفهای است که در محاوره روزمره و در صحبت های معمول هم بکار می رود. اگر چه نفرو صند دیگر هم نخواهند مفهوم جمله را برسان کنند همه همان کلمات را بکار خواهند برد و حرف خود را به همان صورت خواهند زد. گذشته از آن این جمله فقط یک معنی دارد، یک مسئله را می گوید و اصولاً غم و شادی و فکر و موضع گوینده در آن دخالت ندارد. نه شناختی از گوینده شعر بدست می دهد و نه شناخت کاملی از کودکی که گریه می کند.

اما وقتی که همین شاعر در حقای دیگر می گوید:  
قطره کوچیک رنج!  
زالال اشکت  
میلاد مسلسل است و استمرار خشم

می بینیم که در اینجا احساس خود را به شکل خاصی بیان کرده که اگر کس دیگری بجای او بود قطعاً نمی توانست عیناً به همین شکل بیان کند. پس در اینجا فکر و احساس شاعر هم دخالت و اوصافی دارد. شاعر تنها بطور ساده از او نخواسته که گریه نکند، بلکه نشان داده که و چگونه طفلی است. کوچکی معصوم طفلی را به یک قطره تشنه کرده که قاعدتاً زالال و شفاف است. مثل بسیاری قطره های دیگر. شما خودتان می دانید که کودکان جقدر نازنین و ساده اند، جقدر پاک و معصومند. جقدر مثل آب خواستنی هستند و آدم سناط می دهد و باس تشنه بخصوص از این نظر جالب است که این طفل در حال گریستن نرسیده اما حرف به همین جات تمام نمی شود. این کودک، یک "قطره کوچیک رنج" است. و برای همین مثل قطره اشک که زالال است، دردناک هم هست. کودکان از سوئی بی آلاش و پاکند و از سوی دیگر اسیر رنج. از همین روست که گاه دیدن

ماد را اینجا تنها خواستیم تعاقب انسان دهیم. حالا طبیعی است که این سؤال بسش می آید که علت این تفاوت چیست و اصولاً چگونه می توان این تفاوت را ایجاد کرد؟ چگونه می توان از کلام ساده و عیب شعری (نثر) بدکلام ساعرانه رسید؟ درباره این مسائل در آینده بیشتر صحبت خواهیم کرد. علت تفاوت هارا سناطی سان خواهیم کرد. صفت و خصوصیات های یک شعر را بررسی خواهیم کرد و رابطه کلمه هارا با احساس گوینده و نحو و انتخاب اسباب را توضیح خواهیم داد.

اما اینک باز به قطعاً دیگری از یک شعر گاه می کنیم به نام "کارگر" که رقص کارگری برای ما فرستاده است. من یک کارگرم و ارباب رنجم

و ارباب دستهای طاوول زده یک دهقان  
و ارباب دستهای نخبریده زنی قالیباف.  
اگر در این چند مصراع (سطر) هم دست کنیم، با رقبیل از هر چیر تفاوت حرف معمولی با حرف های یک شاعر برامان روشن می شود. جمله "من یک کارگرم" تنها طبقه و شغل را بیان می کند. اما نه از درد و رنج گوینده خبری می دهد، و نه از احساس و فکر او. دیگران هم اگر خواهند خود را فقط معرفی کنند، همینطور سخن خواهند گفت. اما شاعر می گوید:

"من حذر دستهای طاوول زده پیدرم که یک دهقان است و ارباب هیچ چیزی نیست. "با" فقط ارباب دست های مادرم هستم که کار کردن باغ درفالی - با می آسپاهای بریده است. "این دستها برای ما درد و عذاب رن و مرد طبقان محروم را مجسم می کند. شاعر وقتی دستهای می بسید جقدر ناراحت می شود آسپاهای فکر کنید یک نفر حوزمین دستها هیچ چیزی به ارباب نبرده باشد. درد و رنجی که ساخواندن همس دو مصراع به آدم منتقل می شود، همان درد و رنجی است که شاعر احساس کرده است. پس یک شعر باید بتواند عین احساس و فکر شاعر را با کلمات خود به ما منتقل کند. اگر فقط گفته شود: "مادرم زنی قالی باف است" آری این احساس و درد را به ما می فهماند؟

همین شاعر در یک مصراع در جای دیگر گفته است:  
"من یک کارگرم،  
بجامانده از برزگری پیر"

درست است که زندگی برزگر در کشور ما آسپاهای تاریخ است، اما می بسید که این جمله احساس خاصی را در ما بر نمی انگیزد. آیا خودتان تفاوت این جمله را با جمله - هائی که قبلاً نقل کردیم حس نمی کنید؟

آخر ای مظلوم! از مظلوم چون خود یاد کن  
چون بیبینی ظالم، از ظالم حمایت می کنی  
فرخی بزرگ، چنانکه خود زمانی سروده بود، در راه خلق خود تسلیم نبود جان و نسلم شد.

در این محاسن احترام عمیق به مبارزه دلیرانه فرخی با استبداد و شهادت فیرمانانه اش در این راه، باید گفت که شعر او از بارهای حیات بسیار ضعف است. فقدان ادراک اجتماعی، ندانستن تفکر منظم و ضعف شدید در زمینه زبان و تحلیل، لطافت جدی به شعر او وارد ساخته و اغلب آن را ناخشنود مظلوم روزنامه ای تیرل داده است. البته بدریک این را نیز باید افزود که این امر یکی از ویژگیهای دوره انقلاب مروتی است که شاعران آزادخواه به سبب روحانستی شعر و خاصیت و نیروی برانگیزنده و نهیجی آن، سبب به سبب نقش موزنی گسه روزنامه هاد مبارزه علیه استبداد پیدا کرده بودند، اغلب حتی مقالات و مطالب سیاسی خود را سر به صورت مظلوم می نوشتند. و از اینجاست که اشعار روزنامه ای آسپاهای با فانه بود و می دانیم که مان "سخن منظوم" و "شعر" فاصله عظیمی وجود دارد.

اگر چه فرخی در دوران پس از مشروطه زدگی می کند. اما تعریفش ادامه همان روال روزنامه ای شعر دوران مشروطه است. همچنانکه در نمونه هائی که قبلاً از اشعار او در این مقاله آوردیم به خوبی مشاهده می شود، اگر وزن و قافیه را از آنها بگیریم چیزی که باقی می ماند یک جمله ساده روزنامه ای است.

یکی دیگر از ضعفهای شعر فرخی براندگی و بریشائی است. به سبب نداشتن می توان در دیوان او به شعری دست یافت که ابیات آن بایکدیگر دارای "همخوانی" و وحدت موضوعی باشد. گاه حتی هر سبیتی برای خود ساز جداگانه ای می زند. مثلا غزلی را با این مفهوم عاشقانه آغاز می کند:  
حلقه زلفی که غیر تاب ندارد  
تا چه کند با دلی که تاب ندارد.  
اما بلا فاصله، به مسائل سیاسی و اجتماعی، آسپاهای در زمینه های مختلف و بی ارتباط با هم می بردارد:  
کشمکش چین و اضطراب بتر چیست  
گیتی اگر حال انقلاب ندارد.  
مجلس ما زهر آنکه دیده دل گفت  
ملت جم، حسن انتخاب ندارد.  
خواجی بی جمع مال تونده بدبخت  
هیچ بجز فکر نان و آب ندارد.  
و سرانجام در پایان این شعر، پس از طرح مسائل سیاسی و سخن گفتن از "انقلاب" بسیتی می آورد که کلی متفاوت از ابیات پیشین و حتی در تناقض با آنهاست و در واقع تبلیغ دروین سلکی است:  
فرخی از زندگی خوش است به نانی  
گر نرسد آن هم، اضطراب ندارد  
و گفتنی است که این شیوه فرخی در سرودن شعر همزمان بود با جهش تازه ای که در شعر فارسی پیدا شده بود. و این جهت تازه داشت از شیوه روزنامه ای شعر دوری شد.

این تفاوت فاحش از کجاریشه می گیرد؟ مادر شماره های بعد، ضمن بحثی درباره نسا و شعر او، خواهیم گوید که به علت این تفاوت، در جهت روشن ساختن مرز میان "شعر" و "سخن منظوم" برداریم.



# گزارش چگونگی وقایع در خرمشهر

(۲)

قسمت اول این گزارش در ضمیمه شماره ۱۵ منتشر گردید.

روز دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۵۸

صبح زود سه نفر از اعضای مسلح سازمان ساسی خلق عرب خوزستان که برای خرید صبحانه از ستاد خود بیرون رفته بودند، توسط پاسداران و گماندوهای اعزامی از پادگانهای سایر شهرها دستگیر شده به مرکز عرب اعزام می شوند. به دنبال اولین اتومبیل سازمان ساسی خلق عرب منتهی بر حمله به دژبان در صورت ادامه بازداشت افراد مذکور، بازداشت شدگان بعد از خلع سلاح آزاد می شوند. در این جریان شیراندازیهای صورت می گیرد ولی به کسی آسیب نمی رسد.

عصر همین روز پاسگاه ژاندارمری "دبری فارم" واقع در منطقه عرب نشین غربی جزیره آبادن به تلفانی، مورد حمله انتقامی اعراب مسلح قرار گرفته، پس از اشغال پاسگاه ماموران آن خلع سلاح می شوند. گفته می شود قریب ۳۰ قبضه سلاح در این حمله بدست اعراب می افتد. ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر شیخ محمد ظاهر شیر آل خاقان که برای مذاکره با امام خمینی - نخست وزیر و آیت اله طالقانی به قم و تهران مسافرت کرده بود با قطار به خرمشهر مراجعت می کند. در ایستگاه راه آهن از طرف هواداران به گرمی مورد استقبال قرار می گیرد.

شیخ بلافاصله در ملاقات با نزدیکان خود اعلام می دارد که "مرکز با بسیاری از خواسته ها موافقت کرده است". و متعهد شده است در مقابل قول خلع سلاح که من به آنها داده ام، مقامات شهر و استان یعنی مدنی استاندار و علوی فرماندار خرمشهر (تغییر یابند و افراد دیگری ماملا حدید ما انتخاب شوند. و اختیارات دیگری نیز به مسدا داده شده است.

شایعه تغییر استاندار و فرماندار به سرعت در شهر می پیچد و بسیاری از دست اندرکاران و مسئولین ادارات دولتی خود را برای تغییر و تحولات تازه آماده می کنند و به تهیه طرحهایی برای پیشنهاد به شیخ در مورد ادارات خود می پردازند.

حوساسی شهر به نفع هواداران حاکمیت قومی عرب بر سر نوشت خود (اعم از تحزبه طلبان، برتری طلبان، عناصر واقع بین، پیشرو و مترقی و محافظه کاران) تغییر می باید. امیدواری زیادی برای حل مسائل شهر و منطقه از راه گفتگو و روشهای سیاسی (که مدت زمانی بود از این روشها مایوس شده بودند) در مردم ایجاد می شود.

برعکس در کلبه افرادی که در آن زمان قدرت را در شهر بدست داشتند، یعنی کمیته نسوری - سپاه پاسداران، کانون فرهنگی نظامی انقلابیون خرمشهر (شاخه سازمان فدائیان اسلام در خرمشهر)، هواداران سازمان امل، اعضای گروه النصر (گروهی شه نظامی متشکل از چاقو کشان حرفه ای و ماجراجویان مرتجع و فاسد که به رهبری روحانی تازه واردی از قم به نام علی اکبر محمودی سراری تشکیل شده است) اعضای گروه آبادن (گروهی با مشخصاتی بیش و کم شبه گروه النصر که اهداف مبارزه با نیروهای پیشرو و مترقی ایجاد شده است) ... خشم و باس عارض می شود.

تحصن اعضاء و هواداران کانون فرهنگی عرب وارد هشتمین روز خود می شود و نسبت به روزهای قبل عده بیشتری از نیروهای عرب باز آن حمایت می کنند.

همچنین تحصن اعضاء و هواداران کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون خرمشهر نیز وارد سومین روز خود می شود و زمینه برای صف آرایی بیشتر و بیشتر نیروهای سیاسی و توده های عرب و عبر عرب فراهم می شود.

روز سه شنبه ۸ خرداد

ساعت ۹ صبح در حدود سه هزار نفر از اهالی شهر (عمدتا از میان کلبه، پیشه وران، بازاربان و تجار) به دعوت کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون و کانون خرمشهر و ستاد پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر به طرفداری از "مدنی" استاندار خوزستان دست به راهپیمایی می زنند. این راهپیمایی به دنبال بخش شایعه ای بود مبنی بر تغییر مدنی از سمت استانداری خوزستان و جانشین شدن یکی از افسران مورد نظر شیخ محمد ظاهر به اس سم.

در این راهپیمایی شعارهایی علیه تحزبه طلبان، شیوخ مرتجع و کمونست ها داده می شود و طی قطعنامه ای ضمن محکوم کردن سازمان ساسی خلق عرب خوزستان و کانون فرهنگی عرب، خواستار انحلال این مراکز و خلع سلاح افراد سازمانهای غیر مسئول و دستگیری و مجازات مسبین و عاملین حمله و آتش سوزی ستاد پاسداران انقلاب اسلامی و کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر می شوند.

این راهپیمایی از جلو مسجد جامع (محل متحصنین طرفدار کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر) و بازار "صفایا" (پایگاه اصلی نیروهای طرفدار انقلاب اسلامی و امام) شروع می شود و در یکی از خیابانهای نزدیک به مرکز شهر خاتمه می یابد. در این راهپیمایی و همچنین در قطعنامه آن کمترین اشاره ای به حقانیت اعراب در طرح حقوق ملی و قومی خود نمی شود و عملا جریانهای سیاسی خلق عرب "تماما" ضد خلقی و ضد انقلابی معرفی می شوند و فعالیتهای آنان به سود ضد انقلاب، استعمار و ارتجاع، قلمداد می شود. این راهپیمایی خشم بسیاری در توده های عرب ایجاد می کند. شرکت کنندگان در راهپیمایی مزبور را به طور عمده افراد غیر عرب تشکیل می دهند. این راهپیمایی همچنین از آنجاکه به هواداری از مدنی انجام شده است و اختلافات شیخ محمد ظاهر با مدنی زبانزد خاص و عام است، عملا حرکتی در جهت مخالفت بی پرده با شیخ محمد ظاهر محسوب می شود. راهپیمایان سعی کرده بودند یکی از رهبران مذهبی بغایت مرتجع و سرسیرده و فاسد عرب به نام شیخ شبر (۵) را که رقیب محلی شیخ محمد ظاهر محسوب می شود ولی کلبی فاقد حیثیت و اعتدال اجتماعی است با خود همراه کنند ولی نامبرده با تعارض از همراهی با آنان خود داری می کند.

مقارن انجام این راهپیمایی، در حدود ساعت ۱۱ صبح عده ای جوان عرب مسلح به اسلحه سرد (چاقو و دشنه) به در ورودی قلیبه (یکی از درهای ورودی اداره بندر خرمشهر در قسمت شمال غربی شهر و در حاشیه ساحل شرقی شط العرب) مراجعه می کنند و بعنوان کارگر استیو دورینگ (یکی از شرکت های پیمانکاری که قریب ۴۰۰۰ کارگر دارد) قصد ورود به داخل محوطه بندر را دارند. دو نفر از پاسداران

مسلحی که از روز قبل به عنوان کمک به گارد ثابت بندر و ظاهرها به درخواست رئیس اداره بندر (مهندس دیده ور) در این قسمت مستقر شده بود - از آنها تقاضای "پاس" (ورقه عبور) می کنند. افسران مسلح مدعی می شوند که ورقه عبورشان در دست سرکارگزاران که روی اسلحه است می باشد و چنانچه به آنها اجازه داده شود، آن را پس از ورود از سرکارگر مزبور گرفته، ارائه خواهند داد. مذاکرات به ایس ترتیب به مشاجرات تبدیل می شود.

افراد به ظاهر کارگر، پاسداران را کاملا در محاصره خود می گیرند و وقتی که یکی از مامورین ثابت گارد گمرک برای اطلاع از چگونگی واقعه به آنها نزدیک می شود، او را هم محاصره کرده اسلحه کمربش را بر سرعت از او می گیرند و پس از تیراندازی به او و یکی از پاسداران دیگران رانیز خلع سلاح می کنند. (به این ترتیب دو قبضه یوزی و ژ-۳ بدست می آورند) و بسرعت متواری می شوند.

لازم به تذکر است از آنجاکه اداره بندر خرمشهر و بخصوص ص قلیبه در محاصره نخلستانهای خرماست و از مناطق حومه ای کاملا عرب نشین محسوب می شود، تعجب و دستگیری حمله کنندگان در آن زمان عملا غیر ممکن است.

در این حادثه مامور گارد ثابت گمرک و یکی از پاسداران به قتل می رسند و چند نفر نیز زخمی می شوند.

کشته شدن یک نفر از افراد گارد ثابت گمرک و اکتش شدید میان سایر افراد گارد که یادخالت و حضور پاسداران انقلاب در محوطه گمرک و بندر به شدت مخالف بودند، ایجاد می کند و حتی سبب می شود که مهندس دیده ور، مدیر کل گمرک را بازداشت و مضراب کنند. (بعنوان مسئول واقعی حادثه ای که در اداره بندر اتفاق افتاده است). استدلال مامورین گارد بر این پایه استوار بود که چنانچه افسراد غیر مسئول و ناواردی مثل پاسداران در محوطه بندر و گمرک مداخله نمی کردند باعث تحریک و بر خورد نمی شدند و یکی از معظاران مساکشته نمی شد.

بدنیال این واقعه مامورین گارد گمرک دست از کار می کشند و بعنوان اعتراض سلاحهای خود را تحویل می دهند و متحصن می شوند

ماجرای حمله به در بندر و کشته شدن دو نفر پاسدار و مامور و سلبه مناسبی می شود برای گسترش تبلیغات علیه احزاب مسلط و سازمانهایی می آنها. به این ترتیب در مراسم تشییع جنازه و به خاک سپاری دو نفر مزبور سخنرانهای بسیار تحریک آمیزی ایراد می شود. در این مراسم عده ای از افراد شناخته شده، مرتجع و فاسد، از سایر شهرها نیز می آیند و شرکت می کنند و شخص معروفی به نام علی محمدی که در حمله به ستاد فدائیان در آبادان نیز شرکت داشته است و از مامورین و عاملین کجنگه فدائیان بازداشتی است، در گورستان خرمشهر کوش می کند از این واقعه برای سیاسی علیه فدائیان استفاده کند. ولی با اعتراض مامورین گارد گمرک روبرو می شود. واقعه حمله به در خروجی بندر به تشکیل جلسه امنیت شهر در فرمانداری منجر می شود. در این جلسه عده ای از روحانیون صاحب قدرت و مرتجع - و در ضمن بدنام - از جمله شخصی به نام محمدی که پرونده تجاوز او به یک دختر خرد - سال هنوز در دادگستری مفتوح است، معاون استاندار و فرمانده نیروی دریایی خرمشهر، سرگرد خوشنام، که بلافاصله بعد از انقلاب ارتقا درجه یافته با وجود گذشته تاریک خود به سرهنگ خوشنام تبدیل می شود، فرماندار خرمشهر، یعنی محمد رضا علوی از افراد یکی از خانواده های ثروتمند و مفت خور خرمشهر، شرکت دارند.

همچنین در ابتدای این جلسه سه تن از نمایندگان شیخ محمد ظاهر شرکت داشتند که ظاهرا بر مسائل مورد اختلاف با آنها توافق می شود، ولی بلافاصله پس از پایان مذاکره با آنان و اطعینان یافتن

از گمراه عدن آنها، طرح تهیه شده قبلی به بحث و تبادل نظر در سطح محدود تر گذاشته می شود و از ساعتی بعد به مرحله اجرا درمی آید.

این جلسه بعدا با حضور مدنی تا ساعت ۲ با مداد ادامه می یابد در این جلسه مقدمات و طرح حمله به سازمان سیاسی خلق عرب و کانون فرهنگی عرب فراهم می شود. این طرح مشتمل بر چند قسمت است و به شرح زیر پیاده و اجرامی شود:

۱- مسلح ساختن افرادی که بعنوان اعتراض به حضور اعراب و عشایر مسلح در شهر و عدم مجازات مهاجمین به کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون خرمشهر و ستاد پاسداران انقلاب، در مسجد جامع تحصن اختیار کرده اند. - متشکل ساختن تمام نیروهای شبه نظامی شهر، اعم از پاسداران، مامورین کمیته ها و افراد کانون فرهنگی - نظامی، گروه النصر، گروه آبادن، گروه امل، ... و قراردادن کلبه این نیروها تحت فرماندهی مسئولین نظامی کانون فرهنگی - نظامی (که در گذشته نیز نظارت بر کار پاسداران انقلاب از وظایف آنان بوده است).

۲- آماده ساختن این نیروها برای حمله به کانون فرهنگی عرب که عده ای قریب ۳۰ نفر به حالت تحصن در آن جمع شده بودند. این افراد که از نتیجه گزارش سفر شیخ محمد ظاهر به قم بسیار خوشحال بودند و احتمال اعمال خشونت و قهر را تا حد زیادی منتفی می دانستند بدون هیچگونه آمادگی و نگهبانی مشغول استراحت بودند.

۳- نقل و انتقال تعداد زیادی از پاسداران که در پایگاه نظامی دزفول تعلیمات می دیدند بوسیله هلی کوپتر و استقرار آنها در همان شهر در محوطه بندر و برخی نقاط حساس، و اعزام بیش از ۴۰۰ نفر از سپاه پاسداران تهران به خرمشهر.

۴- نقل و انتقال نیروهای ارتش بخصوص نیروهای زرهی ارتش از پادگانهای امیر آباد (آبادان) (دژ خرمشهر) و اهواز ب طرف حومه شهر و بخصوص حومه غربی که مرز عراق را تشکیل می دهد.

۵- اعلام آماده باش به نیروهای مستقر در پایگاه نیروی دریایی خرمشهر و تجهیز ساختن ناوچه های نیروی دریایی برای مداخله فوری و نیز قطع جریان آمد و رفت از رودخانه و قطع ارتباط دو قسمت شهر.

۶- بستن راههای ورود به شهر بوسیله نیروهای نظامی ارتش.

۷- آماده ساختن نیروهای مسلح شهرانی که ساختمان آن در مجاورت سازمان سیاسی خلق عرب قرار دارد.

۸- ضمانت برای جلوگیری از واکنش افکار عمومی و یا انعکاس نامطلوب غیر در سطح کشور، اتومبیلی را با چند سرنشین از جنس خنابان عبوری دهند تا شلیک تیرهای هوایی، وجود مهاجمین را ثابت کنند، و وانمود شود که طرح قبلی در کار نبوده و صرفا دفاعی در مقابل عده ای مهاجم صورت گرفته است.

### توضیحات

مدنی در مصاحبه ای که با مخابر تلویزیون آبادان در همین شب انجام می دهد، اعلام می کند این واقعه یعنی حمله به بندر خرمشهر جای هیچگونه اغماض و شکبایی باقی نمی گذارد و به همین علت ما با تمام قوا آنها را سرکوب کرده به گنجر خواهیم رساند. و وعده می دهد که بی درنگ دست ایادی استعمار را از منطقه قطع کرده به آشوب پایان دهد. این مصاحبه در اخبار شب قبل یعنی روز ۵۸/۳/۹ از تلویزیون آبادان پخش شد.

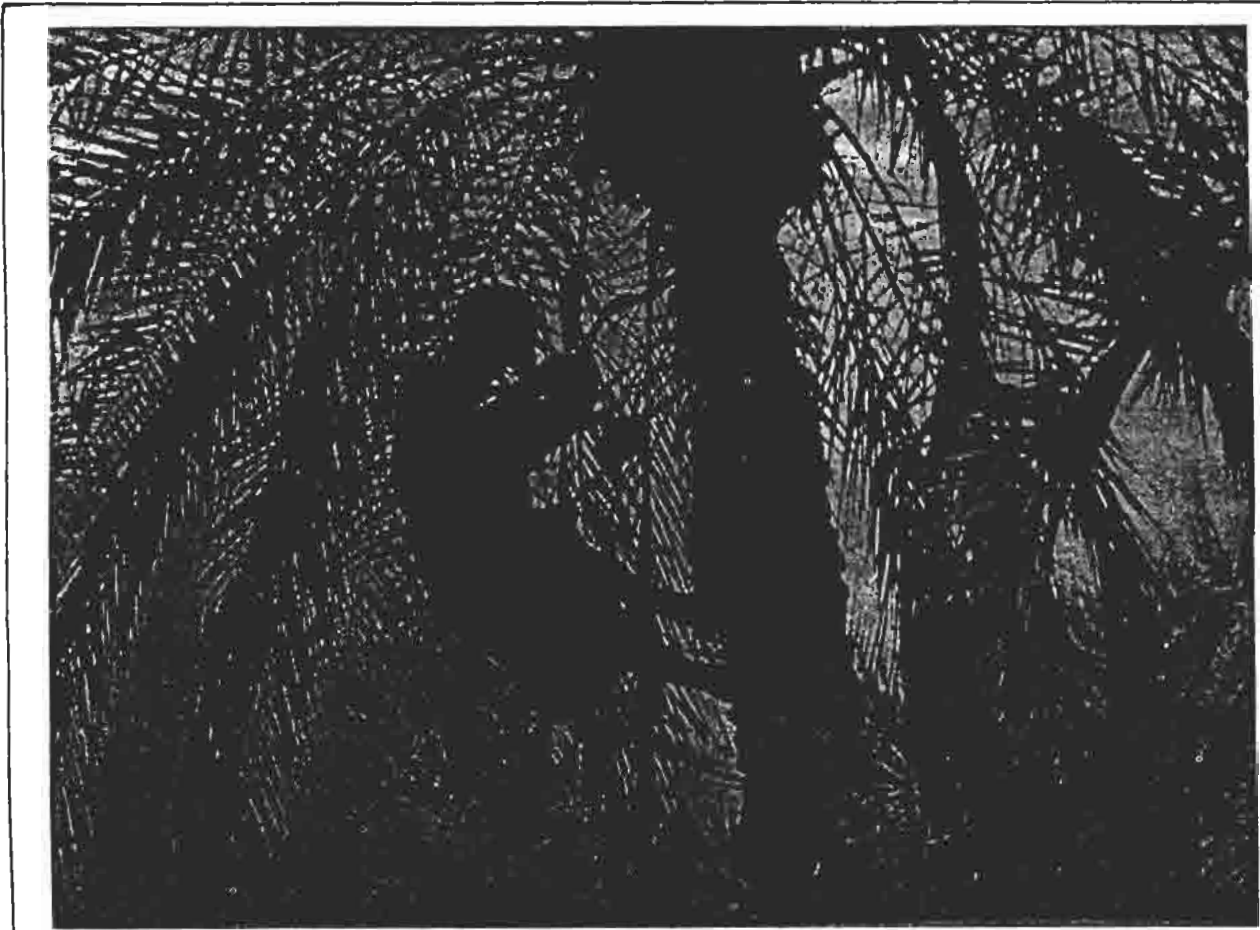
افراد متحصن در مسجد جامع آتش میزبان مدنی بودند و استاندار برایشان سخنرانی می کند و سپس کلبه آنها مسلح می شوند. بعد از آن این عنوان که ما باید به حضور نیروهای استعماری و ارتجاعی و آشوب طلبان و متجاوزین در شهر خاتمه دهیم با سلاحهای کجنگه در اختیارشان گذاشته شده بود در حالی که از زیر قرآن عبور داده می شدند از مسجد خارج می شوند.

در تمام طول شب نقل و انتقالات نظامی در شهر صورت می گرفته است و پرواز هلی کوپتر یک آن قطع نمی شده است. هلی کوپترها نیروهای کمکی و تازه نفس راه پادگان "دژ" و استادبوم شهر انتقال می دادند.

به پایگاه نیروی دریایی از شب قبل آماده باش داده شده است.

کلبه این اقدامات در حالی انجام می شود که شیخ محمد ظاهر و نزدیکان او تصور می کنند که مذاکراتشان برای خلع سلاح و اصلاحات و تغییرات به نتیجه رسیده و احتمالا روز بعد قادر هستند بسیاری از برنامہ های خود را عملی کنند.

ادامه این مطلب در شماره آینده به چاپ خواهد رسید



## حق تعیین سرنوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی

# جلوگیری از تجاوز به دهقانان و زحمتکشان روستا، وظیفه دولت است

در اغلب نقاط میهنمان، تجاوز به مال و جان کارگران و دهقانان محروم و زحمتکش، از طرف زمینداران و سرمایه داران غارتگر همچنان ادامه دارد و دولت هم به هیچ وجه اقدامی در جهت قطع دست این متجاوزین و جلوگیری از ایجاد ناامنی و آشوب، بخصوص در مناطق روستایی عمل نیاورده است و عجب تر آنکه دیده می شود در مواردی دولت و بعضی از کمیته‌ها خود در تشدید این قبیل آشوبها نقشی داشته اند...

در بعضی نقاط، کشاورزان بی زمین و تنهایی که تکه زمین کوچکی در اختیار دارند و هیچگاه کفاف زندگی بخور و نمیزشان را هم نمی دهد مورد هجوم عوامل سرسپرده زمینداران قرار می گیرند. کشاورزان زحمتکش محروم، همیشه چه در گذشته و حال، با توطئه و نیرنگ مواجه با چنین تحریکاتی می شوند. از حملات شبانه به گله و مزرعه و منسازل روستاییان گرفته تا ایجاد اختلاف و تفرقه بین آنان هر روز بشکلی درگوشه و کنسار میهمان جریان دارد. اما در برابر اینهمه تجاوز و توطئه ها کشاورزان ستم دیده محروم، در پی راه ای مناطق اقدام به ایجاد شوراهای روستایی کرده اند. شوراهای دهقانان علاوه بر ایجاد یک پارچگی و وحدت در بین روستاییان و قطع دست زمینداران بزرگ و عوامل وابسته به آنان، در تامین حقوق واقعی کشاورزان بی چیز که در دوران رژیم غارتگر سابق مورد استعمار و تحقیر قرار گرفته اند تلاش همه جانبه ای کرده و در پی برپا برداری اصولی زمین های زیر کشت که بناحق به وسیله غاصبین زمیندار ربه شده بود فعالیت عمده ای داشته اند. در زیر به یکی از چندین نمونه ی توطئه های زمینداران و مرتجعین محلی که در روستای قزل آباد هشتروند اتفاق افتاده می پردازیم.

روستای قزل آباد هشتروند در ۵۰ کیلومتری مرکز شهرستان قرار دارد که به علت خرابی جاده و ناهمواری شدن آن بخصوص در فصل زمستان عبور و مرور در آن با اسب و پایباده صورت می گیرد. در این ده حدود ۳۰۰ خانوار زندگی می کنند که تقریباً همگی آنان کشاورز هستند و تساهل حال هر کدام تکه زمین کوچکی داشتند که بابت آن به اداره تعاون روستایی

مفروض بودید. سه سال قبل زمینهای ده رابه ۴۰۰ سهم تقسیم کردند ولی موفقی که مأموران اصلاحات ارضی برای تقسیم زمین آمدند، ارباب ده بنام فتح اله خان سرتیپی باز شوه دادن به مأموران، زمینها را ۶۰۰ سهم فید کرد که ۲۰۰ سهم فقط روی کاغذ وجود داشت و واقعیت خارجی نداشت و باین حیل به ۳۰۰ سهم رس را برای فروش خود و دهقانان تقسیم کرد که در حقیقت ۱۰۰ سهم بین کشاورزان بی زمین تقسیم شد که بعداً نیز یک چهارم آن را مالک بعنوان حق مالکیت برداشته و فقط ۷۵ سهم به ۳۰۰ خانوار اهل ده رسید. ۲۲۵ سهم هم به ارباب رسید. از زمانیکه کمیته ها تشکیل شده است، ارباب با کمک رئیس کمیته و رئیس زاندار مری بخش ۷۵ سهم را نیز از کشاورزان گرفته است، ولی دهقانان بیکار ننشستند، با شکایت آنان دو بار مالک دستگیر شد ولی هر بار پس از دوساعت آزاد شده است. ارباب برای تهدید و تجاوز بیشتر به کشاورزان بانک گرفتاری عده ای مزدور مسلح، شبها به خانه روستاییان حمله کرده و باندستری کرده و گوسفند ها و اموال آنان به ناامنی، دامن می زند. روستاییان در اعتراض به این اعمال پلیدی بیکار به مسجد مرکزی شهرستان آمده و در آنجا متحصن شده اند ولی فرماندار شهر سراسکند با تهدید و توهین و همچنین اتهام اینکه شما کمونیست هستید و اعمال شما ضد انقلابی است، بزور آنانرا از مسجد بیرون کرده است. پس از اینکار بگفته روستاییان و شایعات پراکنده در روستا، مالک رئیس کمیته و رئیس زاندار مری مبلغ ۷۰ هزار تومان پول داده و چند نفر از سرایان به حکم رئیس کمیته به ده رفته و به ۲ نفر از پیش سفیدان و معتمدان ده رادستگیر کردند و به بهانه آشتی دادن با مالک به تبریز بردند. اما در تبریز آنان را به زندان انداختند که ۲ نفرشان از زندان موفق به فرار شده و به ده خبر آوردند. روستاییان وقتی از موضوع باخبر می شوند طی اعلامیه ای خواستهای خود را نوشته و به قصد تحقیر به استناد آری تشریح می روند که با مخالفت مأموران در استانداری روبرو می شوند. در عین

همه در پیاده رو جلو استانداری بروی زمین می نشینند. پس از یک ساعت سه نفر برای صحبت با معاون استاندار انتخاب می شوند. پس از گفتگو با معاون استاندار آنان می گویند تا بر آوردن خواسته های دست از تحقیر بر نمی داریم. معاون استاندار به آقای مدنی نماینده امام در تبریز تلفنی می زند و مراتب را گزارش می دهد و آقای مدنی روستاییان را می خواهد نامه درخواستشان جواب دهد کشاورزان نمی روند و می گویند که ما سه نفر می فرستیم تا جواب بیاورند و سه نفر می فرستند که چند لحظه بعد شخصی که خود را نماینده قاضی، رئیس کمیته تشریح می کند به جمعیت اعلام می کند که نمایندگان تعاه به حصر و صد اخلاقی بودن باز داشتند. اس شخص بغیة منحصر را هم تهدید به بازداشت می کند که کشاورزان فریاد می رسد که ما همه جعفران را می خواهیم، آرا بکشید و در احمان کنید. یکی از روستاییان می گوید که ما تار سدن به خواسته هایمان نایب حان مبارزه خواهیم کرد نماینده قاضی می گوید همگی شما کمونیست هستید، کشاورزان که حدود ۵۰ نفر بودند فریاد می زنند بلبه ما همه کمونیست هستیم و نماینده قاضی کمی نرم شده و می گوید دو نفر با من بیاید تا آرا داشته ای هانتار را آزاد کنم. در طول راه به روستاییان می گوید مالک شکایت دارد که شما در حقیقت با ارباب بد و فرستهای حاهان را بر دد. در جواب روستاییان می گویند شما سنا شد به ده سیند که ما از نرس افراد مسلح ارباب اصلا از کنار دیوار خانه اش هم می نواسم بگذریم؟ پس از آزادی زندانیان کشاورزان با هم به اعتراض خود در خواستهای دادنامه می دهند که زمینهای ما را پس بدهید و ارباب را از ده اخراج کنید. که آقای مدنی حدود ۱۰ نفر پاسدار و یک آیت اله و ۲ نفر کارشناس اصلاحات ارضی به ده می فرستد تا نیروی مسلح ارباب را از ده خارج کند و زمینها را میان دهقانان تقسیم نماید.



## خواسته های دهقانان ساران دماوند

روستاییان ساران دماوند طی نامه ای که برای نشریه کار ارسال داشته اند خواسته های خود را از دولت مومت چنین مطرح کرده اند:

سبب تعالی

انقلاب تاریخی و عظیم ایران که بر رهبری زعیم عالیقدر امام خمینی و به همت مردم عبور ایران به وقوع پیوست بساط ظلم و جور و ستم طاغوتی را درهم شکست... در ساران دماوند که منطقه ای سیلابی و دارای باغات و محصولات صادراتی از قبیل سیسی و گردو و برگرد می باشد هشت سال قبل شرکت دول فلزات، وابسته به وزارت صنایع و معادن، بهره برداری از معادن گچ را شروع نمود و چون معادن صرف به آبادی بود در اثر انفجار دینامیت ضمن سرو صدای وحشتناک زمین لرزه مصنوعی که باعث خرابی خانه های مسکونی گردید و پرتاب سنگ گچ به داخل آبادی آسایش مردم را از بین می برد و گرد و خاک حاصله از این معدن و تردد کامیونها باعث از بین رفتن باغات گردیده است و در آن زمان که منابع سرشار این قریه به معامی رفت و چیا و لگرا ن مشغول چپاول حقوقی حقه ما بودند به مقامات مسئول آسایش شکایت نمودیم ولی چون رمان طاغوت بود و عوامل محراب حقوق حقه ما را باطل کردند. انقلاب شکوهمند ایران استعدا داریم

۱- تعویض مسئولین رمان طاغوتی معدن و ذوب فلزات ساران.

۲- تعویض مسئولین رمان طاغوتی معدن و ذوب فلزات ساران.

۳- برقراری شبکه حفاظتی معدن ساران بر نظر نمایندگان اهالی و احراج باسدارانی که از مسئولین طاغوتی معدن و افراد محل حماست می کنند.

۴- پرداخت خسارت حدس ساله باس باغات و زمینها به اهالی کداعب ضرر و زیانهای زیادی شده است.

۵- واربر معدن ده درصد مرار داد نظمی معناس اهالی و معاندگان وزارت صنایع و معادن به حساب سورا ی ده و کوناه شدن دخالتهای سورد افراد غیر مسئول و غیر محلی ارا مور ساران.



## کشاورزان ایلخچی چه می خواهند

برای ما کشاورزان دیگر کسی وجود ندارد که حامی و پشتیبانمان باشد دیگر بگانی در شهر تبریز نمانده است که جهت کمک و یاری در جهت تامین کود شیمیایی مورد نیاز خودمان بدانجا مراجعه کنیم و تساهل از آن روزنامه می خواهیم هر آنچه در این مورد بر ما آمده است چاپ کنند تا دیگر کشاورزان و سایر زحمتکشان بدانند که دولتی که خود را حامی مستضعفان می داند تا چه اندازه به درد کشاورزان می رسد.

ما کشاورزان، ماریج دیدگان، ماطبقه محروم از تمام مزایای زندگی، امسال برای احمای کشاورزی مملکت خود را موظف دانستیم که در راه به شمر ساندن انقلاب سیمی داشته و به سازندگی جامعه کمک نمائیم و به همین خاطر در صد در صد نیازها و موانع راه کشاورزی شدیم و چون از نظر کود شیمیایی در صیقه بودیم و فروش آزاد کود به قیمتی بود که اکثر ما قادر به تهیه آن نبودیم، در تاریخ ۵۸/۱/۲۴ طوماری که امضا و اثر انگشتان بر آن بود تهیه کرده و از مقامات مسئول خواستیم که ما را در امر کشاورزی یاری کرده و کود مورد نیاز ایلخچی را از زانتر و بالا اقلیل به بهای سالهای قبل تامین نمایند ولی بعد از بارها مراجعات بی دردی به استانداری، اداره کشاورزی، بخش کود و سنجهای عایدمان نشد و هر یک از موسسات مارا به دیگری پاس دادند. بالاخره قبول کردند که از طریق شرکت تعاونی کود مورد نیاز ما را تامین نمایند و مانچار قبول نمودیم در ضمن می دانستیم که از سالهای قبل مقدار قابل توجهی کود در اسرار شرکت تعاونی موجود است ولی همین کار را نیز نکردند و کشاورزان با فرض و غیره کود

کمیته ای ۴۵۰ ریال را تا ۹۰۰ ریال تهیه می کردند ولی باز با تعداد کثیری از کشاورزان بالا جبار دست روی دست گذاشته و منتظر نشسته بودیم و همگی این سؤال را می کردیم که آیا کود در سطح کشور کم است و یا اصلاً کود وجود ندارد؟ پس فروشندگان آزاد، کود را از کجاست تهیه و با قیمت های گزاف به فروش می رسانند؟ پس چرا دولت و سایر مقامات با احقات این قبیل افراد مبارزه نمی کنند در صورتیکه خود به وجود چنین افراد واقفند؟ عده ای از کشاورزان به هر ترتیبی که بود کود تهیه کرده اند ولی اکثریت بدون کود و پول مانده ایم. با توجه به وضع بد محصولات در سسازار، مخصوصاً پارسال، دیگر آهی در سسازار نیست و حال نمی دانیم که چه کنیم. دو نفر به عنوان اینکه از تهران فرستاده شده اند قول دادند در اسرع وقت به ایلخچی آمده و وضع کود و سایر احتیاجات ما را بررسی کرده و اقدام به حل این مشکلات بکنند ولی این نیز فقط در حد حرف مانده است.

اگر به درد ما کشاورزان ایلخچی برسند، معلوم است که وضع کشاورزی ما اسفناکتر از این خواهد شد. ما اصلاً نمی فهمیم پس اینهمه شهید خونشان چه شده تا حال که هیچ عمل انقلابی از این دولت ندیده ایم. ورقه تقاضای کود در اداره کشاورزی و در استانداری موجود است، منتبھی اگر تا حال پاره نکرده باشند.

کشاورزان ایلخچی

\*\*\*

## توطئه و تحریک عوامل ارتجاع

در سسازار

سلساس - جزهائی که ارسلساس می رسد حاکی ارباب است که جنگ افروزان نغده جهت رودر رو فرار دادن حلقهای ترک و کرد، سنی و شیعه، این سسازار سلساس را انتخاب کرده اند. پیرو خیرهای مندرج در شماره قبل در مورد این تحریکات که عمدتاً از جانب کمیته اسلام سلساس و خوی صورت می گیرد خبرهایی رسیده منبھی بر اینکه همزمان با سسازار کمیته سلساس به سیلاب و کشتن یک سر مرد ۸۰ ساله در آنجا، شیخ حسن بست شکی عضو کمیته انقلاب اسلامی خوی هم به منطقه تظور حمله برده و دو نفر به نامهای نورالدین بدوی و قنبر فرزند احمد ساکی آبادی بزندان رابه قتل رساند.

در ده های شهرستان سلساس و حومه - برای جلوگیری و خنثی کردن جنبش توطئه فاشی خواسته های زیر را به استاندار آذربایجان غربی پیشنهاد کرده اند:

۱- مشخص نمودن اختیارات کمیته انقلاب اسلامی در سلساس و حومه و دخالت آنها در امور قضائی شهر و حومه.

۲- ترک دادن نمایندگان افراد شهرستان سلساس و حومه به نسبت جمعیت در کمیته انقلاب اسلامی مشترک در سلساس.

۳- پرداخت حقوق کافی به مأموران اکراد در پساگاههای منطقه کرد نشین تاروشن شدن ماله خود - مختاری کردسان.

۴- تصفیه و مجازات عناصری که در رویدادهای دوازدهم خرداد منطقه سیلاب شرکت داشتند.

## تشکیل اتحادیه شوراهای عالیترین شکل همبستگی دهقانان

۱- تحریک از شوراهای عسود و نمیرا بعنوان نماینده روستاهای خود سان در اتحادیه معرفی نمایند.

۲- علتن زیاد بودن کار در فصل درو قرار بر این شد که جلسات مشترک اتحادیه بعد از این، هفته ای یکبار در روزهای جمعه تشکیل شود.

۳- برای آشنایی نزدیک با روستاهای دیگر پیشنهاد شده که فعلا هر هفته در یکی از روستاها جلسه تشکیل شود. در صورت لزوم می توان جای مشخصی و باستی برای اتحادیه در یکی از روستاها تعیین کرد.

۴- در طول هفته هر یک از شوراهای باید گزارش کار مختصری تهیه بکنند و در مورد فعالیت های خود به سایر شوراهای آگاهی بدهند تا هر یک از شوراهای متواضع از تحریکات یکدیگر استفاده نمایند.

۵- مشکلاتی که در طول هفته برای هر یک از شوراهای پیش آمده و قابل طرح در اتحادیه باشد جهت تصمیم گیری و حل مسائل در نشست مشترک اتحادیه مطرح گردد.

۶- در موارد بسیار ضروری میتوان اتحادیه را بنابه درخواست شوراهای عضو به جلسه فوق العاده دعوت نمود.

# کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و دید



# درباره حزب طبقه کارگر

(۹)

## سازماندهی زنان

در شماره گذشته درباره سازماندهی جوانان صحبت کردیم و اهمیت مشکل کردن توده‌های وسیع جوانان و بالا بردن آگاهی سیاسی آنان و نقش آنان در انقلاب توصله دادیم. در این شماره می‌خواهیم درباره نقش زنان در انقلاب و ضرورت سازماندهی زنان صحبت کنیم. زنان همبای تاریخ طبقات نقش مهمی در تغییرات اجتماعی ایفا کرده‌اند. نقش و اهمیت شرکت زنان در انقلاب به سیمای تاریخ تمام حوام - بلکه مبارزات اخیر در ایران نیز پیوسته می‌باشد. زنان فهلمان ایران دوش بدوش مردان با شرکت در اعتصابات، تظاهرات و در فرام، رژیم

سازماندهی توده‌های وسیع زنان جهت مشکل کردن مبارزات آنان و ایجاد زمینه‌های مناسب برای ارتقاء و آگاهی سیاسی و بالا بردن کیفیت مبارزاتی آنان از وظایف مهم و اساسی حزب طبقه کارگر با سازمان مارکسیست - لنینیست است. برای این منظور باید سازماندهی ایجاد کردند که نتوانند دستگیر شوند و برای زنان زحمتکش راد و خود مشکل کنند. ایجاد سازمانهای جداگانه برای مشکل کردن توده‌های وسیع زنان به معنی جدا کردن زنان از مبارزه طبقاتی است. بلکه این امر بدلیل شرایط اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه طبقاتی و ذهنیت و تفکر

## بدون شرکت زنان، جنبشهای وسیع در تاریخ امکان پذیر نبوده است

دیکتاتوری ساهراسیون کردند. چگونگی سازماندهی و مشکل کردن زنان و شرکت آنان در انقلاب پیروزی بانک سک انقلاب را تعیین می‌کند. لنس در ساره اهمیت و غیرتوان در انقلاب می‌تواند هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت واقعی زنان به پیروزی نرسیده است. در تاریخ، هیچ یک از جنبشهای وسیع ستمگنان بدون شرکت زنان در حرکت در نمانده است. نقش زنان در تحولات اجتماعی کمزور مردان بوده است. سازماندهی زنان از وظایف اساسی حزب طبقه کارگر و سازمان مارکسیست - لنینیست است. البته وقتی از سازماندهی زنان صحبت می‌کنیم منظورمان زنانی است که به سبب نگاه طبقاتی شان در انقلاب شرکت می‌کنند. زنان از آنجا که متعلق به اقشار و طبقات محلی هستند همانطور که در انقلاب شرکت کرده و نقش نااهمیتی داشته‌اند، در صفت صدمات انقلاب هم فرار گرفته و نقش صدماتی هم داده‌اند. بدون شبیه زمانی که در صدمات انقلاب فرار گرفته‌اند، سبب سبب اینکه طبقاتی شان عهده دار جنبش و وظیفه‌ای بوده‌اند. یعنی آنها متعلق به طبقات ارتجاعی جامعه بوده‌اند. البته در مواردی حتی برخی از زنان زحمتکش به ویژه زنان حربه بورژوازیان که از طرف نیروهای انقلابی سازماندهی و رهبری شده‌اند، توسط سروهای ارتجاعی سازماندهی شده و تحت نفوذ فرار گرفته‌اند و به آلت دست ارتجاع تبدیل شده‌اند و همین دلیل است که سازماندهی توده‌های وسیع زنان از وظایف اساسی حزب طبقه کارگر است و اگر در این وظیفه اعمال شود زنان توسط بورژوازی در خدمت سیاست‌های ارتجاعی قرار می‌گیرند.

زنان در حوام طبقاتی نه تنها مثل همه اقشار و طبقات تحت ستم استعمار می‌شوند، بلکه علاوه بر ستم طبقاتی، ستم اموزن تری را حاضرین بودندشان تحمل می‌کنند. آنان نه تنها مانند دیگر برادران کارگر، در حقایق و زحمتکش خود از حقوق اجتماعی محرومند، بلکه از همان حقوقی که برادرانشان از آن برخوردارند نیز محروم‌اند. زنان نه تنها در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بلکه در زمینه اقتصادی نیز در سطح پائین تری از برادرانشان نگهداشته شده‌اند.

برخورداری زنان از حقوق مساوی با مردان البته در جامعه طبقاتی ممکن نیست و تنها در جامعه ای و افاد مکرانک که به سوسیالیسم منجر می‌شود است که زنان نه تنها از حقوق برابر با مردان بلکه از کلیه حقوق اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و فرهنگی انسانی برخوردار خواهند شد. و بدین جهت است که مبارزه برای تساوی حقوق زنان با مردان در گرو نابودی استعمار انسان از انسان قرار می‌گیرد.

باستی همواره بحاطر داشته‌ایم که بدون حلت توده‌های وسیع زنان زحمتکش، به مبارزه هیچ انقلابی پیروزی نخواهد رسید.

## اقتصاد سیاسی

# تبدیل پول به سرمایه

## ارزش نیروی کار و کالا

می‌کنند و از طرف دیگر هر چه قدر مزد کمتری به کارگر پرداخت کنند، به همان نسبت بیشتر می‌شود. بخصوص در کشورهای وابسته مثل کشور ما که حکومت‌های دیکتاتوری خود مانع بزرگی در مبارزات حق طلبانه کارگران به حساب می‌آیند فشار سرمایه داران بیشتر بوده و در نتیجه سطح این نیاز مندیها به نسیب پائین می‌باشد. این است که کارگر ایرانی اگر حقوق یک عمرش را به نگذارند نمی‌تواند یک خانه بخرد و باغیول کارگری که نامش در نشریه یک شماره ۱۴ به چاپ رسیده کارگر در ماه یک کیلو گوشت می‌خورد، سال تا سال رنگ همواره رانمی بیند و از ضروری ترین وسایل زندگی محروم است. وسایل لازم زندگی نه تنها توسط سطح تکامل نیروهای مولده بلکه بوسیله توسط مبارزه طبقاتی تعیین می‌شود. به این ترتیب که مبارزه کارگران برای دست یابی به سطح بالاتری از حوام و نیاز مندیهای زندگی، و مقاومت کارفرمایان برای هر چه پائین تر نگه داشتن آن تضادی است که در کل جریان تولید همواره تشدید می‌شود.

یعنی کارفرما برای بدست آوردن ارزش اضافه بیشتر تلاش می‌کند، مزد کمتری به کارگران پرداخت کند و کارگران نیز برای اینکه قادر به خرید کالاهای مورد لزوم خود باشند می‌کوشند آنقدر در زیاده‌های خود کم کنند که این امر امکان پذیر باشد. بدین جهت کارگران وارد مبارزاتی برای ارتقاء دستمزدها و خواسته‌هایشان می‌شوند و از طریق ایجاد سندیکاها و اتحادیه‌ها به دستاوردهای نااهم می‌گردند. ولی چون این دستاوردها در سیستم سرمایه داری محدود می‌شوند ضرورتاً کارگران را به این نتیجه می‌رساند که باید کل سیستم سرمایه داری را تغییر دهند. اینست که این مبارزات صورت سیاسی بخود گرفته و در نتیجه مبارزات طبقاتی کارگران در یک تشکلات سیاسی که همان حزب طبقه کارگر است بر ای نابودی کامل سیستم سرمایه داری ادامه پیدا می‌کند.

در نظام سرمایه داری کالای نیروی کار بغای مناسبات طبقاتی را نیز در بر دارد. مبارزه کارگران برای وسایل زندگی با پیوسته رابطه استوار با مبارزه بر علیه نظام سرمایه داری داشته باشد. وقتیکه کارفرما با کارگر قرارداد کار منعقد می‌کند قبلاً ارزش نیروی کار و همچنین وسایل معیشت لازم تعیین گشته‌اند. پس کارفرما ارزش نیروی کار را می‌پردازد (\*\*\*). و کارگر را برای مدت معلومی که زمانسردا خود کارفرما تعیین می‌کند، بکار وامیدارد و بدین ترتیب ارزشی که کارگر در تمام طول روز (روز کار) ایجاد می‌کند به سرمایه دار تعلق می‌یابد و ارزش جدید خلق می‌گردد.

مادر شماره آمده چگونگی استفاده سرمایه دار از نیروی کار کارگر و سود استثمار آن را بررسی خواهیم کرد.

(\*) - بقا چیست؟ اگر آنجا که در کل سیستم سرمایه داری طبقه کارگر محکوم به این است که (با بگوئیم محبور است که) نیروی کارش را نسل به نسل در خدمت طبقه سرمایه دار قرار دهد و طبقه سرمایه دار بدون طبقه کارگر وجود نخواهد داشت ناچار سرمایه دار این امکان را برای کارگر فراهم می‌کند که او (کارگر) بتواند فرزندان را تربیت کند، تاد آینه در استثمار سرمایه داران در آید.

(\*\*) - درباره سطح حداقل معیشت در آینده توصله بیشتری خواهیم داد.

(\*\*\*) - البته سرمایه دار تنها بخشی از کل ارزشی را که کارگر ایجاد می‌کند به خود کارگر می‌پردازد. در این مورد در آینده مفصلاً صحبت خواهیم کرد.

دیگر وجود دارد. یعنی اگر ارزش کالا را صرفاً بر اساس کار اجتماعی لازم صرف تولید آن شده بود تعیین می‌کردیم، حالا برای تعیین ارزش کار، تنها این عامل را کافی نمی‌دانیم بلکه یک عنصر تاریخی با عامل معنوی را هم در آن دخالت می‌دهیم. به این عبارت که هر چه جامعه تکامل یافته تر باشد، هر چه جامعه از نظر رشد نیروهای مولده پیشرفته تر باشد، ارزش نیروی کار به همان نسبت بیشتر است و میزان استثمار شدیدیتر، چون با پیچیدگی در امر تولید نیازهای کارگران هم شکل پیدا می‌کند، به این معنی عبارت که هر چه قدر ماشین آلات صنعتی تکامل یافته تر می‌شود از یک طرف کارگر در زمان کار معین کالاهای بیشتری تولید می‌کند که در نتیجه بیشتر استثمار می‌شود و از طرف دیگر خود افزایش تولید کالا نیاز کارگران را در درجه بالاتر قرار می‌دهد.

بعنوان مثال نیازهای یک کارگر را در ده سال پیش در نظر بگیرد و آنرا با محتاجات امروزی اش مقایسه کند، می‌سند وسائلی مانند خجخال هنوز جز ضروریات زندگی نبود و نداشتن آن مسئله‌ای ایجاد نمی‌کرد، اما حالا از ضروریات زندگی هراسان شده است، چرا که نحوه زندگی و ذخیره غذایی در سطح اجتماعی طوری تغییر کرده است که اگر یک کارگر خجخال نداشته باشد قطعاً همیشه با خطر ستمویت غذایی روبرو خواهد بود. به عنوان مثال در شهرهای مثل تهران که ۵۰ سال پیش اصلاً آب لوله کشی وجود نداشت، سیستم آبرسانی آنچنان بود که صد هزار نفر می‌توانستند زندگی کنند اما حالا حتی یک خانواده هم بدون آب لوله کشی زندگی اش در معرض خطر است. حدی قرار می‌گیرد. و با مثلاً در شرایطی که ۹۰ درصد جمعیت کشور بی سواد بودند شاید مسئله تحصیل چند، جدی،

## ارزش نیروی کار کارگر برابر است با ارزش مجموعه وسائلی که یک کارگر لازم دارد تا بتواند نیروی از دست رفته اش را تأمین کرده و بقاء خود را حفظ کند

بنابراین کارگر برای حمران نیروی کار از دست رفته خود احتیاج به غذا و خوراک دارد، اما تنها خوراک نیست که بقای کارگر را حفظ میکند، بلکه مجموعه حوام و نیاز مندیهای است که زندگی خود در وضعیت عادی ادامه دهد. کارگر احتیاج به پوشاک دارد، احتیاج به مسکن دارد، تفریح می‌خواهد باید زندگی خانواده اش را بگرداند، احتیاج دارد که بچش راه مدرسه بفرستد، تعلیم و تربیت فرزندانش را تأمین کند، وسایل مطالعه خود بخرد و کدوسازی سازهای دیگر.

گفتیم مجموعه حوام و نیاز مندیهای کارگر برای بقا خود به آن نیازمند است ارزش نیروی کار را تشکیل می‌دهد. اما مجموعه‌های نیاز مندیها در تمام کشورها و در تمام نقاط جهان یکسان نیستند، این نیاز مندیها بر اساس موقعیت تاریخی، شرایط اقلیمی و ویژگیهای طبیعی متفاوت هستند. مارکس می‌گوید:

"نیاز مندیهای ضروری انسان و همچنین نحوه برآوردن آنها خود یک محصول تاریخی است و بیشتر با درجه تمدن یک کشور و بطور مشخص تر با این امر که طبقه کارگر آزاد تحت چه شرایطی و بوجه عادت و خواسته‌های معیشتی موجود آمده است بستگی دارد" می‌بسم که یک تفاوت بزرگ بین تعیین ارزش نیروی کار و ارزش کالاهای

در شماره قبل گفتیم ارزش هر کالا برابر است با مقدار کار اجتماعی لازم برای تهیه آن، حالا بنسیم ارزش نیروی کار چگونه تعیین می‌شود؟ ارزش نیروی کار نیز مانند هر کالای دیگر، بر حسب زمانی که برای تولید معین لازم است تعیین می‌شود. سایر این قبل از آنکه بدانیم ارزش نیروی کار چطور تعیین می‌شود، اول باید بنسیم این نیروی کار چگونه به وجود می‌آید؟ مارکس می‌گوید:

"نیروی کار حدس توانایی شخص زنده است، بنابراین تولید آن مستلزم وجود آدم زنده است. معنی شخصی باید وجود داشته باشد که بتواند خود را با انرژی خود در برابر تولید بکار بگذرد و کالای تولید کند. مثلاً کارگری که در معدن سنگ کاری کند و سبکات سنگ، سنگها را از زنده گوه جدا می‌کند، مقدار زیادی نیرو صرف می‌کند، مقدار زیادی انرژی خود را از دست می‌دهد و باغول معروف خسته می‌شود.

حالا این کارگر باید بتواند مقدار انرژی را که در معدن صرف کرده است دوباره حیران کند و گرنه فردای آن روز نمی‌تواند سنگ را بلند کند. کارگر در هنگام کار عملیات خسته می‌شود، مغزو اعصاب خسته می‌شود، پس برای روز بعد باید بتواند همه انرژیهای مصرف شده را در مصرف شده را دوباره باز یابد تا بتواند توانایی و سلامت لازم برای کار در روزهای دیگر را داشته باشد. کله وسائلی که لازم است تا این کارگر بتواند انرژی از دست رفته خود را دوباره بدست یابد. ارزش نیروی کار با شده می‌شود. درست تر گوئیم ارزش نیروی کار کارگر برابر است با ارزش مجموعه وسائلی که یک کارگر لازم دارد تا بتواند نیروی از دست رفته خود را دوباره بدست یابد و بقاء خود را حفظ کند.

## ارزش نیروی کار کارگر برابر است با ارزش مجموعه وسائلی که یک کارگر لازم دارد تا بتواند نیروی از دست رفته اش را تأمین کرده و بقاء خود را حفظ کند

بنابراین کارگر برای حمران نیروی کار از دست رفته خود احتیاج به غذا و خوراک دارد، اما تنها خوراک نیست که بقای کارگر را حفظ میکند، بلکه مجموعه حوام و نیاز مندیهای است که زندگی خود در وضعیت عادی ادامه دهد. کارگر احتیاج به پوشاک دارد، احتیاج به مسکن دارد، تفریح می‌خواهد باید زندگی خانواده اش را بگرداند، احتیاج دارد که بچش راه مدرسه بفرستد، تعلیم و تربیت فرزندانش را تأمین کند، وسایل مطالعه خود بخرد و کدوسازی سازهای دیگر.

گفتیم مجموعه حوام و نیاز مندیهای کارگر برای بقا خود به آن نیازمند است ارزش نیروی کار را تشکیل می‌دهد. اما مجموعه‌های نیاز مندیها در تمام کشورها و در تمام نقاط جهان یکسان نیستند، این نیاز مندیها بر اساس موقعیت تاریخی، شرایط اقلیمی و ویژگیهای طبیعی متفاوت هستند. مارکس می‌گوید:

"نیاز مندیهای ضروری انسان و همچنین نحوه برآوردن آنها خود یک محصول تاریخی است و بیشتر با درجه تمدن یک کشور و بطور مشخص تر با این امر که طبقه کارگر آزاد تحت چه شرایطی و بوجه عادت و خواسته‌های معیشتی موجود آمده است بستگی دارد" می‌بسم که یک تفاوت بزرگ بین تعیین ارزش نیروی کار و ارزش کالاهای

# حمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

# پاکسازی در بهره برداری مارون

از جمله نشریاتی که در منطقه خوزستان بطور مرتب چاپ می شود "نشریه نفت جنوب" است. شماره سوم این نشریه که در تاریخ دوم خرداد ماه منتشر شده است، حاوی این مطالب است:

درباره سندیکا، "کارگر مسکن می خواهد"، "پاکسازی در بهره برداری مارون"، "ارزواغ سابر کارگران ایران باخبر شویم" و "راستی می دانید" از آنجا که این روزها مسئله تصفیه و پاکسازی عناصر سرسپرده رژیم سابق در کلیه واحدهای تولیدی و ادارات همچنان موضوع روز است و کارگران مبارز نفت نیز با تائید زیادی این خواسته را مطرح کرده اند و بطور قاطع هم پیگیری می کنند، گزارش "پاکسازی... درواحد بهره برداری مارون را انتخاب کردیم."

جلسه اول - جلسه باصحبتهای یکی از نمایندگان کمیته بهره برداری مارون شروع شد. رئیس، معاون و منشی جلسه هم انتخاب شدند. در ابتدا یکی از کارگران با سخنرانی مفصلی، تعداد زیادی خواسته رفاهی مطرح کرد، که با اعتراض جمع و اینکه ربطی به جلسه ندارد، قطع شد. کارگر بعدی را جمع به لزوم پاکسازی، همچنین در مورد دفع ارضاء اعتصابیون به نامهای مرتبی و زمانی و سایر تصفیه با ایجاد ناراحتی برای کسانی که در اعتصاب نقش مهمی داشته اند صحبت کرد و اشاره کرد که در صورت حرکت ارتجاع و فرصت طلبان علیه کسانی که در شرایط اختیاری و سرنیزه ارتش تکلیف شده و مردانه جنگیده اند، کارکنان بهره برداری بی طرف نخواهند ماند و از آنها با تمام نیرو پشتیبانی خواهند کرد. کارگر بعدی از رئیس اداره اش، حسین شانهوشی و رفتار ضد مردمی وی گفت: کارگر دیگری در مورد تصفیه افراد بالا و مدیران شرکت نفت که با رژیم گذشته همکاری صمیمانه داشته اند و اینکه کافی نیست فقط چند کارگر و کارمند جزو را تنبیه کنیم در حالیکه مدیران سرحاشان هستند، صحبت کرد و مثال زد که، تا وقتی سربک هیکل دست نخورده است، زخم کردن انگشت اوهیج دردی را درمانی کند و باید اول سرفاغی کرد و تا وقت آنکه انگشت خود از بیس می رود، بعد از این صحبتها حرمان باکتری برای درست خود افتصاد و تحریران بعدی حرفشان بیشتر در مورد محاربات مدیران روسای شرکت نفت بود. البته می گفتند، حاشان کوچک و یک خورده بزرگ هم باید محاربات شوند بگذر گفت با دشمنان بائید که همین هیئت مدیره بود که پیشنهاد کرد ۴ نفر کارکنان بهره برداری را جلوی اداره سربازان گند تاقیه سرکار برونند. البته تک و شوکی باز هم از امثال چگانی و براتسی و رئیس و... صحبت کردند. ولی همه موعظه مدیران روسا بودند. در آخر از رئیس جلسه خواسته شد برای جلسه بعد مدیران متهم را احضار کند.

جلسه دوم - وقتی جلسه شروع شد، معلوم گشت که از مدیران مهم کسی نیامده است، عارشان بوده بیایند. بد رئیس جلسه نپلی گفته شد، کتو سدران؟ جواب داد، ما گفتم ولی آنها محل نگذاشتند. یکی رفت که از آنها بخواهد که تشریف بیاورند، رفت و برگشت و گفت "سراجی" (مدیر پرسنل صد مردمی در قبل و بعد از انقلاب) می گوید، نه محاکمه تا راقبول داریم نه خودتان را! نمی آئیم. باز هم

بفصل ۱ صفحه ۱

## لایحه مطبوعات یا...

احرا گذاشته خواهد شد... هر چند این "لایحه" بصورت بیس نویسنده عنوان شده اما از آنجا که به هرحال این نظر دولت است، لذا برخورد با آن بسیار ضروری است. تاکنون اظهار نظرهای زیادی در مطبوعات در این باره منتشر شده است و تقریباً تمام اشخاص که اظهار عقیده کرده اند این پیش نویس را مورد انتقاد شدید قرار داده اند. اما صاحب مال از او به دیگری است.

مامی پرسیم چه چیز سبب شده که حتی قبل از تدوین قانون اساسی و قبل از تدوین قانون انتخابات و قبل از تشکیل مجلس شورای ملی که محل تدوین قوانین عادی نظیر همین قانون مطبوعات است، با عجله می خواهند یک چنین "قانونی" را سرهم بندی کنند. چه ضرورت های فوری و فونی موجب این شتابزدگی است؟ آیا هدف بستن هر چه زودتر زبانها و قلم هائی نیست که در اثر جنش و قیام مردم تا اندازه ای یکبار افتاده است؟ آیا هدف این نیست که جلوی اظهار نظرهای مردم و شرکت افکار و طبقات خلق را در سرنوشت کشورشان

با چنین قوانینی سد کنند؟ راستی ما از تنظیم کنندگان این قانون سئوال می کنیم و این است این ارغمانی که دولت موقت پس از ۵۰ سال خفقان و سرکوب و سانسور و محدودیت مطبوعات به مردم هدیه کرده است؟ در تمام ۳۹ ماده این "لایحه" بوی از اینکته در جامعه مادگرگونی اجتماعی رخ داده به مشام نمی رسد. بجز آن می توان گفت قانونی با چنین محتوایی نظیر قانونی است که شرف امامی می خواست بخورد مردم بدهد و مردم آن را قبول نکردند. مردم می پرسند این قانون یا قانون قبلی مطبوعات چه فرقی دارد؟ جز آنکه درباره ای موارد نظیر اجبار به کلیشه کردن اصول فکری و اعتقادی و روش نشریه در بالای صفحه اول، ارتجاعی ترمیم شده است. مقصد تدریس بطور تفصیلی به تک تک این "چماق سرکوب" برخورد کنیم. چه در اینصورت ناچاریم بد و استثناء به تمام ۳۹ ماده و بند و نمره آن برخورد کنیم. تنها به این بسنده می کنیم که بگوئیم که این قانون در همه زمینه ها دارای اشکال

و با دشمنان دور قاب چین ها آماده شدند، وعده های گریبویست و مقام رسید. از طرف دیگر تماس خود مدیران با نرینه شروع شد و تهدید به استعفا دست جمعی در صورت محاکمه شدن کردند و نرینه کسه برخلاف گفته های روز اول - شش آدم محافظه کاری از آب درآمد. از ترس دست تنها ماندن جازد (آقای نرینه) وقتی که این همه دستهای فداکار و صمیمی برای همکاری دراز شده اند، شاداست دزدان و وطن فروشان را می فشارد (دست روز ۳۱ فروردین بخشنامه نرینه درآمد).

پاکسازی منبوع حتی برای جناب عالی واقعا دست مزاد جناب نرینه. حتی نگذاشتند شبهه بشود همان روز جمعه ۳۱ فروردین بخشنامه مابین شد و شبانه هم چاپ به درخانه های افراد مورد نظر رسید. صبح روز جلسه یعنی یکشنبه هنوز هیچ اداره ای از این بخشنامه خبر نداشت که به همه افراد بهره برداری رسید. معلوم است که همه از بهره برداری، این قلب خونین و سرسخت صنایع نفت و کارکنان زحمتکش و یولادینش حساب می برند، وجه کسانی هم بخشنامه را پخش کردند. زمانی، هر چگانی، عامری، رئیس، آویشن، براتی و... واقعا که خوب موقعی چهره های واقعی خود را آشکار کردند. خیلی از بچه ها گفتند چه نرینه بخواهد وجه نخواهد ماری مان را می دهیم. این بار همه نیروهای ارتجاع به میدان ریختند فریاد شروع شد، دلیل فاهم خیلی مسخره، مدیران منتخب نرینه، نرینه منتخب بازرگان، بازرگان منتخب امام، پس هر که با مدیران در افتاد با امام در افتاده. مریحا به این استدلال، هیاهو بالا گرفت برای از اکثریت انداختن جمع، عوامل روسا بیرون رفتند و در این حال ۸۰ درصد نمایندگان که انتظار نداشتند چنین ناخواندانه خنجر از پشت بچورند استعفا دادند. بالی وصف خود ۱۶-۱۵ نفر از افراد مومن باقی ماندند و محاکمه شروع شد. دوباره عوامل بیرون رفته از جلسه به سرکردگی عامی و آخش... برگشتند و داد و فریاد اکثریت نیست برای گیری اعتبار ندارد. یکی از افراد پشت میکروفون گفت حتی اگر ۱ نفر مومن باقی بمانند مدیران را محاکمه کرده و برای می دهیم، پای رایمان هم می ایستیم. ولی با بالا گرفتن داد و قالمها که داشت به دست بقیه شدن می رسید ختم جلسه اعلام شد و همه با احساس خشم و نعره نسبت به خود فروختگان و عوامل روسا و مدیران جلسه را ترک کردند و مدیران فداکار وطن پرست... و خود متکرار... نفسی براحت کشیدند.

"یک به هیچ به نفع ارتجاع" توضیح آنچه در داخل پارانتز آمده است توضیحات نشریه کار است.

لات بسیاری است. اینست که دولت مطلقا حق ندارد آزادی نشریونان مردم ایران را چه بصورت طبع کتب و روزنامه ها و غیره محدود کند. اصولا چه لزومی دارد که فرد یا جمع برای بیان نظرش از کسی اجازه بگیرد؟ آیا همین "تقاضای امتیاز روزنامه" خودش نوعی اجازه گرفتن برای بیان نظر انتقاد کردن، رهنمود دادن و غیره نیست؟ بدیهی است که اجازه گرفتن خود نوعی محدود کردن آزادی نشریونان است. در بسیاری از کشورها و جهان قانونی برای مطبوعات وجود ندارد. حتی در انگلستان که معسوف است برای هر موضوعی قانون وجود دارد. انتظار روزنامه و نشریه از هر نوع که باشد احتیاج به گرفتن اجازه ندارد و برای مطبوعات قانونی نیست.

بنابر آنچه گفته شد بنظر ما انتشار نشریه با روزنامه و کتاب احتیاج به قانون مطبوعات با اینهمه ماده و تبصره ندارد. این خود ناشرین روزنامه ها و نشریات هستند که در حدود مقررات صنفی و مقرراتی برای خود تنظیم کنند. اصولا احتیاجی نیست که روزنامه نام سردبیر و نویسندگان و مدیرمسئول و...

## توضیح و بوزن دربارۀ «معلم عزیز چرا کتاب صمد را پاره میکنی»

بسیاری از مطالبی که به نشریه کار می رسد بانام مستعار است و امکان کنترل کامل و همه جانبه این مطالب وجود ندارد. یکی از خوانندگان مادر - اعتراض به مطلبی که در شماره قبل چاپ کرده بودیم با دداشتی برای ما فرستاده است که با بوزن از او چاپ می کنیم و امیدواریم در آینده نظائر این مسئله پیش نیاید.

## نشریه کار

مقاله ای که تحت عنوان "معلم عزیز، چرا کتاب صمد را پاره می کنی؟" بدون ذکر نام نشریه ماخذ و جعل نام نویسنده در صفحه ۸ کار شماره ۱۵ مورخ ۵۸/۳/۲۴ درج نموده - این نوشته اینجانب بوده که برای اولین بار در نشریه شماره ۱ کهر مورخ خرداد ماه ۵۸ به چاپ رسید.

البته مسئولیت این بی صداقتی متوجه آن به اصطلاح رفیق معلمی است که با نهادن نام خود زیر نوشته دیگران علاوه بر اینکه مرتکب نوعی سرت شده به اعتبار نشریه یک سازمان انقلابی هم طعمه وارد می کند. لذا به پیوست یک جلد نشریه کهر جهت بررسی تحویل خواهم شد است عین نامه مراد در نشریه کار شماره ۱۶ درج نماید. (ف.معلم) ۵۸/۳/۲۶

## «فولاد» نشریه کارگران پیشرو فولاد

هفتمین شماره "فولاد" نشریه کارگران پیشرو صنایع فولاد منتشر شد. عنوان برخی از مطالب نشریه چنین است:

"دشمن طبقه کارگر چه کسانی هستند؟"، "از خواسته های برخی کارگران ماشین سازی پشتیبانی کنیم" و "قسمتی از سخنرانی یک کارگر پروژه ای" در مقاله "دشمن طبقه کارگر...".

نصایح اصلی جامعه و تضاد کار و سرمایه به زبان ساده توضیح داده شده و در قسمتی از آن می خوانیم:

"آنچه سرمایه دار را پرور می کند سود بیشتر و چپاول هر چه بیشتر نیروی کارگران است و به همین خاطر است که کارگر روز به روز فقیر تر و بی چیزتر می شود و سرمایه دار قوی تر و بی نیازتر از همین جناتد طبقاتی کارگر و سرمایه دار آشکاری شود...".

سرمایه داران با استفاده از وسائل غارتی چون بانکها و بانک دولتی که از سرمایه دار در برابر کارگر دفاع می کنند همه چیز جامعه را به ناسودی می کشانند و موجب فقر و فساد و زشتی و ناپاکی می شوند... حتی برای یک مورد هم نمی توان سرمایه داری را پیدا کرد که از طریق کار و زحمت و زندگی شرافتمندانه سرمایه خود را بدست آورده باشد."

چرا بدعت می گذارید که مردم از ترس سه سال زندان از انتقاد به رئیس جمهور یا شخص اول روحانیت خودداری کنند؟ اما در مورد هیئت منصفه: اسس مقرراتی که در "پیش نویس" تحت عنوان هیئت منصفه آورده شده در بین تمام قوانین دنیا نوبر است. همه می دانیم که دخالت هیئت منصفه در دادگاههای دادگستری از حقوق کشورهای اروپایی گرفته شده ولی مقرراتی که در لایحه مطبوعات آورده شده شکل مسخ شده و کار بیگانه ای از هیئت منصفه است. هیئت منصفه در همه جاز میان مردم عادی انتخاب می شوند. یعنی هر کسی که حق رای داشته باشد و اسمن جزو لیبست رای دهندگان نوشته شود به منظور قانونی می تواند عضو یک هیئت منصفه شود. دادگاهها موظفند که اعضای هیئت منصفه را از میان این لیبست به ترتیب ردیف انتخاب کنند. از طرف دیگر هیئت منصفه شدن از وظایف هر تنصفه می باشد. فلسفه هیئت منصفه هم این است که مردم عادی، کارگر، دهقان، پیشه ور، استاد، دانشجو کاسب، روحانی و... در این امر شرکت کنند. بنابراین در هر کشوری که از هیئت منصفه در دادگاهها استفاده نه مانند "لایحه مطبوعات" که ۱۱ نفر را برای مدت دو سال انتخاب می کند. ضنا از جهت تصمیم گیری و... پس از آنکه اظهارات خود را دادند. آنوقت دادرسی که در تمام طول دادرسی ناظر بر انجام محاکمه است میران جسم را تعیین خواهد کرد. اما "پیش نویس لایحه مطبوعات" عملا نقش هیئت منصفه را یک جمع مشورتی تلقی کرده است نه قضات کننده و به این ترتیب فلسفه وجودی هیئت منصفه راغنی کرده است. بنظر ما تدوین قانون برای مطبوعات سهم "جنس قانونی" به هیچ وجه با مضمون و محتوای انقلاب صمد امیربالیستی و مکرانیک مردم ایران سازگار نیست. زیرا ضرورت ادامه انقلاب و تعمیق مبارزات صدامیربالیستی مردم ایران گسترش آزادیهای دموکراتیک بخصوص آزادی نشر و بیان را ضروری می سازد.

بنظر ما اصولا نیازی به تدوین قانون برای مطبوعات نیست و همانطوریکه در بالا گفتیم خود ناشرین مطبوعات می توانند مقررات صنفی بین خود وضع کنند و اگر قانونی ضرورت داشته باشد، اصولی است برای حفظ حراست مطبوعات در مقابل تجاوزات دولت و طبیقه حاکمه، نه اینکه چماقی برای حقه کردن آزادی نشر و بیان.

ما معتقدیم که چنین اصولی که تضمین کننده آزادی کامل مطبوعات در مقابل قوه مجریه باشد باید در قانون اساسی جدید ایران گنجانیده شود.

روزنامه را آنگهی کند. البته اگر خود آنها مایل باشند که در موارد زیادی این تمایل وجود دارد، ناشرین روزنامه ها خود اینکار را خواهند کرد. البته موظف باشند ناشران را بنویسند.

در مورد آدرس محل روزنامه هم معمولا روزنامه ای که می خواهد با افشار و طبقات مردم در تماس باشد، ناچار است که آدرسی برای مکانی و تماس گیری با مردم داشته باشد. پس این امر مربوط به نیاز ناشرین روزنامه است نه اینکه در مقابل دولت و یا "وزارت ارشاد" موظف باشند که آدرستان را اعلام کنند. در اینجا یک سئوال مطرح می شود که حقوق مردم (اعم از مردم عادی و اولیا) (مور) در مقابل "تجاوز" مطبوعات چگونه باید حفظ شود؟ یعنی اگر نشریه ای به فرد عادی یا یکی از مقامات دولتی و غیره توهین کرد یا اقترا زد چه باید کرد؟ و اگر قانونی برای مطبوعات نباشد چگونه سیدگی شود؟ جواب این سئوال ساده است. مگر ما قانون درباره توهین و افترا به اشخاص در قانون جزا نداریم؟ ارتکاب این اعمال توسط مطبوعات هم چیز جدیدی نیست و می تواند مانند موارد کلی اقترا، خبر کذب و توهین مورد بررسی قرار گیرد. و اینکه توهین با اقترا به "مقامات عالی" باید بدون شکایت ناکی خصوصی قابل تعقیب بوده و محاربات ششماه تا سه سال حبس داشته باشد مسخره است. زیرا اینها هم مثل سایر مردم هستند و از جهت مسئله توهین و افترا فرقی با مردم دیگر ندارند و چرا باید بدون شکایت خود آنان روزنامه تحت تعقیب قرار گرفته و احیاناً توقیف شود و در تانی مگر تمام افراد در مقابل قانون مساوی نیستند؟ پس چرا باید توهین به "مقامات عالی" نظیر نخست وزیران، رئیس جمهور و مراجع تقلید با مردم عادی فرق داشته باشد؟

نکته دیگری که در این "پیش نویس لایحه مطبوعات" قابل انتقاد است ماده ۱۸ است که امکان سوء استفاده های زیادی را برای می گذارد. ماده چنین می گوید:

"هرگاه در مطبوعات مطالبی توهین آمیز و یا خلاف واقع و حقیقت، خواه به نحو انشاء و یا بطور نقل نسبت به شخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید درج شود، مرتکب به حبس جنحه ای از یک تا سه سال محکوم خواهد شد."

با تعیین مجازات سنگین برای ذکر مطالب خلاف حقیقت به نحو انشاء و یا سوء تقلید استفاده کنندگان از این ماده فراهم می شود. مردم ایران که سابقه چنین سوء استفاده های را توسط مجریها س "قانون" به یاد دارند با توجه به چنین ماده ای که در مورد "شخص اول مملکت" وجود داشته، از تداعی چنین وضعی بخود می لرزند.



# نامه های کارگران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



## چرا به نماینده کارگران مارک خرابکار می‌جسبانید؟

نام خلق فهرا ایران .  
نشریه کار .  
ما کارکنان برمن خواهشمندیم که ما  
درج شرح زیر درپائش فتوکی سوس .  
صدای ماستمفغان این کارخانه رایه کله  
خوانندگان باوحدا و آگاه خودبرسانند  
دراین کارخانه انتخاباتی برای تعیین  
اعضا کمنه کارخانه انجام گرفت وعده‌ای  
ازبرادران به عنوان اعضا کمنه انتخاب  
گردیدند از جمله نامبرده فوق دراختیار  
معنی آقای ناصر قربانیورده شرح .  
همانطوریکه ازمتن این اخطاریه  
سداس به اشان که منتخب و میسند  
واقعی کارگران است لقب اخلاکر دادند  
آسان بدان معنی نیست که کله کارگران  
معنی انتخاب کنندگان نامبرده اخلاکر  
هستد؟  
این آقای سرمایه دار باجسه  
بستوای این جنس به نمایندگی کارگر  
اخطار می کند که اگر باریک ارجحی  
کارگر دفاع کنی . تصمیماتی سدیدنتر  
درمورد شما اجرا می شود؟ و این اخطاریه  
از آنجاستی می شود که وقتی نمایندگان  
کمنه با کارفرما را مع به اضافه دستمزد  
کارگران صحبت می کرده اند کارفرما به  
همان شوه همشگی مانند زمان طاغوت  
مسول می شود و در ورشکستگی می زند  
وهنوز هم توقع دارد که کارگر گولس را  
بحورد و برش را باثین اندازد و چیزی  
نگوید . ولی کارگر منتخب می دانده  
دیگر نباید گول این حرفها را خورد و از  
آنجاستی که دلش از فقر و ندانستی قدرت  
خرد درد می کند با صدایی بلندتر از حد  
معمول می گوید: "دیگر از این روزه ها

## چه کسانی کارگران را متهم میکنند؟

من یک کارگر بلاستک سازهنم  
باد آور می شوم که شعل ساق بندد  
کشاورزی بوده وبه دلایل مشخص وضع  
کشاورزی و جلب صنایع کاری شده بد  
حرکه استثمار شوندگان ( کارگر ) بیوستم  
مدارک تحصیلات من در حدود دوم  
منوطه است . بعد از خدمت سربازی بحاطر  
پرونده تشکیلی در زندان برای حیای  
کار کردن در ادارات دولتی برام نبود .  
همچنین در کارخانجات بزرگ به مس  
کار نمی دادند . ناچار برای معاش  
روزمره در سال ۱۳۵۴ در کارخانه پلاستیک  
سازی مشغول بکار شدم و بطور روزمزد  
در رابطه با کار کردن سعی می کردم که  
آگاهی خود و همکارانم را بالا ببرم  
بحاطر همین فعالیتها هیچ کارفرمایی  
بیش از سه ماه به من کار نمی داد در این  
مدت همیشه به حرم اخلاکر یا ارجح  
می کردند . در طول چهار سال در شرک  
۲۵ کارگاه کار کردم ( در صورت لزوم آدرس  
کارخانه به استحضار خواهد رسید ) .  
سال گذشته در تاریخ ۱۳۵۷/۱/۱۴  
زند شخصی به نام نصرت محمودی ( با  
تعهد شغاهی اشان در مورد دانشی بودن  
کار ) مشغول به کار شدم . در تاریخ  
۱۳۵۷/۹/۱ کارگاه بعلت اختصایات تعطیل  
شد و نامبرده عذر تمام کارگران را که ۲۵  
نفر بودند خواست . من واقعا باساجت  
ربادی بیرون نرفتم . ثانویه با اینکه  
مدت شش ماه حقوق نگرفته بودم . در  
نتیجه در تاریخ ۲۳ اردیبهشت حقوق

## انقلاب یعنی چه؟ وراستی انقلاب برای ما چه معنی داشت؟

نامه دونهزار کارگران حاجاحه  
گلپنار زد .  
به ادایه کاروا مور اجتماعی اشن  
شود .  
در تاریخ ۵۸/۲/۳۰ عمل  
درخواست به حق خود می افراس  
حقوق از این کارگاه اخراج بدیم و همه  
مفهوم دیگر ۲ نفره سگاران این اجتماع  
افزوده شد و این عمل مارا در برابر اسی  
برس قرار داد که راسی مگر اختصایات  
چه معنی دارد و برای ما چه معنی داشت؟  
آیا باید همانطور مثل سابق تحت فشار  
کارفرمایان باشیم و با استدائی برسی  
درخواست ما مخالفت کند و عدر مارا  
خواهد؟ راسی این انقلاب برای ما  
چه مفهومی داشت؟ آیا این فقط یک  
انقلاب اسمی بود که هیچ فایده ای  
برای طبعه فعال کارگر نداشت؟  
شاید ما بگوئیم صرا اعلایی  
داشته باشیم و بیشتر صر کنیم که ناند  
در آینده و صمعان سپر سودبار ما  
می گوئیم که سپر نیست کمی ارض  
نحمله به کارفرمایان و اس سرمایه داران  
که خون ما را می مکند تزیق شود که ما را  
انظور تحت سنم فرار دهد؟  
درخواست ما از شما اس است که به  
این شکایت رسیدگی کند .  
در ضمن ربوست اس نامه سه  
روزنامه کار اریال خواهد شد .

## ما آگاهی خود را بیشتر میکنیم و مبارزه را تا پیروزی نهائی ادامه میدهیم


نامه یک کارگر سنگ سگری از کارخانه  
سنگ بری البرز ارومهر .  
ارسال ۵۶ کارخانه نیرو به کار  
کرد و ما ۴۰ نفر کارگر کار را ادامه دادیم  
تشدت سنم و سپهر کسی که توسط کارفرما  
احام می گرفت ۲۲ نفر رفقای ما کار را  
رها کردند و با بعضی ها که خان سخت تر  
بودند به انواع حیل و جور و سنم بدست  
کارفرما از کار بیکار شدند . در حال حاضر  
۱۸ نفر از رفقایمان مشغول کارند . کارخانه  
۱۴ دستگاه تولیدی گنحاش دارد که فقط  
۱۰ دستگاه آن مورد استفاده قرار می گیرد .  
هر دستگاه ۳ نفر کارگر به کار می افند .  
بعضی از دستگاه ها ۲ نفر کارگر بکار  
می افتد . در دو سال اخیر چه سنم هاشی  
که متحمل نشده ام . از روزی که گروههای  
مبارزه به کارخانه ها روی آوردند و شروع  
کردند به آموزش ما کارگران . نتایج خوبی  
گرفته ام . اولی اعتبار را راه انداختم  
و در انقلاب فعالانه شرکت خستم . این  
رفعا به ما کمک کردند که ما کارگران بتوانیم  
حدود ۱۵۰۰ تومان از کارفرما بعنوان  
مرایای خواریار و حق مسکن دریافت کنیم .

## ۲۹ خرداد روز ...

کودتای ۲۸ مرداد را بوجود آوردند و  
باسفوط مصدق و سرکوبی خلق کلسه  
دستاوردهای جنبش سه ساله نفت رایه  
بغما بردند . همه اینها تا شد کنند  
این واقعت است که مبارزه با امپریالیسم  
باید با قاطعیت تمام و تا قطع کامل آن در  
تمام جنبه های اقتصادی ، سیاسی و  
فرهنگی آن باید ادامه یابد و اگر نه  
مار زخمی بر مراتب خطرناکتر است . تنها  
راه نابودی کامل آنست . این وقایع نشان  
داند که اگر عوامل امپریالیسم وریشه های  
آن که در جامعه وجود دارند مبارزه ای قاطع  
نشود ، امپریالیسم از این درکه رفته ا ز در  
دیگری می گردد . تجربیات جنبش ملی  
کردن نفت نشان داد که عدم سرکوبی  
عوامل امپریالیسم انگلستان و امریکا در  
ایران یعنی دربار ، ارتش ، شهرپانی  
زانداری ، سرمایه داران وابسته و  
فئودالها ، چگونه توسط همین  
امپریالیستها دوباره بازگشتند و تمام  
دستاوردهای خلق ما را نابود ساختند .  
رهنمودی که اس تجربه تاریخی برای  
وضع کنونی ما را داد این است که اگر ما به  
قطع نفوذ امپریالیسم بطور ریشه ای  
برخورونیم ، امپریالیسم همچنان پا  
برجا خواهد ماند . این تجربیات نشان  
می دهد که با وجودیکه امپریالیسم در  
زمان مصدق از نظر اقتصادی پایه  
ریشه داری وضع کنونی در ایران

ساخت همان آس است و کاسه همان  
کاسه . نتیجه آنکه بدنیال تحکیم  
سرمایه داری وابسته یعنی ربر سهای  
اقتصادی ، بطور طبیعی اس ربر سهای  
رونیای خود یعنی ابزار سرکوب راهم  
بوجود می آورد . بی جهت نیست که  
می بینیم حرکت به سوی تجدید سازمان  
ارتش شروع می شود و ساواک و سایر  
ابزار سرکوب " به اشکال نوس " کمی  
پس از دیگری ظاهر خواهند شد .  
همچنانکه دیدیم پس از ۲۸ ماه حکومت  
دکتر مصدق ، چگونه عوامل امپریالیسم  
در ایران ، پس از استقرار ، با قدرت تزار  
سین ابزارهای سرکوب را بوجود آوردند  
اکون که ۲۹ خرداد . روز خلق  
بد راگرمی می دارم باکم اریار ریح  
درس گرفته و با نیروئی قاطع برای ریشه  
کن کردن پایه های اقتصادی امپریالیسم  
انقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیک  
مردم ایران را بسوی پیروزی سپاهشی  
سوق دهیم . تاریخ به ما می آموزد که  
تنهاراه مقابله با تزار حوادت تلخی  
تاریخی ادامه انقلاب است و سن .

شهرت پیروزی  
در خانه پریت  
تلفن ۷۱-۲۲۷-۲۲۰۵۰۲ تلگرافی : پریتکو تکس ۲۱۲۸۸۱ بیك  
شاید - جاده سیمان کیلومتر ۹ کارخانه پریت تلفن ۲۵۲۱۲ صندوق پستی ۱۰۲۳



آباد نامر ربا سوزان  
ببین ما را در هر کجا که ما را می بیند  
باید پیروزی آس انقلابی کارگران مبارزه را  
ببین از روزی که کارخانه ها را با این انقلاب و سنی  
در گنجه ها و در خانه های اشن در همه جا  
ایلا و سیکند  
گردد سید انا سون بر یزد انما اجرا خواهد کرد

امیر ادرن

## ضد انقلابی کیست؟

یکی از کارگران بیکاری گفت:  
" در خانه کارگر اجتماعی داشتیم  
که متوجه شدیم یکی از روحانوں طراز  
اول که مسئولیت بهمی هم در کمنه های  
امام دارد به خانه کارگر آمده است .  
حوشحال شدیم و برای درد دل پیروا  
رفتم . دیدیم که ایشان ندیدان ما  
اعتراض می کنند و اراکه به خانه کارگر  
آمده اند هفتان شنیدن درد دل های  
ما سوده بلکه فکرمی کرده اند که اینجا  
محل اجتماع اخلاکران وبه اصطلاح  
خودشان عناصر صد انقلابی ! است .  
با همه اینها گفتیم نباید بدست دشمن  
خودمان رایه ایشان بگوئیم . پس ارض  
سلام وبه حال آوردن آداب و رسوم متداوله  
( که حتما باید در سر خورد ما این حضرات

به جا آورد ) خدمتشان شرفیاب شدیم .  
اما هنوز دهان باز نکرده بودیم که ایشان  
فرمودند . بنظر من شما کارگر نیستید  
وبی خود می گوئید در این مملکت بیکاری  
وجود دارد . شما اگر کارگر و زحمتکش  
بودید می توانستید حتی با جمع کردن  
" نه سگار " در این مملکت زندگی کنید  
و ...  
من که ۳۰ سال اس نان شرف و  
بازوی خود را خورده ام از این حرفها  
برآشفته شدم اما ناخواستم به حضرت  
ایشان جواب بدهم ، یکی از پاسداران سا  
السلحه جلوس را گرفت و گفت:  
فضولی موقوف . آقا خودشان  
همه چیز را می دانند ، نمی خواهد برای  
ایشان توضیح بدهید .

تاریخچه جنبش کارگری جهان

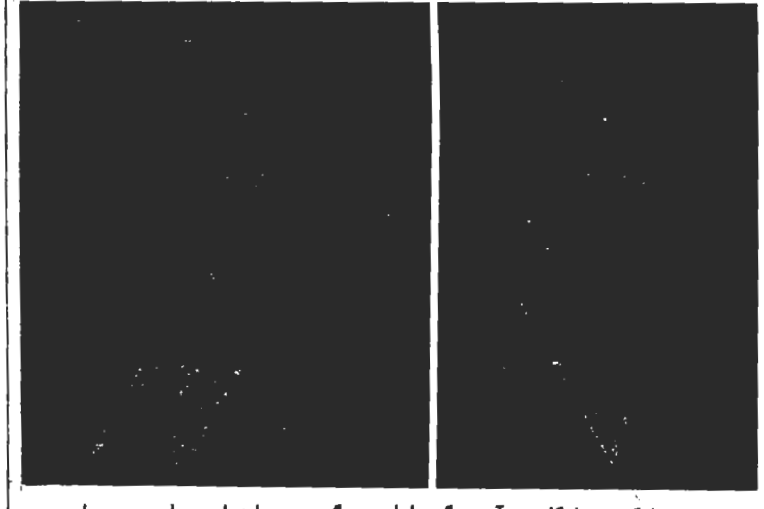
ایجاد اولین تشکیلات بین المللی کارگران (بین الملل اول)

انقلاب خلق عمان مرحله جدید مبارزه آزادیبخش خود را آغاز کرده است

سود سرناری عابدتان می شود. در حقیقت آنان کارگران این شرکتها هستند. گروه دیگری از خلق محترم عمان را فاعلرمان و ملوانان تشکیل می دهند. که از شرایط کاروردهگی طایف فراسخ می برد. شرکت های بزرگ با احداث هائی ده کشتی صنعتی به خودشان است. این گروه راه تندترین و جبهی استثمار می کنند. ملوانان و فاعلرمان در حیران انقلاب عمان با حمل و نقل ماسارسی و اسلحه و مهمات. کمکهای بازرشی به حسیه آزاد سخن عمان کرده اند. پس از سه قدرت رسدن سلطان فایوس. آنان وعده های فرسده و سرازیر کردن سیل واردات خارجی به عمان انداخته اند. از آنجا که سرمایه داران کوچک عمان که فلا به کشور هائی محاور مهاجرت کرده بودند. به عمان بازگشتند تا به کسب و کار معقول شوند. ولی این گروه حلی رود سی برسد که تسلط سرمایه داری واسه و کسب و کار معطلات و صمت ها. حاشی خیرای فعالتهای آنان با رسی گذارد. اراس رو اس قدر در حال حاضر تیدا نحت صاف هسند و از رزم فایوس باز صید. تا ناخس هیلها. رستوراهای و سیره اظر می سود سرناری خصمرمن حواران و خانواده سلطنتی سد. و از سوی دیگر مری از کارکنان هیلها. رستوراهای و خدمات موجود آمد.

در شماره های قبل تاریخچه مبارزات خلق عمان تحت رهبری حسیه خلق برای آزادی عمان (P.F.L.O.) و زندگی در مناطق آزاد شده را بررسی کردیم. در این شماره به بررسی حسیه های د.ع.ع. عمان می پردازیم:

اولین گروههای طبقه کارگر در عمان ۵۰ سال پیش (طرف سالهای احسن) با آغاز فعالیت شرکت های یعنی در این کشور موجود آمد. پس از کودتای فایوس که سبب شد سرمایه گذارهای احصارات امیرالستانی در صنعت نفت و سایر رشته های تولیدی افزایش پیدا کنند. شماره کارگران سرعت ربه فزونی نهاد. در عمان طبقه کارگر را عمدتا توده های روستایی که به امید دست آوردن کار به شهرها آمده اند و سایر کارگران عمالی که پس از کودتای فایوس از کشورهای منطقه به عمان بازگشته اند. تشکیل می دهد. تعداد زیادی کارگر هندی، ایرانی، اوگاندائی و پاکستانی به در عمان مشغول کارند. کارگران بحر کار در صنعت نفت در رشته های ساختمانی. حاده سازی - که تعداد کودنا بوسعه نامه- و همچنین کارهای کشاورزی کاری می کند. حتی دیگر کشاورزی هسند که فایوس زمین بوده و با فاطمه رمس کوچکی دارند ولی زندگی شان عمدتا از مسرو تن نیروی کارشان نام می شود. فقر دیگر نحت ستم. دهقانان فقیری که صاحب قطعه زمینی کوچک هستند. دولت فایوس به این دهقانان هیچگونه کمکی از نظر کودتایی نمی دهد. ماشین آلات کشاورزی و غیره نمی کند. در عوض شرکت های سرمایه گذاری انگلیسی و امریکائی و دهقانان برومند و فئودالها از کمکهای وسیع رزم فایوس برخوردارند.



مارکس وانگلس آموزگاران بزرگ پرولتاریای جهان

پرومترنداده ای راه بین بردولی اس به تنهایی کافی نیست. اهمیت سازماندهی و تجربه مبارزاتی کمرا سر د نیست. در این زمان در کشورهای جهان احزاب سیاسی کارگری وجود داشت اما تعداد زیادی احزاب کارگری، سازمان های عاوسی کارگری (کنتراسیو) گروه های برهنگی کارگری سازمانهای دیگر در اروپا و امریکا وجود داشتند که به سن الملل اول پیوستند. همه های مجلسی تشکیلات سن الملل اول کارگران در کشورهای مختلف جهان به وجود آمد و در مدت کوتاهی "سن الملل" به سازمان سن المللی کارگران تبدیل شد. تحت رهبری مارکس شورای عمومی سن الملل به مرکز رزمده جنبش سن المللی کارگران تبدیل شد. این مرکز کمکهای برارشی (در زمینه ارائه رهنمود های سیاسی و پشتیبانی مادی) به جنبشهای اعتراضی در سراسر جهان عرضه کرد. در این زمان اعتصابات بزرگی در کشورهای مختلف جهان به وقوع پیوست که توسط سن الملل سازمان داده شد. این اقدامات و فعالیتها باعث شد که اعتبار "سن الملل" نزد کارگران جهان بالا رود و آنها به نقش و اهمیت یک چنین تشکیلات جهانی کارگری بین اربیش پی برسد. و فعالیتها کارگران جهان را متعاضد ساخته بود که این شعار سن الملل "کارگران جهان متحد شوند" تحقق پذیر است و کارگران جهان می توانند در یک تشکیلات سن المللی متحد شوند. پس برارشی که در جهت استحکام اندولوزی (جهان بسی) و سازماندهی طبقه کارگر ایفا کرد، به سازمان به هم پیوسته و با نفوذ کارگران تبدیل شد. تحت رهبری "سن الملل اول" مبارزه آزادیبخش طبقه کارگر بر علیه استثمارگران اعتلای قابل توجهی یافت.

نماینده کی فراسه پیشنهاد ایجاد یک تشکیلات بین المللی کارگری را مطرح کرد. این پیشنهاد به اتفاق آرا به تصویب رسید. نمایندگان حاضر. در قطعنامه مصوبه ایجاد "تشکیلات بین المللی کارگران" را که به "سن الملل اول" (انترناسیونال اول) شهرت یافته است. اعلام کردند. آنها سپس شورای مرکزی موقت این تشکیلات را برگزیدند. این شورا کمی بعد به شورای عمومی سن الملل اول "درآمد" و دوتن از رهبران اتحادیه های کارگری انگلستان که دارای نفوذ زیادی بودند. بعنوان رئیس و دبیرکل انتخاب شدند. مارکس نیز بعنوان عضو شورای برکنار شد. اما در حقیقت او رهبر واقعی "سن الملل اول" بود. انگلستان در این باره می گوید: "مارکس روح شورای عمومی سن الملل بودند." "سن الملل اول" در کارهای این کمیته شرکت کرد و مسئول شد که خطابه و همچنین اساتذگی سن الملل را تنظیم کند. از آنجا که کارگران شرکت کننده در کنفرانس سن الملل در سطوح مختلفی از آگاهی طبقاتی بودند. لذا برنامه می بایستی طوری نوشته می شد که کاملا روشن و بی سرای همه قابل قبول باشد. ضمن آنکه محتوای آن با اصول اساسی کمونسم علمی مطابقت داشته باشد. مارکس با مهارت سی نظری توانست این وظیفه را بخوبی به انجام رساند. "خطابه" پس از تشریح شرایط سخت زندگی طبقه کارگر در جامعه سرمایه داری. نتیجه گیری می کند که بدلیل چنین شرایطی است که تسخیر قدرت سیاسی باید اولین وظیفه طبقه کارگر باشد. در "خطابه" گفته شده است که طبقه کارگر از جهت کمیت دارای آنچنان نیروی هست که بتواند مبارزه

گسترش بازار های جهانی در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی (نیمه اول قرن سزدهم هجری شمسی) به استثمار سرمایه داری سش از پیش خصلت جهانی می داد. این امر در مقابل اتحاد مستحکم کارگران همه کشورهای جهان را حساب می کرد. در دهه شصت قرن نوزدهم سوارات شدند تضادهای جامعه سرمایه داری جنبش کارگری پس از کسب تجربیات سار. به درجه والا ای از آگاهی طبقاتی کام نهاد. جنبش کارگری در این موع آماده بود که نیروهای خویش را در سطح سن المللی متحد کند. اولین سازمان بین المللی پرولتاریا (کارگران) بنام "اتحادیه کمونست" در اولین سالهای دهه ۵۰ قرن نوزدهم مجبور به تعطیل شد. این اتحادیه در سال ۱۸۴۷ میلادی (۱۲۲۶ ه.ش.) با شرکت مارکس وانگلس. رهبران و آموزگاران پرولتاریا تشکیل شده بود. در آن هنگام سوسالیتهای نخبه ای (سوسالیتهای اتوپست) شعبار می دادند که تمام افراد بشر برادند. این شعار صفت بندی بین طبقات را محدود می کرد و کارگر و کارفرما را که با یکدیگر تضاد آشتنی با دیری دارند "برادر" می خواند. در مقابل این شعار فرسوده و انحرافی "اتحادیه کمونست" شعار کارگران جهان متحد شوند" را مطرح کرد. در کنفرانس اتحادیه کمونست که در همان سال در لندن تشکیل شد. مارکس وانگلس با موریت پیدا کردند که "برنامه" اتحادیه کمونست "را تنظیم کنند. در ابتدا ای سال بعد. این برنامه تحت عنوان "مانیفست حزب کمونست" بصورت جزوه کوچکی چاپ شد. در این مانیفست مارکس وانگلس اصول کمونسم علمی را به روشن ترین شکلی تشریح کرده اند. از زمانیکه "مانیفست" اولین بار منتشر شد. اکنون ۱۲۱ سال می گذرد و تاکنون بیش از ۱۰۰ چاپ مختلف از این سند منتشر شده و تقریبا به تمام زبانهای دنیا ترجمه شده است.

همانطوریکه گفتیم "اتحادیه کمونست" علت ضعف سازمانی دیگر سی توانست یک سازمان توده ای طبقه کارگر با توده همس دلیل در اولین سالهای دهه ۵۰ قرن نوزدهم دیگر فعالیت چشمگیری نداشت. در آغاز دهه ۶۰ قرن نوزدهم میلادی (دهه چهل فر. سزدهم ه.ش) ارتباط بین کارگران کشورهای اروپای غربی مرنا افزایش می یافت. در سال ۱۸۶۲ م. در جرمان "نمایشگاه جهانی" که در لندن برگزار شد. گروهی از کارگران فرانسوی با کارگران انگلیسی ملاقات کردند و پیرامون مسئله وحدت پرولتاریا در جهان به بحث و تبادل نظر پرداختند. آنها تاکید کردند که فقدان یک سازمان بین المللی کارگری و نبودن ارتباط لازم بین کارگران کشورهای مختلف غالباً به سرمایه داران اجازه می دهد تا برای شکستن اعتصابات کارگری ارنبروی. ی انسانی خارجی استفاده کنند و کارگران خارجی را استخدام کنند. این کارگران پیشرو پیشنهاد بوجود آمدن تشکیلاتی را که بتواند کارگران سراسر جهان را متحد کند. مطرح کردند. در نامه ای ارسوی کارگران انگلیس خطاب به کارگران فرانسوی آمده است: "برادری خلفها برای تامین مایع کارگران فوق العاده ضروری است." بدینال این کوششها. کارگران فرانسوی و انگلیسی برای نشان دادن همبستگی بین المللی کارگران. مشترکاً میتینگهایی در پشتیبانی از مبارزات به حق خلق لهستان (که برعلیه سلطه استبداد روسیه تزاری به مبارزه بر حاسته بود) برگزار کردند. در روز ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ (۸ مهر ۱۲۴۳ ه.ش). کارگران انگلیسی فرانسوی. آلمانی. ایتالیایی. لهستانی و ایرلندی در تالار سن مارتین لندن تشکیل جلسه دادند. هیئت



یکدیگر از مایع ثروت سرمایه داران وابسته و امیرالستنها در عمان صد ماهی است. ماهیگران فقیر که صاحب یک قایق کوچک و وسایل ابتدائی ماهیگیری هستند. با وجود آنکه با مخاطرات فراوانی دست به گریبانند (امواج عظیم دریا. کوسه و فغان). در آمد بسیار ناچیز و زندگی فلاکتنازی دارند. مطابق آمار سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰ ه.ش.) تعداد ماهیگران در عمان ۲۵ هزار نفر است. تعدادی از ماهیگران مشترکاً صاحب یک لاج (قایق های نسبتاً بزرگ) هستند. آنان بعلت داشتن وسایل ماهیگیری بهتر نسبت به ماهیگران فقیر وضع بهتری دارند. گروه دیگری از ماهیگران هم هستند که هر کدام یک یا چند لاج دارند و کاملاً مرفه هستند. آنها ماهیگران فقیر را استثمار می کنند و با فروش ماهی های صید شده به شرکت های بزرگ خارجی.

اخبار جهان

اعتصاب کارگران تولید لاستیک در آمریکا برای اضافه دستمزد کارگران شرکت "یونایتد اسر" در آمریکا مدتی است که در اعتصاب می برند. این شرکت لاستیک تولید می کند. کارگران خواهان اضافه دستمزدی ۳۳ درصد تا ۳۶ درصد در خلال سه سال می باشند. دولت بکارگران پیشنهاد کرده که آنها با اضافه دستمزدی معادل ۷٪ موافقت کنند و به اعتصاب خود پایان دهند. در حال حاضر شاهای اسپانیا ن اعتصاب به چشم نمی خورد و اعتصاب بطور یکباره ادامه دارد.

اعتصاب برای آزادی دو رهبر کارگری در استرالیا کارگران سراسر استرالیا تهدید کرده اند که اگر دوتن از رهبران اتحادیه های کارگری استرالیا را آزاد نمانند دست به اعتصاب عمومی برتاری خواهند زد. برخی از مخالفین دولت محافظه کار استرالیا معتقدند که دستگیری دوتن از رهبران اتحادیه های کارگری توسط دولت است. آنها معتقدند که دولت محافظه کار سعی دارد با درگیری با اتحادیه های کارگری و توقیف رهبران قدرت آنها را در انتخابات آتی ضعیف سازد.

### گرامی داشت خاطره ...

بقیه از صفحه ۱

از مبارزات بعدی کارگران کوره بزخانه بود. استمرار و فزونی شدید کارگران و کودکان معصوم آنها، حرکتی یکپارچه را موجب شده بود. مسئولان وزارت کار به حیلای ارتش متوسل شدند تا شاید اعتصابات کارگران را سرکوب کنند و از سرایت آن به جاهای دیگر جلوگیری کنند. زیرا در آن زمان بودند که چگونه اعتصابات سالهای ۳۶ صنعت نفت موجب شروع حش کارگری در آن سالها شده بود. وزارت کار ۲۴ درصد به حقوق کارگران اضافه کرد اما کارگران آن را نخواستند و بدینال آن ۲۶ تن از کارگران را دستگیر و زندانی کردند. تهدید و اراغاب نیز مانند وعده و وعید کاری از پیش نرسد. روز ۲۳ خرداد کارگران برای ادامه مبارزه تصمیم گیری درباره نحوه خشنی کردند. حملات استعمارگران، اجتماعی ترتیب داده بودند که ارتش ضد خلقی سر حمله به سوی آنها شلیک کرد و حدود ۵۰ کارگر زن و مرد و کودک را بخون کشاند.

امروز یک نقطه عطف و یک تجربه دردناک برای کارگران است. امروز روز شجاعت و همبستگی و اتحاد است. همبستگی و اتحادی که کشتن دهها کارگر و دستگیری ۲۶ تن از آنها و حتی حمله و تطمیع نیز نتوانست خطای در آن ایجاد کند. انقلابی که ما امروز کردیم ادامه راه آنهاست. اما منافسانه می بینیم که انقلاب ما با تمام دستاوردهایش هنوز نمی تواند خواستههای ما را تامین کند و همین ما را از قید استثمار برهاند. تحمیل کارگران را با تهدید اسلحه به هم می زنند، سه تن از بهترین همکاران ما را بدلیل ضد امپریالیست بودن می گیرند و به زندان راه اطاقت و تسلیم وادارند. همه اینها به این دلیل است که رهبری انقلاب در دست ماکارگران نوده است. این است از ناپیگیری انقلاب. تنها انقلاب سرخ با رهبری ماکارگران است که می تواند امپریالیزم را برای همیشه از کشورمان بیرون کند.

یکی دیگر از نمایندگان کارگران بیکار تهران نیز درباره کارگران کوره بزخانه چنین صحبت کرد: "باز در روز به کارگرانی که تولیدکننده با کسب و خویشهای جهان هستند ما چندین بار به محوطه کوره بزخانه هارفتیم تا از نزدیک باستی که به برادرانمان می رود آشنا شویم. محیط کوره بزخانه هانتفس آدمی را غیر ممکن می کند. در زیر آفتاب داغ تابستان هوای آلوده کوره و گرد و خاک که از محیط بلند می شود دست جمعی کار می کنند. از چیه ۷ ساله تا بزرگ ۷۰ ساله از صبح سحر تا ۹ شب. وی ضمن اشاره به خبر یکسای از روزنامه هادرباره نیروی ویژه نظم کارخانه

گفت:

آقای وزیر ضد کارگر که کوسو کزانی آزادیخواهی سر داده ای. برای چهارتنش ویژه ضد کارگری تشکیل داده ای؟ ارتش تشکیل می دهی که نظم کارگاهها را بعهده بگیرد؟ کدام نظم؟ شاه هم همین حرفها را می زد. جرابهای ایجاد کارگری برای کارگران گروه ویژه ضد کارگری تشکیل داده اید؟

سپس یکی از کارگران کوره بزخانه درباره علل کم آمدن کارگران کوره بز به مجمع کارگری صحبت کرد و گفت: علت اینکه کارگران کوره بز به اینجا نمی آیند این است که آنها همیشه کار دارند. شهنش کار می کنند و علت دیگر آن پائین بودن سطح آگاهی طبقاتی آنها است. بعهده کارگران پیشرو است که آنها را آگاه سازند. دوستان ما باید بدانند که مبارزه طبقه کارگر طولانی و پریچ وخم است. ما نمی ترسیم. ما می گوئیم که سرمایه داران را لولفت هستند. اینها نمی کنند که ما بول دادن به بکده کارگر که در مقابل ما می ایستند. می توانند ما را از میدان بدر کنند. من به حرکت کارگری و پیروزی آن معتقد هستم. ما باید شهدای کوره بزخانه را گرامی می داریم. ماکارگران همیشه یاد شهدای خود را در سینه ها مان نگه می داریم.

در پایان جلسه از پیامهای همبستگی گروههای کارگری نام برده شد که از جمله به پیام های زیر اشاره شد: کارکنان پیشرو صنعت نفت اهواز گروهی از کارگران راه آهن، کارگران انار شرکت اندیشگر، گروهی از کارگران جنرال موتورز، گروه صنعتی پارس منو، کارگران قزوین، کارگران پیشرو انبارهای عمومی ایران، گروهی از کارگران پیشرو کفش بلا، کارگران صنفا، کارگران صنفا، تاسیسات ساختمانی، کارگران پیشرو شر ق تهران و گروههای دیگری از کارگران.

### موضع گیری مرتجعانه ...

بقیه از صفحه ۱

حوادث را بهانه ای برای آرایش و تجدید سازمان ارتش به شوه گذشته کنند. محکوم می کشم اعلام می دارم که خلفای مبارز میهن ما که مخوفترین و سرکوبگرترین ارتش منطقه یعنی ارتش شاه را با آن همه ساز و برگهای شکست دادند، نه تنها می توانست در برابر نیروی تجاوزگر منطقه استنادگی کند بلکه ایمان داریم که نیرومندترین قدرت تجاوزگر جهان یعنی امپریالیزم امریکا نیز اگر در ایران دخالت کند، در برابر اراده خلیل ناپذیر کارگران و رزمندگان قهرمان خلقهای ایران چیزی جز شکست نصیب نخواهد شد.

را باخته بودند. اتحاد نامقدس امپریالیستهای انگلیسی و امریکائی، ارتش شاه قاپوس اشتباهات تاکتیکی جبهه خلق موجب شده جنبش آزادیبخش عمان در سال ۱۳۵۶ موقتاً دست به عقب نشینی بزند. جنبه خلق برای آزادی عمان با جمع بندی گذشته، اکنون اعتقاد پیدا کرده است که بجای تمرکز تمام نیروی خود در اربال طغار، می بایستی جنگ آزادیبخش را در سراسر خاک عمان گسترش دهد و به این ترتیب نیروی دشمن را پراکنده کند. بی توجهی به این مسئله بزرگترین اشتباه تاکتیکی جبهه در طول این مدت بوده است.

سرنگونی رژیم شاه و تضعیف موقعیت امپریالیسم در خلیج فارس موازنه نیروها را به نفع خلق عمان تغییر داده است. اکنون خلق عمان رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان به دست جمع بندی اشتباهات و بررسی شکستها و پیروزیهای گذشته به سازماندهی نوینی دست زده است و پیش از هر زمان دیگر برای مبارزه ای سخت و طولانی با رژیم قاپوس و امپریالیسم آمادگی دارد.

اکنون خلق عمان همزمان با آغاز پانزدهمین سال نبرد انقلابی خود، تعرض خویش را علیه رژیم دست نشانده قاپوس آغاز کرده است. عملیات موفقیت آمیزی که روز شنبه ۱۹ خرداد (روز انقلاب عمان) در منطقه طغار از طرف جبهه خلق برای آزادی عمان (P. F. L. O.) انجام گرفت نشان دهنده آغاز مرحله ای نوین در مبارزات خلق عمان است. مبارزاتی که به موجودیت رژیم قاپوس و ارتجاع و به نفوذ امپریالیستها در عمان خانه خواهد داد. عمان آزاد، آباد و شکوفان راپایه ریزی خواهد کرد.

### آزادیها و حقوق ...

بقیه از صفحه ۱۲

که این وحدت ملی نه صورت تصنعی و مکانیکی بلکه بطور واقعی تامین می شود. پایه های حفظ این وحدت استوار می گردد. بنابراین در قانون اساسی جدید باید حق خود مختاری خلقها در اداره امور اقتصادی اداری و فرهنگی تضمین شود. در چنین شرایطی است که به مشکلات و مسائلی موجود در این زمینه خاتمه داده خواهد شد. اتخاذ راه حل منطقی که منافع خلقهای ایران را تامین کند زمینه های بروز اختلاف و ناراضیاتی هارا که در چند ماه اخیر در مناطق خلقها شاهدش بودیم از بین خواهد برد. بازبین رفتن عوامل عینی و ذهنی ناراضیاتی ها، خلقهای کرد، ترک، بلوچ، ترکمن، عرب و فارس در محیطی خالی از سو، ظن و ستم ملی در همبستگی زندگی خواهند کرد. بنا بر این حساسیت مسئله حکم می کند که قانون اساسی جدید ایران به این مهم پاسخ مناسب داده، خواست خلقها را تامین کند.

### حق آزادی مذهب و عقیده

چنین حقی بمعنای واقعی در پیش نویس قانون اساسی " وجود ندارد. در حالیکه در کلیه قوانین مترقی به آن تصریح شده است. اصل ۵۳ قانون اساسی الجزایر نیز تأکید می کند: " آزادی مذهب و عقیده نباید مورد تعدی قرار گیرد."

حق آزادی انتخاب مذهب و عقیده به فقط آزادی در انتخاب، بیان، کسب اطلاع، تبلیغ و انتشار اعتقادات مذهبی با سیاسی است، نه فقط در آزادی و اختیار شرکت در اجرای مراسم مذهبی و فرائض دینی با عدم شرکت در آن خلاصه نمی شود، بلکه به این مفهوم است که باید رعب و وحشت و از برانگیختن خصوصیات علیه یک مذهب یا یک عقیده سیاسی جلوگیری بعمل آید. این حق متضمن این امر است که فرد با جمعیتی بخاطر داشتن یک مذهب یا یک عقیده سیاسی مورد تعرض قرار نگیرد و بخاطر آن هیچگونه خطری در هیچ زمینه آنها را تهدید نکند. مثلاً مذهب یا عقیده سیاسی کسی نباید منشأ تبعیض در انتخاب شغل یا سایر امور اجتماعی گردد. در مورد نکته اخیر، اصل ۵۲ قانون اساسی اخیر پرتغال، که یک کشور سرمایه داری است و بالتبع یک کشور ایده آل نیست، در بخش مربوط به " امنیت شغلی برای همه " اعلام می کند: " اخراج از کار به دلایل سیاسی باید توجیهی ممنوع است."

### حق تساوی ایرانیان در ورود به مشاغل دولتی و خصوصی

این حق نیز که در " پیش نویس قانون اساسی " به چشم نمی خورد باید در قانون اساسی جدید گنجانیده شود. این حق به این مفهوم است که تبعیض بین مردم ایران اعم از زن و مرد، باهر مذهب و عقیده ای قائل نشده و برای تصدی مشاغل دولتی و غیر دولتی از کارمندی ساده تا عالی ترین مقامات دولتی شرطی جز " شایستگی و استعداد " در نظر نگیرد.

### حق برخورداری از خسارت ناشی از اشتباه قضائی

این حق نیز در " پیش نویس قانون اساسی " وجود ندارد. منظور از حق برخورداری از خسارت ناشی از اشتباه قضائی این است که در صورت وجود یک قوه قضائیه مستقل و مترقی اگر معلوم شود که اسناد قبلی برای محاکمه، بازائسه مدارک و شواهد بعدی بی اساس بوده است دولت مکلف است، بی از احراز اشتباه قضائی و تشخیص بی گناهی محکوم، خسارت معنوی و مادی ناشی از این اشتباه

### تساوی افراد برای انتخاب شدن و انتخاب کردن ارگانهای جامعه

" پیش نویس قانون اساسی " تساوی ایرانیان را در انتخاب کردن و انتخاب شدن سکوت بر گزار کرده است. اصل ۴۸ " پیش نویس " می گوید: " مجلس شورای ملی از نمایندگان ملت کد بطور مستقیم و برای محفقی انتخاب می شوند تشکیل می گردد. شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان را قانون معین خواهد کرد. اصولاً در تمام قوای اساسی مساوی بودن در انتخاب و انتخاب شونده در قانون اساسی مشخص می شود. اراسن گذشته در این قوانین برای انتخاب کننده و انتخاب شونده قیدی جز شرط سنی قائل نمی شوند و افراد صرف نظر از جنس، نژاد، زبان، مذهب عقده سیاسی متوانند انتخاب کنند و انتخاب شونده باشند.

قانون اساسی جدید ایران نیز باید ضمن تأکید بر تساوی افراد، وضع انتخاب کننده و انتخاب شونده را روشن کند.

### ضمانت اجرای حق مصونیت افراد در مقابل تعرض

اصل ۲۳ " پیش نویس " می گوید: " همه وحشیتهای وحان و مسکرو شغل اشخاص، محترم و از تعرض مصون است مگر به حکم قانون " این اصل حویسب ولی جز لازم و حتمی و تکمیلی آن را در نظر نگرفته اند. این اصل به این شکل یک توصیه است و فاقد ضمانت اجرایی، بدینال این اصل باید اضافه شود: دولت از این حق حمایت می کند

و تجاوز به آن بوسیله قانون مجازات می شود. اگر این تضمین داده نشود، هم آن می رود که تجاوزات و برجهای گروههای فشار و نیروهای انحصار طلب کنونی در مورد کارگران و سایر رزمندگان و احزاب و سازمانهای سیاسی و صنفی، کم کم بصورت یک نهاد اجتماعی در آید. نتیجه آنکه دیگر " عقیده و حیثیت و حان و مسکن و شغل " احدی " از تعرض مصون " نخواهد بود. حق مصونیت افراد در مقابل تعرض در اکثر قوانین اساسی کشورهای جهان تضمین شده و دولت مصونیت فرد را در مقابل تجاوزات و سوء استفاده از قدرت راه هر فردی که باشد، تضمین و حمایت می کند. بحث مادر این شماره و در شماره گذشته درباره حقوق مردم ایران بود و در شماره های آینده درباره " مالکیت " قوه مجریه و اختیارات آن سخن خواهیم گفت. صنایع از آنجا که در شماره های گذشته استناد ما به " متس پیشنهادهای قانون اساسی " بود که در اردیبهشت ماه در روزنامه کیهان منتشر شده بود، لذا ماسعی خواهیم کرد در صورتیکه تغییراتی در " پیش نویس قانون اساسی " بعمل آید، با آن برخورد کنیم.

شروع مجدد ... بقیه از صفحه ۱ که بمدت ۱۱ ساعت طول کشید بنا نیروهای دولتی که توسط مستشاران انگلیسی فرماندهی می شد درگیر شدند و در این نبرد نیروهای جبهه آزادیبخش ضربات سختی به پاسگاههای دولتی سلطان قاپوس در منطقه طغار وارد آوردند. در این نبرد نیروهای دولتی از هلی کوبتر و سلاحهای سنگین استفاده کردند. جبهه خلق برای آزادی عمان اعلام کرده است که این نبرد آغاز خوبی برای جنگ رهائی بخش جهت سرنگونی رژیم دست نشانده سلطان قاپوس می باشد.

بقیه از صفحه ۱

وجود داشت - و تبدیل بردگان به " بردگان مزدگیر " اقدام کرد. هنوز گروههایی از عشار که به دامداری و کشاورزی مشغولند در عمان وجود دارند. رژیم قاپوس و امپریالیستها با تبلیغات شدیدی علیه انقلابیون می کنند سعی دارند از این عشار برای مقابله با انقلابیون و دستگیری آنان استفاده کنند. با وجود این رژیم قاپوس خود نیز از این عشار بدنت و وحشت دارد از آغاز حکومت قاپوس تا به حال (که ۹ سال می شود) سرمایه داری و استه، بخصوص بخش مالی ( بصورت بانکها ) و بخش تجاری آن رشد زیادی کرده است. سرمایه داری وابسته برای رشد و توسعه خود و برداشتن موانع از سر راه خود به تدوین قوانین لازم اقدام کرده است. عمان از نظر داشتن منابع نفت و سایر منابع طبیعی، نیروی کار ارزان، بازار برای کالاها خارجی و بالاخره مشرف بودن به تنگه هرمز ( قسمت جنوبی تنگه ) که محل عبور کشتیهای نفتکش و تجاری است اهمیت زیادی برای امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی دارد. رشد جنبش رهائی بخش عمان و آزاد شدن بخش وسیعی از منطقه طغار رژیم وابسته قاپوس و امپریالیستها را سخت به هراس انداخت. از این رو امپریالیستها از طریق قاپوس و رژیمهای مرتجع عرب از جمله ملک حسین پادشاه اردن و نیز رژیم ضد خلقی شاه درصدد گسترش سرکوب انقلابیون برآمدند. بدین جنبش بود که ارتش شاه در ۱۳۵۲ تجاوز خود را به طغار آغاز کرد. شرکت

### انقلاب خلق عمان

بقیه از صفحه ۱

ارتش شاه در سرکوب انقلابیون عمان بحای دخالت مستقیم امپریالیسم اردو حجب به نفع امپریالیستها بود هم از جهت اقتصادی هزینه جنگ را امپریالیسم خود متحمل نمی شد و هم بدون درگیر کردن خود در منطقه خاور - میانه نقشه سرکوب خلق های منطقه و حفظ منافعش را عملی می کرد.

با این برنامه امپریالیسم امریکا فروش جنگ افزار را به ایران افزایش می داد و مباحث این جنگ تحمیلی را مردم ایران می پرداختند. از طرف دیگر امپریالیسم امریکا پس از شکست معتضخانه درونتنام خودش را در ناحیه دیگری درگیر نمی کرد. رژیم شاه نیز که در صورت روی کار آمدن یک حکومت خلقی در عمان منافع خود و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم را در خطر می دید، از این برنامه امپریالیسم برای سرکوب انقلابیون عمان بدنت استقبال کرد. در رابطه با این نقشه ها بود که ارتش شاه برای ایفای نقش زاندارم منطقه در سامیر ۱۹۷۳ ( دیماه ۱۳۵۲ ) تجاوز خود را به مناطق آزاد شده در اربال طغار آغاز کرد.

یازده هزار نیروی " شاهنشاهی " از هیچگونه جنایت در طغار فروگذارد نکردند. خانه های روستاییان هم را با کودکان و پیران و حتی حیوانات را به آتش کشیدند. طی این مدت جبهه خلقی برای آزادی عمان ضربات سختی به قوای شاه وارد آورد. بطوریکه افسران و سربازان ایرانی که اعتقادی هم به این جنگ نداشتند سخت روحیه خود

وجود داشت - و تبدیل بردگان به " بردگان مزدگیر " اقدام کرد. هنوز گروههایی از عشار که به دامداری و کشاورزی مشغولند در عمان وجود دارند. رژیم قاپوس و امپریالیستها با تبلیغات شدیدی علیه انقلابیون می کنند سعی دارند از این عشار برای مقابله با انقلابیون و دستگیری آنان استفاده کنند. با وجود این رژیم قاپوس خود نیز از این عشار بدنت و وحشت دارد از آغاز حکومت قاپوس تا به حال (که ۹ سال می شود) سرمایه داری و استه، بخصوص بخش مالی ( بصورت بانکها ) و بخش تجاری آن رشد زیادی کرده است. سرمایه داری وابسته برای رشد و توسعه خود و برداشتن موانع از سر راه خود به تدوین قوانین لازم اقدام کرده است. عمان از نظر داشتن منابع نفت و سایر منابع طبیعی، نیروی کار ارزان، بازار برای کالاها خارجی و بالاخره مشرف بودن به تنگه هرمز ( قسمت جنوبی تنگه ) که محل عبور کشتیهای نفتکش و تجاری است اهمیت زیادی برای امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی دارد. رشد جنبش رهائی بخش عمان و آزاد شدن بخش وسیعی از منطقه طغار رژیم وابسته قاپوس و امپریالیستها را سخت به هراس انداخت. از این رو امپریالیستها از طریق قاپوس و رژیمهای مرتجع عرب از جمله ملک حسین پادشاه اردن و نیز رژیم ضد خلقی شاه درصدد گسترش سرکوب انقلابیون برآمدند. بدین جنبش بود که ارتش شاه در ۱۳۵۲ تجاوز خود را به طغار آغاز کرد. شرکت

# همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند



### آزادیها و حقوق دمکراتیکی که در «پیش نویس قانون اساسی»

### به فراموشی سپرده شده است

در شماره های قبل در مورد "حقوق ملت ایران" در متن پیشنهادی قانون اساسی که مدتها پیش در کیهان منتشر شد به اختصار کمبود ها و نقائص این "متن" را در رابطه با حقوق مردم به ویژه کارگران و زحمتکشان مورد بررسی قرار دادیم. در این شماره به مواردی در زمینه آزادی و حقوق دمکراتیک مردم ایران می پردازیم که نه در متن پیشنهادی سابق و نه در "پیش نویس قانون اساسی" که از طرف دولت منتشر شده است به آنها توجهی نشده است.

### حق تساوی زن و مرد

کلیه قوانین مترقی جهان ضمن برسمیت شناختن حقوق مساوی و برابر انسانها صرف نظر از جنس، نژاد، مذهب و عقیده سیاسی، در عین حال راجع به موقعیت زنان در جامعه نیز تاکید خاصی دارند. بنابراین ضروری است که در قانون اساسی جدید کشورمان نیز یک چنین تائیدی بعمل آید.

با اینهمه مابه آزادی و برابری زن با معیارهای بورژوازی نمی نگریم. بورژوازی که ظاهر به زن آزادی می دهد، در واقع او را به اسارت می گیرد و از شکوفایی شخصیت واقعی او جلوگیری می کند. برداشت ما از آزادی زن با برداشت بورژوازی آن تفاوت اساسی دارد. ما معتقدیم که زن از طریق شرکت در مبارزات سیاسی و انقلابی زنجیرهای اسارت خود را سست می کند، توانائی انقلابی خود را شکوفایی سازد و سپس این توان انقلابی آزاد شده را در خدمت تولید اجتماعی بکار گرفته و آزادی کامل خود را عملی می سازد.

زن ایرانی مانند همه زنان مبارز جهان، با مشارکت خلاق و قهرمانانه خود در پیروان انقلاب یکبار دیگر ثابت کرد که انرژی انقلابی نیرومندی را در روح و جسم خود نهفته دارد. آنچه راکه از این نیروی عظیم و کار برد آن در قیام اخیر آموختیم اینست که این انرژی اگر در پیروان تولید اجتماعی جامعه و

در صورتی که در متن پیشنهادی قانون اساسی که مدتها پیش در کیهان منتشر شد به اختصار کمبود ها و نقائص این "متن" را در رابطه با حقوق مردم به ویژه کارگران و زحمتکشان مورد بررسی قرار دادیم. در این شماره به مواردی در زمینه آزادی و حقوق دمکراتیک مردم ایران می پردازیم که نه در متن پیشنهادی سابق و نه در "پیش نویس قانون اساسی" که از طرف دولت منتشر شده است به آنها توجهی نشده است.

همانطوریکه در شماره های قبلی نیز متذکر شده ایم در مقایسه تطبیقی خود از جهت صرف مقایسه به قانون اساسی کشور مسلمان الجزایر توجه کرده ایم قبلا هم گفته ایم و تکرار می کنیم که این مقایسه بمعنای آن نیست که ما قانون اساسی الجزایر را یک قانون اساسی ایده آل می دانیم. نکته دیگری که در اینجا قابل اشاره است ادعای کسانی است که مرتب می گویند: "برخلاف گذشته که قوانین ایران و از جمله قانون اساسی از کشورهای خارجی گرفته می شد، از حالا به بعد خارجیان قوانین ما از قوانین کشورهای خارجی اقتباس شود. اینها می گویند مانده از قوانین کشورهای سرمایه داری غربی استفاده می کنیم و نه از کشورهای سوسیالیستی. اما برخلاف ادعای آنها در عمل قوانین کشورهای سرمایه داری غربی را برای خود الگو قرار می دهند. مثلا همین پیش نویس قانون اساسی را در نظر بگیریم. یک مقدار رونویسی از روی قانون اساسی زمان مشروطیت است (که آن خود ترجمه ای بود از قانون اساسی ۱۸۹۳ بلژیک) و یک مقدار ترجمه از قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه که بطور مشخص کلیه اصول مندرج در نحوه انتخاب و اختیارات رئیس جمهور اقتباس از این قانون است. به اضافه مقداری افزوده های دیگر.

بحرکت در آوردن آن بکار گرفته شود، چه توان بزرگی به اقتصاد و بالندگی ستم نوین حیات اجتماعی ما ارائه خواهد داد. پیروان انقلاب این توان بالقوه را ثابت کرد.

بنابه آنچه گفته شد، قانون اساسی جدید ایران برای آنچه منعکس کننده این خصوصیت انقلاب ایران نیز باشد، باید آزادیهای کامل زن و همسانی و همسودن بودن آنها با مردان را در قلمرو تولید اجتماعی جامعه تضمین نماید. هر نوع محدودیت در حقوق سیاسی، اجتماعی، مدنی، اقتصادی، فرهنگی و قضائی زنان در جهت محدود کردن این توان تولیدی و در نتیجه کل اقتصاد جامعه ماست.

بنابراین در قانون اساسی جدید ایران علاوه بر اصول عام تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی تمام افراد اعم از زن و مرد، باید بطور اخص با آوردن اصولی نظیر اینکه "کلیه حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی زنان ایران، مساوی با مردان، بوسیله قانون اساسی تضمین می شود" بر روی حقوق مورد بحث مجددا و صریحا تاکید شود.

### حق خود مختاری خلق های ایران

هر دو "متن پیشنهادی قانون اساسی" و "پیش نویس قانون اساسی" در زمینه این اصلی ترین خواست خلقهای تحت ستم ملی و فرهنگی ایران ساکتند. همانطوریکه مادر شماره ۸ "کار" که تفصیل درباره حقوق خلقها بیان کردیم معتقدیم که تا مین این حقوق و داد این خود مختاری به خلقها در چهار چوب کشور ایران، ضمانت کننده وحدت ملی ماست. با رسمیت شناختن حق خود مختاری به خلقهای ایران است بقیه در صفحه ۱۱

## ۲۹ خرداد، روز خلع ید را گرامی داریم و از آن درس بگیریم

انگلستان با تمام قوای خویش پشت سر آنها ایستاده بود. "خلع ید" هنگامی صورت گرفت که دولت انگلستان توسط رزمناوهای خود در خلیج فارس، ایران را به سختی تهدید می کرد و وسیعاً در جهان تبلیغ می کرد که ایران جرئت ندارد از شرکت نفت انگلیس خلع ید کند.

به این ترتیب "خلع ید" در آن مقطع تاریخی یک اقدام شجاعانه بود که دکتر مصدق با اتکا به نیروی مردم ایران به انجامش نائل شد. ضمن آنکه یاد آور مبارزات شکوهمند مردم ماست، فرضی است که مردم ما با تجربه اندوزی از مبارزات گذشته خود یاد بگیرند.

چنین سه ساله ملی کردن صنعت نفت که مرحله ای از مبارزه صدامیرالیستی مردم ماست، نشان داد که تنها مبارزه سیاسی با امپریالیسم کافی نبوده و نباید به پیروزی موقت دل خوش داشت. همانطور که می دانیم حوادث بعد از "خلع ید" در افتادن مصدق را در برابر برسر پست وزارت جنگ، قیام سی ام تیر را بوجود آورد. پس از آن نوبت مقابله مصدق با ارتش بود که مرتب علیه او توطئه چینی می کردند. سپس مقابله او با مجلس بود که نمایندگانش علیه او شورش کرده بودند و دست آخر توطئه مشترک همه اینها همراه با سازمان حاسوسی سیا و امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی بود که

۲۹ خرداد سال ۱۳۳۰ برای مردم ایران بسیار افتخار آمیز است. در این روز مردم ایران اولین میوه مبارزات ضد امپریالیستی خود را می چیدند. در این روز دست توانای خلقی از غارتگری انگلیسی "خلع ید" کرد و تمام تاسیسات نفتی را از آنان پس گرفت و با بستن شیرهای نفت، چپاولگری انحصارات نفتی انگلیس را که بیش از ۶۰ سال جریان داشت متوقف کرد. کارگران انگلیسی شرکت نفت انگلیس همراه با کارشناسان و جاسوسان آنان از طریق آژادان از ایران اخراج شدند. روز افتخار آمیزی بود که مردم ایران هیچگاه خاطره آن را فراموش نخواهند کرد.

سیر وقایع تاریخی که به ۲۹ خرداد کشید چنین بود: در ۲۹ اسفند تحت فشار افکار عمومی مردم ایران عوامل دیگر قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران از تصویب مجلس شورا که اکثریت نمایندگان آن از عوامل امپریالیسم انگلیس و امریکا بودند، گذشت. در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ دکتر مصدق با اختیارات تام به نخست وزیری رسید و به شرطی نخست وزیری را قبول کرد که به او اختیارات تمام داده شود. زیرا او می دانست که در آن موقع نه مجلس در اختیار او بود نه ارتش و نه دستگاههای دولتی. اما در مقابل، نیروی لایسز آل خلق با مصدق بود. اولین برنامه مصدق اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بود و اولین قدم در این راه کوتاه کردن دست انحصارات نفتی بود که امپریالیسم

## تبریک سازمان، به خلق قهرمان نیکاراگوئه سرنگونی رژیم فاشیستی ساموزا در نیکاراگوئه هر لحظه نزدیکتر میشود

در چند ماه اخیر خلق دلبر و رزمنده نیکاراگوئه به رهبری جبهه ساندانیستهای سختی بر پیکر رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم ساموزا وارد آورده و به پیروزیهای درخشانی نائل آمده است. نبرد مسلحانه جبهه ساندانیست در کلیه شهرهای نیکاراگوئه با پشتیبانی بی نظیر مردم، بخصوص کارگران و زحمتکشان روبرو شده است. در حال حاضر کنترل بسیاری از شهرها در دست انقلابیون است و مناطقی آزاد شده تشکیل شده است. رژیم دیکتاتوری ساموزا برای مقابله با جنبش مسلحانه خلق حتی پایتخت کشور را بمباران کرد. سازمان چریکهای فدائی خلقی ایران پیروزی های خلق مبارز و انقلابی نیکاراگوئه به رهبری جبهه آزادیبخش ساندانیست را تبریک می گوید و پیروزی قطعی رژیم ساموزا و امپریالیسم امریکارا برای خلق آرزوی کند.

در زیر آخرین خبرهای جبهه نبرد برای آگاهی خوانندگان می آوریم. روز ۲۲ خرداد یک هواپیمای نیروی هوایی امریکا (F-۴) امریکایی، را از ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه خارج کرد و به منطقه کانال پاناما منتقل کرد. کاروانی که امریکائیان را به فرودگاه برد توسط سربازان نیروی دریائی امریکا محافظت گردید. در جلوی این کاروان هم چنین یک کامیون پر از افراد گارد ملی حرکت می کرد.

جنگ همچنان در ماناگوا بین چریکها و گارد ملی ادامه دارد و هر روز شدت بیشتری می گیرد. اکثر مناطق شهر بدون آب و برق می باشد. برخورد بین چریکهای ساندانیست و گارد ملی اکثر مناطق فقیرنشین خلقی شهری می باشد. بر طبق گزارشات رسیده از منابع صلیب سرخ تعداد زیادی اجساد شهدا در مناطق مختلف شهر به چشم می خورد. بنا به گفته این منابع وضع بقدری خطرناک است که امکان فرستادن آمبولانس برای جمع آوری اجساد و زخمیان وجود ندارد. از رقم دقیق کشته شدگان آمار داده نشده است. شهود عینی گزارش داده اند.

**بزرگداشت خاطره رفیق شهید حسن نیک داودی**  
انزلی - ۲۳ خرداد نهمین سالروز شهادت رفیق شهید حسن نیک داودی بود. او که از نخستین پیشگامان جنبش نوین انقلابی بود، با عزمی استوار در راه مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع گام نهاد و خونش را در راه آزادی کارگران و زحمتکشان و خلقهای ستمدیده میهنمان نثار کرد. رفیق در اردیبهشت ماه ۴۹ توسط دژخیمان ساواک دستگیر شد و در زیر شکنجه های وحشیانه رژیم به شهادت رسید. به مناسبت بزرگداشت خاطره شهادت رفیق مراسم باشکوهی در بندر انزلی زادگاه رفیق برگزار شد.

## سایه شوم سانسور در پست و تلگراف

در توضیح این نظرات هیچگاه بی غل و غش با مردم روبرو شده و به آنان توضیح لازم ر داده اند؟ کمی به گذشته بنگریم که رژیم سابق هم در توجیه نیت سوء و ضد خلقی خود همیشه از راههای قانونی و با استفاده از دستورات بظاهر موجه سعی در جلوگیری از رشد افکار عمومی و سرکوب توده هاد را شکل مختلف آن از جمله سرکوب فکری آنان داشت. آنها هم در آن رژیم هر چیزی را که در جهت منافع زحمتکشان و محرومین

دری دستورات استانی کل انقلاب اسلامی به وزیر پست و تلگراف دایر پست تفتیش کلیه نامه ها و محموله های پستی و معدوم کردن کلیه کتب و نوارها و اشیا "مضره و مفسده" این سؤال برای مردم مطرح است که واقعا تفتیش نامه ها اساسا یک عمل ضد دمکراتیک نیست؟ و اساسا مقصود از اصطلاحات "مضره" و "مفسده" چیست؟ چرا از توضیح این اصطلاحات طفره می روند؟ ظاهرا هدف این است که چنان لغات مبهمی بکار برند که بنا بر اوضاع و احوال، قابل هرگونه توضیح و تفسیری باشد. با بکار بردن لغات "مضره" و "مفسده" هر کسی می تواند با فریفتن اندکار عمومی، هرگونه آثار شفاف و کتبی مخالف منافع قشری انحصار طلبان را در نظر مردم بعنوان آثار ضاله معرفی کند. به این طریق با توجیه عمل سانسور و تفتیش عقاید تحت عنوان مبارزه با فساد و گمراهی، هرگونه تفکری را که در جهت حمایت از منافع کارگران و زحمتکشان و طبعاً در خلاف جهت منافع سرمایه داران باشد، بعنوان افکار و کتب و آثار مضره تلقی خواهد شد. آیا با راستی تاکنون از این دستورات منطبق با منافع و ابستان امپریالیسم سوء استفاده هائی نشده است؟ و آیا تصمیم گیرندگان سرنوشت مردم، در این شرایط خاص

پست و تلگراف  
دفستان کل انقلاب اسلامی ایران  
و امور جاری و فرکتها و موسسات

به وزارت پست و تلگراف، جناب آقای دکتر اسلامی  
دینوسله آقای مهدی نژاد اصهبانی از طرف دادستانی کل انقلاب اسلامی ایران معرفی میگردد.

ایمان مجازند تا در مورد کلیه محموله ها و نامه ها بسته های پستی بررسیهای لازم بعمل آورند. به جهت کلیه کتب و نوارها و اشیا مضره و مفسده اعلان کشف عمده، پس از گزارش بانجناب بانظر دادستانی کل معسر خواهد شد.

دادستان کل انقلاب اسلامی ایران  
رویش  
دفتوزارت دارائی و امور اقتصادی جناب آقای اردلان  
آقای مهدی نژاد اصهبانی جهت اجرا.

# مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و وابستگانش

# کار

## بانکها و سیاست اقتصادی دولت

چگونه خواهد بود. و این نکته بدون توجه به ساخت اقتصادی جامعه و خصلت سرمایه داری آن روشن نخواهد شد. چنانچه اقتصاد ایران نتواند از ورطه وابستگی برهد، ملی شدن بانکها دردی را دوانمی کند. بانک اعشاریات صنعتی هم به تعبیری "ملی" بود. بانک ملی هم "ملی" بود. اما در عمل تفاوتی با بانک توسعه صنعتی و معدنی و بانک تهران که هر دو خصوصی و وابسته بودند، نداشتند. عملکرد هر دو نوع بانک یکی بود و آن تامین اعتبار برای فعالیتهای اقتصادی وابسته در اقتصاد وابسته بود.

اگر قرار برای بانکداری باشد که اقتصاد ایران، بانکداری به فرسودگی و نفع به انحصارات جهانی دوباره در جهت حفظ سرمایه داری وابسته پیش رود، دیری نخواهد پایید که بانکها اگر دولتی هم باشد، باز نیز نقش گذشته خود را بر عهده گیرند. اگر قرار باشد، اکنون که بانکداری در دست دولت قرار دارند برای برآوردن صنایع وابسته، و بطور کلی، سرمایه داری وابسته، به کار برده شوند، دیگر صحبت از ملی بودن آنها بی معنی است. دولت موقت در مقابل توده های انقلابی ایران می طوف است که جهت گیری برنامه اقتصادی خود را دقیقاً اعلام کند. این مسئولیتی است تاریخی که از آن گزیری نیست، و پیش کشیدن "موقتی" بودن دولت چیزی جز سبانه ای برای بی عملی و حفظ وابستگی نیست.

دولت باید صریحاً اعلام کند که جهت گیری اقتصادی - اشی چیست. برای مقابله با صنایع وابسته، برای مبارزه با سرمایه داری وابسته چه راهی را در پیش دارد؟ آیا دولت بر آن است تا همان صنایع را که بوده اند سی کم و کاست دوباره به همراه اندازد و در این راه اگر این بانکها کارخانه توان به راه افتادن را ندارند، دولت اداره آنها را بر عهده گیرد؟ آیا این به معنای راهائی از سلطه امپریالیسم و از منجلا ب وابستگی خواهد بود؟ دولت ماهی است که بر سر کار است. نه خود سرگرم نوشتن قانون اساسی بوده و نه خود سرگرم دادگاههای انقلابی بوده است و حتی گله کرده است از اینکه در این امور دخالتی نداشته است، چه کاری میمنت از این بوده است که دولت طرح کلی جهت گیری اقتصادی ایران را اعلام کند.

دولت حتی هنوز صریحاً اعلام نکرده است، ملی کردن بانکداری چه چهارچوبی انجام می پذیرد. دولت حتی نگفته است چرا باید سرمایه بانکهای را که سالها مردم این کشور را چپاول کرده اند به سرمایه داران غارتگر برگرداند. دولت هنوز سیاست اعتباری بانکهای ملی شده و نحوه مدیریت آنها را اعلام نکرده است. دولت چه کسانی را برای اداره امور بانکهای ملی شده گسیل داشته است؟ آیا این افراد که نام آنها

در روزنامه ها منتشر شد، همان معاونان و حتی رؤسای بانکهای و شرکتی وابسته پیشین نیستند؟ ما معتقدیم دولت باید هر چه زودتر سیاست اقتصادی خود را درباره صنایع، کشاورزی و تجارت اعلام دارد. ما معتقدیم که دولت باید بی وقفه در جهت برانداختن سلطه های سلطه امپریالیسم گام بردارد. این درست همان چیزی است که پیرای انقلاب بر عهده دولت موقت است. ما معتقدیم که ملی شدن بانکها باید به معنای اتصال امپریالیسم و اقتصاد ایران را بست کرد، بانکها نیز که جز "اساسی این حلقه اتصال بودند، ورشکسته و درهم شکسته شدند. دولت، ناگزیر بر فشار توده ها و زیر فشار واقعیتهای اقتصادی بانکداری ملی کرد. امامی دانیم که نقش بانکها در رابطه با بطور کلی با اقتصاد جامعه دارند قابل بررسی است. در گذشته بانکها و سلطه های برای استثمار و انتقال ثروتی غارت شده مردم ایران، توسط سرمایه داران وابسته و امپریالیستها بودند. مسئله این است که پس از این نقش بانکهای ملی شده

انقلاب باید تاروپود اجتماعی منحصر از هم بگسلد، حاکمیت سیاسی جدید ایجاد کند و سلطه اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم را درهم بکوبد. انتظار توده های انقلابی از انقلاب و از دولت موقت همین است. موقتی بودن دولت درست به همین معناست. وظیفه ای دولتی که پس از انقلاب به قدرت می رسد انتقال دادن جامعه از وضع تحت سلطه امپریالیستی و فقر و نابرابری نکبت بار، احتیاج و سلب حقوق دمکراتیک به وضعی جدید است که در آن نه از سلطه امپریالیسم، نه از فقر و تبعیض و نه از احتیاجات و بندگی نشانه ای باشد.

لکن دولت بازرگان موقتی بودن دولت را به معنای بی عملی در محو سلطه امپریالیسم، حاکمیت اقتصادی گذشته و بندگی توده های ستم دیده ایران می داند. جامعه موجودی زنده دارد. حیات دارد، حرکت دارد، نمی توان حتی برای مدتی کوتاه آن را در سکون نگاه داشت. سکون نیروهای انقلابی به معنای حرکت سریعتر نیروی ضد انقلاب است. اگر انقلاب به سرهای بریده روابط اجتماعی منحل و سلطه آیزم فرود آورد، ضمن پیروزی آن ایجاد روابطی اصلی، انسانی و به دور از سلطه امپریالیسم است.

امادراین چند ماه گذشته می بینیم دولت بازرگان سخت می کوشد در تلاش نیمه جان روابط اقتصادی پیشین جانی تازه بدمد. رئیس بانک مرکزی حتی سرمایه داران وابسته فسراری راه بازگشت دعوت می کند. رئیس شرکت نفت از بی امنیتی اجتماعی می نالد. نه از آن جهت که مردم خواهان نظم و آرامش هستند. بلکه از آن رو که متخصصان خارجی در این وضع حاضر به بازگشت نیستند. وزیر کار می کوشد تا شوراهای کارگری را در کارخانه ها تضعیف کند و از هم بیاشاند و راه حل مسئله بیکاری را در برافتنان همان کارخانه های وابسته می داند. وزیر کشاورزی در مقابل فشار کشاورزان برای تصاحب زمینهای مالکان بزرگی که بر زمینهای حاصلخیز این سرزمین چنگ انداخته اند مقاومت و سرسختی می کند. سازمان برنامه هم یک کلام دم برمی آورد که برنامه اقتصادی انقلاب را چگونه می بندد.

در این قبیل وقایع که دستگاههای دولتی بسسه راه انداخته اند و مسائل پیش یا افتاده ای که هر روز علم می کنند، گفتار و وابستگی در حال جان گرفتن است. در حال راه اقتصاد است. و هر دم می کوشد راهی باز کند و گوشه ای از بیرون نیاز خود شکل دهد. اما، مردمی که چنین صریحی را در انقلاب بر خود حود بر آن و بر مباشر آن وارد کرده اند، اجساز به نخواهند داد، که این گفتار جانی تازه بگیرد. دولت سرانجام بانکداری ملی اعلام کرد. همانطور که پس از این هم گفتیم ملی کردن بانکها و صنایع خواست توده های انقلابی ایران است. اما دولت بازرگان آنگاه بانکداری ملی اعلام کرد که دیگر توده های خود با نیستند و به دامان دولت افتادند. اداره بانکهای ملی شده سگ محکم دیگری است که انقلابی بودن دولت را می آزماهد. در گذشته بانکداری در جهت صنایع و اقتصاد وابسته ایران بودند. آنگاه که اقتصاد وابسته ایران به بحران کشیده شد، و آنگاه که توده های ستم دیده ایران حلقه اتصال امپریالیسم و اقتصاد ایران را بست کرد، بانکها نیز که جز "اساسی این حلقه اتصال بودند، ورشکسته و درهم شکسته شدند.

دولت، ناگزیر بر فشار توده ها و زیر فشار واقعیتهای اقتصادی بانکداری ملی کرد. امامی دانیم که نقش بانکها در رابطه با بطور کلی با اقتصاد جامعه دارند قابل بررسی است. در گذشته بانکها و سلطه های برای استثمار و انتقال ثروتی غارت شده مردم ایران، توسط سرمایه داران وابسته و امپریالیستها بودند. مسئله این است که پس از این نقش بانکهای ملی شده

### روستایان به شهر:

## برای پس گرفتن زمینهای خود شخصاً اقدام میکنیم

شان هستند برداخته اند. البته این قبیل تحریکات مالکان در اغلب نقاط میهن چه کردستان، آذربایجان و کرمانشاه یا مازندران و خراسان و بولجستان و فارس و... ادامه دارد.

ولی برآستی چگونه است که با وجود نابودی رژیم سابق بعنوان حامی سرمایه داران و زمینداران، عا رتگاری زمینداران و سرمایه دار با کمک امپریالیسم آمریکا همچنان به ستم و استثمار کشاورزان و کشتکاران مستعبد و زحمتکش ادامه می دهد و مقامات مسئول در به شهر آنها را پیگیری نکردند، تا اینکه روز ۲۱ اردیبهشت با سرازیر شدن عده ای از عوامل زمینداران به روستا، کشاورزان مورد ضرب و جرح قرار گرفتند.

بعد از همه این تحریکات، مالکان مراجع قانونی شهرستان به شهر سردر جلسه ای با حضور فرماندار و نماینده دادستان و کمیته امام رضایت نامه ای از طرفین گرفتند. اما در تاریخ ۶ خرداد که دوتین از اهالی روستای فوق قصد مسافرت به تهران را داشتند در گسار از توسط عده ای از اراذل و اوباش مالکان به نام های نجفی و عین اله جعفری و چند تن دیگر مورد ضرب و جرح قرار گرفتند، که حال دو مسافر وخیم است و به بیمارستان منتقل شدند. از این رو با وجود رضایت نامه ای که به امضای دوطرف رسیده بود و مالکان آنرا زیر پا نهادند، کشاورزان تصمیم گرفتند زمینهایشان را به هر شکلی شده از مالکان متجاوز پس بگیرند. بدینجهت تساه روز به مقامات مسئول فرصت دادند تا چنانچه از طرف آنان اقدام عادلانه ای انجام نشود، کشاورزان با خانواده های خود بر سر زمین خواهند رفت و مقامات مسئولیت عواقب آن را خواهند داشت. زیر این نامه را پیش ازسی نفر از اهالی امضا کرده اند.

تجاوز مالکین هر روز شدت می یابد تا جائیکه در کردستان مالکان دست به تشکیل اتحادیه مفئودالی زده اند و با یکار گرفتن مزدوران مسلح و عوامل قباده موقت به سرکوبی و تجاوز به کشاورزان بی زمین گداری کسب حقوق از دست رفته

اخیرا عده ای از روستایان قریه زینوند از توابع شهرستان به شهر نامه ای به استاندار مازندران نوشته اند که در آن از غصب زمینهای مزروعی اهالی بوسیله چند زمیندار معروف این منطقه صحبت کرده اند.

کشاورزان محروم قریه زینوند پس از قیام، مدارکی علیه غصب زمینهایشان بوسیله زمینداران محلی را به کمیته امام و دولت ارائه داده اند ولی مقامات مسئول در به شهر آنها را پیگیری نکردند، تا اینکه روز ۲۱ اردیبهشت با سرازیر شدن عده ای از عوامل زمینداران به روستا، کشاورزان مورد ضرب و جرح قرار گرفتند.

تجاوز مالکین هر روز شدت می یابد تا جائیکه در کردستان مالکان دست به تشکیل اتحادیه مفئودالی زده اند و با یکار گرفتن مزدوران مسلح و عوامل قباده موقت به سرکوبی و تجاوز به کشاورزان بی زمین گداری کسب حقوق از دست رفته

## درافشای مرتجعین و توطئه گران

### گنبد بکوشیم

کشاورزی سابق منصور روحانی است و در این رابطه مقدار زیادی از جو و انبوع خوراکیهای دائمی را که به سهمیه منطبق ترکمن صحرا تعلق داشت با همکاری منصور روحانی به خود اختصاص می داد و در بازار آزاد به قیمت گزاف می فروخت. نامبرده در شهرهایی گنبد شکات نامه های زیادی دارد که از طرف مردم انجام شده است.

جعفر بای ( ساکن گنبد ) از وابستگان نزدیک دربار وارثی های مزدور از جمله اوبسی و هاشمی زاد می باشد که زمین این دو نفر را برایشان می کاشت و امورات آن را افتتاحا سرپرستی می کرد. وکیل مجلس و از دوستان نزدیک وزیر

نماینده گنبد در آخرین دوره مجلس آریامهری بود که استعفا نیز نداد و برای خوش خدمتی به دستگاه حقوق نمایندگی خود راه مجلس بخشید. با تمام خود در بارهای مهم رابطه نزدیک داشت و در اداره کردن امور منطقه ترکمن صحرا ماهره اصلی آریامهر بوده است. قسمتی از اراضیهای که از خلق ترکمن به بغما برده عبارتست از حداقل سه هزار هکتار زمین زراعی. کارخانه پنبه پاک کنی جعفریای در گنبد و مقدراتی مستغلات شهری در گنبد و یک ویلا در خزر شهر و بسیاری اراضیهای دیگر که مامنی دانیم.

مختاری باشند. اما آن خود مختاری که آنان می خواهند با حق تعیین سرنوشت که خواست زحمتکشان شهر و ده می باشد زمین تا آسمان فسوق دارد. مفئودالها و روحانی نمایان خواهند خود مختاری هستند تا بدست باز و خیال راحت شیره جان و حاصلز دسترنج زحمتکشان را بکنند. آنها خواهند اختیار کامل وجد از هرگونه کنترل و محدودیتهای قانونی هستند تا نظام طبقاتی و بهره کنی از زحمتکشان را تشدید و تحکیم کنند.

به این ترتیب کفرانس ۵۸/۳/۲۰ سندج نه مرکب از نمایندگان واقعی خلق کرد بوده و نه بازگو کننده اهداف و خواستهای حقیقی زحمتکشان می باشد تنها کسانی صلاحیت نمایندگی خلق کرد را دارند که وفاداری خود را به زحمتکشان عملاً به اثبات رسانده و مستقیماً از طرف خود مردم انتخاب شده باشند. خلق کرد قبلاً خواستهای برحق و عادلانه خود را در قلع نام ۸ ماده ای مهیا کرد. سندج انتشار داده و تاکنون در تظاهرات و میتینگ های مختلف بارها آنرا تائید کرده است. ما کفرانس ۵۸/۳/۲۰ را نوطه و خود فریبی بر علیه خلق ستم دیده مان دانسته و معتقدیم که گردانندگان این کفرانس همدنی جز به انحراف در کشاندن مبارزات حق طلبانه مردم در جهت رفع ستم ملی و طبقاتی ندارند. لذا آنرا محکوم کرده و از شرکت در آن خودداری خواهیم کرد.

سندج اهالی آواره شده روستای " پنجه اولیا " در نامه سرکشاده ای به وضع خود اشاره کرده و نوشته اند که بعلت غصب زمینهایشان توسط مفئودال مرتجع " پنجه اولیا " به نام سید حمیل حسینی در روستاها و شهرهای اطراف آواره شده اند. آنها ضمن مطرح کردن خواستهایشان در مورد گرفتن زمینهای روستا و مجازات سید حمیل و خلع سلاح وی و عواملش اعلام کرده اند که در صورت عدم رسیدگی به خواستهایشان دست به تحصن خواهند زد.

بشهر روستای قره تپه ده کیلومتری شمال غربی به شهر - کشاورزان این روستا معد از قیام زمینهای یکی از زمینداران بزرگ را بین خود تقسیم کردند و کشت و درو برداختند.

## کنفرانس ارتجاعی سندج باشکست مواجه شد

۲- و این که ماهیت خود مختاری که آنها می خواهند چگونه است؟

آنچه که مسلم است اینست که خلق ستم دیده و مبارز کرد اکنون به هیچکدام از عناصر فوق نمایندگی نداده و آنها را به رهبری نپذیرفته است. مفئودالهایی که بخون زحمتکشان تشنه اند و حیات آنها را در گرو میکنند شیره جان زحمتکشان است نمی توانند نماینده واقعی مردم باشند. اینها نادانان و احمقان و دعا گوینان رژیم مغرور شاه بودند و یکمک زاندری و او را که مردم را در سخت ترین فشارها و محرومیتها قرار داده بودند و امروز از هیچگونه تهدید و ستم نسبت به زحمتکشان ابائی ندارند.

به این ترتیب نه مفئودالهای مرتجع و نه روحانی نمایان فرصت طلبی هیچکدام نمی توانند نماینده خلق مبارز و به پا خاسته گرد باشند. زحمتکشان هیچگاه دشمنان خود را به نمایندگی خویش نپذیرفته و نخواهند پذیرفت. صفت " کرد فروش " که زحمتکشان به افراد و دسته فوق داده اند خود گویای تصور مردم درباره آنها می باشد. مسئله دیگر ماهیت خود مختاری مورد ادعای مفئودالها و روحانی نمایان است. در این مورد باید گفت که مفئودالها و روحانی نمایان هم می توانند خواهان خود -

قتل مردم مبارز پایه می کرد و در سرکوب مبارزین خلق کرد با ساواک و زاندری همکاری می کرد و رادیو تهران هم در بخش کردی اش در ۵۸/۳/۲۱ در خبری راجع به کنفرانس شخصی به اسم رحمت علی پور را نماینده سردشت معرفی می کند که علت وابستگی به رژیم سابق و ارتجاع شدیدا مورد اعتراض مردم واقع می شود. هر چند مفتی زاده از آن فرار و گروههای سیاسی و مذهبی برای شرکت در کنفرانس دعوت کرده بود اما به دلیل عدم مردمی بودن هدف و ماهیت کنفرانس شرکت در کنفرانس خودداری کرده در اعتراض و محکوم کردن این عمل اعلامیه های هم دادند. شیخ عزالدین حسینی نماینده مهاباد هم دعوت را رد کرده بود اما اینها قسمتهای از اعلامیه دفتر هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق را در سندج می آوریم:

در هفته گذشته روزهای بیستم تا بیست و دوم خرداد به دعوت مفتی زاده کنفرانس درباره مساله خود مختاری کردستان در سندج تشکیل شد. نمایندگان که از شهرهای مختلف کردستان به کنفرانس آمده بودند اکثر از زمینداران و روحانی نمایان و کسانسی بودند که در گذشته و حال همیشه در مقابل مردم بوده اند و نمی توانستند از جانب مردم نمایندگی داشته باشند. چری که هرگز برای آنها اهمیت نداشته مساله خود مختاری و حق تعیین سرنوشت خلق کرد بوده است ناحدی که حتی چند نفر از نمایندگان در تجلیل از مصطفی بارزانی مزدور امپریالیسم سخنرانی کردند. عنوان نمونه رئیس کنفرانس جناب آقای سید الشهدائی، دکتر کی که صاحب سماریتانی خصوصی در سندج است، دکتر کی که دهقانی را که قادر به برداخت هزینه سماریتانش نبودند زندانی می کرد و در آبانماه گذشته در اوج جستن مردم، همانند هزاران عامل رژیم مغرور و خاشی به خلق با پولهای مردم به آمریکا گریخت و حالا بعد از اینکه آب ها از آسیاب افتاده بازگشته و رئیس کنفرانس شده است. نماینده دیگر نماینده جوانرود حسین تک وکیل یکی از مرتجع ترین خانهای جوانرود و دیگر نماینده همدوش سالار جاف اقدام به

# سنتحکم باد وحدت کارگران، دهقانان و زحمتکشان

### گزارش کاملی از دستگیری...

ندم رسیدگی به حواسهای منحصرارزور سه ۵۸/۳/۲۶ - اعلام کرده اند. در این روز سر بدسور رتومی ازورود محبریس به محل محص خلوکبری شد. در ساعت ۲/۵ بعدازظهر قطعنامه محص خوانده شد. در این قطعنامه صحت نائید اعمال انقلابی دادگاههای انقلاب. محاکمه فوری و علنی دستگیر شدگان (حاجی - معمل - حاجی - نسیمی راده) و اعلام علل تاخیر در این محاکمه خوانسته شده بود. همچنین از دولت موقت خواسته شده بود که موضع خود را در مقابل انگیزه تعدیات اعلام دارد. پس اعلامیه همسران زندانیان خوانده شد که در آن خطاب شد کارکنان ماسر صنعت نفت گفته شده بود که به علت انتقال زندانیان به تهران و بحاطر ادامه مبارزه در راه محاکمه علنی و آزادی آنان محص بطور موقت تا آغاز آن در تهران سکنه می شود. محص ساعت ۳ بعدازظهر پایان یافت و ولی در صورت تاخیر در محاکمه و آزادی زندانیان در تعداد ک محص دیگری برای هفته آینده هسند.

ار آغاز اعلام محص در ۵۸/۳/۲۱ ارتجاع شروع شد عکس العمل تند نمود. مثلا اعتراض در صنعت نفت و شهیر انوز با نامه پراکتی های اعراغی امر درباره زندانیان سعی در برکردادن افکار عمومی نسبت به آنان (با در نظر گرفتن وجهه آنان در طول اعتصاب در صنعت نفت و شهیر انوز فوق العتاده افرا این نامه بود) پرداخت ولی شایعات بی تاخرسود. در ۵۸/۳/۲۲ ک اعلامیه جعلی شام " کارکنان انقلابی صنعت نفت " سرور آمد که کارکنان انقلابی را از محص بر حذر می داشت و آرا علی صداغلابی شمرده بود و تهدید کرده بود که " به هر وسیله این گوه نوظئه هارا احتیاجی و ازین خواهیم برد " این اعلامیه با وجود محص در سطح وسیع بی تاخیر بود. اعلامیه دیگری در تاریخ ۵۸/۳/۲۳ " حربه متحد مملسانان (صداغلابی خورستان " حاکی از تهیه هائی بصورت کلی گوی (صداغلابی صداغلام و...) بر علیه محصین بحث شد. اما در سطح وسیعی بحثسند چون به وسیله عوامل ارتجاع خارج از صنعت

نفت تهیه شده بود. در این اعلامیه از " ملت مسلمان " خوانسته شده بود که " لاس رزم بیونسند و " بر علیه صداغلابسون " که " نقش ماموران امریکا " و " مستشاران " را بازی می کنند و " می خواهند نفت را بروی مردم ببندند " به جنگند. تاخیر این اعلامیه تقریبا صفر بود. چون جعلی وی پایه بودن اینگونه اعلامیه ها قبلا ثابت شده بود.

قطنامه کارگران متحصن صنعت نفت - ماکارکنان صنعت نفت دسته های امیرالیم و ارتجاع را که مدتیست بشکار انقلابسور راستین و مبارز دوران اختساق و استبداد پرداخته و انبهارادون هیچ دلیل ومدرکی به بنسند می کشاند محکوم نموده و بحاطر اعتراض به دستگیری سه تن از مبارزترین همکارانمان که از گردانندگان موثر اعتصابات ضد دیکتاتوری رژیم سابق بوده اند دست به تحصن می زسم. بار داشت این همکاران تاکنون هیچیک از مراحل قانونی را طی نکرده و اعتصاب غذای ده روزه باعث ناراحتی جسمی آنها گردیده و بازتاب این امر در بین کارکنان صنعت نفت ایجاد نگرانی عمیق کرده است.

با اعتقاد به حقانیت خوانسته های ذیل از دولت موقت انتظار داریم که سریعای این مساله رسیدگی نماید. لازم به یاد آوری است که اقدامات انقلابی دولت موقت و دادگاههای انقلاب اسلامی همواره مورد تأیید مامی باشد.

۱- محاکمه علنی و فوری آقایان شیرمعیل، محمدجواد حاجمی و ناصر حیاتی در حضور نمایندگان مطبوعات و جرابند و کانون وکلا در اهواز.

۲- چون همکاران دستگیر شده در وضعیت بدی ارنظر جسمی به سر می برند خواهان توضع علت تاخیر در محاکمه نامبردگان می باشیم.

۳- مصلحان دولت موقت می خواهیم موضع خود را در مقابل اینکه تجاوز و تعدی به حقوق افراد متحصن کند.

چون همکاران دستگیر شده از مبارزترین نمایندگان اعتصاب صنعت نفت بودند، در صورت عدم رسیدگی به وضعیت آنها فعالیت خود را در جهت آزادشان ادامه خواهیم داد.

از تمام نیروهای انقلابی و مترقی انتظار داریم در این راه ما را یاری دهند.

### چه کسانی خواستار بازگشت سرمایه داران

### جنایتکار و سرسپرده امپریالیسم هستند ؟

بذنبال فرار (ایروانی) غارتگر صاحب نام و سهامدار عمده گروه صنعتی ملی و دیگر مبره های سرسپرده اش (مثل عطری و غیره) از طرف دولت پنج نفر مدیر بری کارخانه انتخاب می شوند که با همکاری شورای کارکنان گروه را اداره کنند در این مدت عوامل کارفرما که منافع خود و اربابانشان را در خط سبر دیده اند دست به تلاش مذبحوانه ای زدند تا شاید مدیران سابق و ایروانی را برگردانند.

هفته پیش در یکی از کارخانه های گفتش ملی (چرم رختان) چند نفر از عوامل کارفرمای سابق شروع به جمع آوری امضا برای طوماری می کنند که در آن نوشته شده بود که کارگران از کار مدیران قبلی راضی بوده و خواهان بازگشت آنها به سرکار خود هستند. این عوامل موقت می شوند از عده های از کارگران بیسواد به عنوان اصفه حقوق و... امضا بگیرند که این درخواست به محص اطلاع کارگران آگاه و مبارز توسط توطئه گران پاره شده و اربابین می رود و توطئه به این ترتیب آشکار می شود.

از سوی دیگر یکی از مدیران گروه به اسم آقای مهدوی که نمائنده هیئت مدیره گروه صنعتی در کارخانه های گفتش سازی به عنوان این هیئت مدیره به وزارت کار رفته و در آنجا اعلام می دارد که ما به مدیریت مدیران دولتی احتیاجی نداریم. بذنبال این جریان پنج نفر مدیر دولتی با هم از کارخانه خارج شده و حساب شرکت را مودومی کنند.

روز پنجشنبه ۵۸/۳/۲۴ در حالیکه کارخانه تعطیل بوده عده ای مسلح به کارخانه حمله می کنند که مقاومت مغالبل کارگران محافظه اوح می شود. در این حمله یکی از کارگران زخمی می شود و ۱۵ نفر از مباحص دستگیری می شوند. در تحقیقات بعدی معلوم شد که این افراد از طرف عوامل کارفرما حاضر شده بودند.

روز شنبه ۵۸/۳/۲۶ در کارخانه گفتش ملی (سخت سراساب مهتراساد) اعتصاب رخ می دهد. خواست اعضا سوسون خلوکبری از ورود مدیران قبلی و افعال مدیران دولتی بوده و عملا از ورود کلیه مدیران عامل و رؤسای هیئت مدیره کلیه شرکت های گروه به کارخانه خلوکبری می نمایند و اعلام می کنند که اگر افعال مدیران دولتی امکان نداشته باشند کارخانه باید توسط نیروا اداره شود (شورای کارکنان متشکل از نمایندگان کارگران و کارمندان تشکیل شده است). این جریان تا روز دوشنبه ادامه یافته و در روز دوشنبه ۵۸/۳/۲۸ یکی از مدیران قبلی شرکت (مهدوی) بایک نفر نماینده از وزارت کار به شرکت مراجعه کرده و با نمایندگان کارکنان گروه مذاکره می نماید در این جلسه موافقت می شود که بشرطی حاضرند به مدیران سابق اجازه ورود به

سالموس بازی رئیس پاسگاه به خشم آمده بودند با اسلحه به مقابل با متجاوزان می پردازند. بعد از چند ساعت و زود خورد جان و مزدورانش فراری می کنند. زحمتکشان با تصرف ۴ دستگاه تراکتور و دست آوردن یک قمقه اسلحه و گروگان گرفتن عده ای از مزدوران بیروزمندانسه وارد زمینهای می شوند.

هوشنگ خان بگانه ریسندار دیگر همچنانکه محصل استعارگران است را کارانه چهره عوض می کند و چسبنه وانمود می کند که به هواداری از روستائیان برخاسته است و به همراه یک درجه دار ژاندارم و یک سرباز و سرباز پاسداران انقلاب کمیته بچار وارد میدان می شود. تا بیکه بنیواند از آب گل آلود ماهی بگیرد. ولی زحمتکشان به خشم آمده است اورانیز بازی می کنند و بعد از مدتی جروبحت گروگانها آزادی می شوند. هوشنگ خان اردلان و سرسپردگان مزدورش نیز به کمیته بچار اعزام می گردند.

### زحمتکشان جعفرآباد توطئه خان هارا نقش بر آب کردند

روستائیان جعفرآباد، از روستا های منطقه حاصلخیز گروس (تکاب - کردستان) از سالهایست تحت تسلط فئودالی زین و شهری به اسمی " فروزیده خام و " هوشنگ خان بگانه " از نژودالتهای بزرگ منطقه بوده اند. این زن و شوهر حتی بعد از اصلاحات ارضی کدانی هم با استفاده از نفوذشان در رژیم سابق به غارتگری و چپاول خود ادامه می دادند و اعتراضات دهقانان را شنیدند و سرکوب می کردند. بیکسال قبل این زن و شوهر ارم حدامی شوند و هر کدام به سحوی می خواهند به تنهایی زمینها را تصرف در آورند. در این میان زن فئودال با نفوذ دل دیگری به اسم هوشنگ خان اردلان وارد معامله شده بود و با همدگر نقشه تصرف زمینها را می کشد. در ادامه همین نقشه روز شنبه ۵۸/۳/۲۲ اردببشت هوشنگ خان اردلان

### کشتکشان جعفرآباد توطئه خان هارا نقش بر آب کردند

همراه ۵۰ نفر مزدور مسلح و ۳۰ دستگاه تراکتور وارد زمین های شوند و به خشم زدن می پردازند. زحمتکشان جعفرآباد بوسله دستیان از قصبه با خبر می شوند و به فرار زین سعیدان راننده هوشنگ خان اردلان می فرستند. زین سعیدان با احتضار به وی خواستار قطع کار و بیرون رفتن مزدوران از اراضی جعفرآباد می شود. خان برخاشگران انبهارا تهدید می کند و می تهدید می کند که اگر روستائیان صدایشان در ساید زمینها ی دیگر را هم تصرف خواهد کرد. ریش سعیدان زحمتکشان جعفرآباد را از گنجایی خان با خبر می کند. روستائیان پاسگاه ژاندارم ری را در جریان می گذارند ولی رئیس پاسگاه از دخالت خود داری می کند و فقط قول می دهد که گروهان ژاندارم ری بچار را در جریان امور بگذارد. روستائیان که از رفتن و

### اتحاد روستائیان کنگور

روستای کنگور تقریبا در ۹۰ کیلومتری کلاله قرار دارد. جمعیت آن ۷۱۱ نفر است که شامل ۱۱۲ خانوار است و اکثریت آنها ترکمن می باشند. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران اهالی روستای کنگور تصمیم گرفتند همگی با هم متحد شوند و زمینهای عصب شده شان را پس بگیرند. تمام زحمتکشان روستائیان ترکمن، فارس، بلوچ و زابلی در این اتحاد شرکت کردند. آنها زمینهای راکسه تیمسار مین باستان، حاجی بگازاده و چند غاصب دیگر بزور غصب کرده بودند باز پس گرفتند و وسعت این اراضی حدود ۵۵۰ هکتار بود.

بخش های مختلف ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا کلیه امکانات و

کشتکشان جعفرآباد، از روستا های منطقه حاصلخیز گروس (تکاب - کردستان) از سالهایست تحت تسلط فئودالی زین و شهری به اسمی " فروزیده خام و " هوشنگ خان بگانه " از نژودالتهای بزرگ منطقه بوده اند. این زن و شوهر حتی بعد از اصلاحات ارضی کدانی هم با استفاده از نفوذشان در رژیم سابق به غارتگری و چپاول خود ادامه می دادند و اعتراضات دهقانان را شنیدند و سرکوب می کردند. بیکسال قبل این زن و شوهر ارم حدامی شوند و هر کدام به سحوی می خواهند به تنهایی زمینها را تصرف در آورند. در این میان زن فئودال با نفوذ دل دیگری به اسم هوشنگ خان اردلان وارد معامله شده بود و با همدگر نقشه تصرف زمینها را می کشد. در ادامه همین نقشه روز شنبه ۵۸/۳/۲۲ اردببشت هوشنگ خان اردلان

### اتحاد روستائیان کنگور

روستای کنگور تقریبا در ۹۰ کیلومتری کلاله قرار دارد. جمعیت آن ۷۱۱ نفر است که شامل ۱۱۲ خانوار است و اکثریت آنها ترکمن می باشند. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران اهالی روستای کنگور تصمیم گرفتند همگی با هم متحد شوند و زمینهای عصب شده شان را پس بگیرند. تمام زحمتکشان روستائیان ترکمن، فارس، بلوچ و زابلی در این اتحاد شرکت کردند. آنها زمینهای راکسه تیمسار مین باستان، حاجی بگازاده و چند غاصب دیگر بزور غصب کرده بودند باز پس گرفتند و وسعت این اراضی حدود ۵۵۰ هکتار بود.

بخش های مختلف ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا کلیه امکانات و

گنبد - دنبال دعوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا از شوراهای تابعه، اولین جلسه گرد همانی نمایندگان شورا تشکیل شد. در این جلسه حدود ۴۰ نفر نماینده تقریبا از ۹ روستا شرکت داشتند. کلیه سخنرانی ها به دوزبان فارسی و ترکیمنی اجرا شد تا برای همه برادران روستائی قابل استفاده باشد. در اولین قسمت سخنران درباره علت تشکیل این جلسه و ضرورت تماس بیشتر با شوراهای صحبت کرد. بعد آقای ارزانش روحانی مبارز گنبد دربار ه لزوم بیکارچگی و اتحاد کارگران و دهقانان سخن گفت. سخنران بعدی مطالبی درباره شوراها بیان نمود و اظهار داشت، تشکیل و تحکیم شوراهای سبب می شود که مردم خود بکاروندگی خودشان بپردازند.

### قیام آباد - روز شنبه ۵۸/۳/۱۲

اصغر علیزاده نمائنده فعال شورای دهقانی قیام آباد، توسط دادگستری آمل به ریدان افتاد. اتهام این نمائنده ظاهرا کوشش و شرکت در غصب زمین و صرف عدوانی می باشد. صنایع محکم حلت و دستگیری چهار تن دیگر از معاندگان شورای دهقانی این روستا نیز صادر شده است. اقدام دادگستری دادگاه انقلاب اسلامی، بیانگر این واقعیت است که اقدامات رسمی جهت دفاع از مالکین کلانی و دزد و سرگردانیدن مجدد زمین های آنان شروع شده است.

این مسئله، از آنجائیکه در چند روستای دیگر، زمین های عصبی بوسله روستائیان تصاحب شده است احتمال دیگری هائی را موجب می شود.

### کازرون

خواستهای روستائیان بخش حب و کمارج مازحمتکشان قریه حاجی از وسایع بنسخت و کمارج کازرون که در زمان خاندان مغفور پهلوی حتی اروسایل اولیه با احتیاج زندگی برخوردار نبودیم که همین علت ارتکازوری دست کشیده و برای کار به طرف سازمان ترقی اتمی شوهر شتافتیم و در جریان انقلاب شرکت تعطیل شد. پس از آن سکار شده ام. حال برای باقی ماندن در زادگاهمان و ادامه کار کشاورزی از دولت موقت خواهان خواسته هایی به شرح ذیل می باشیم

- ۱- ایجاد مجتمع آموزشی
- ۲- ایجاد لوله کشی آب و برق
- ۳- ایجاد مرکز بهداشتی
- ۴- ایجاد راه شوسه
- ۵- سندی آب رودخانه نزدیکی محل بر روی زمینهای زراعتی.

### کشاورزان گلیپکان

تا آخرین قطره خون برای گرفتن حقوق حقه خود ایستادگی خواهیم کرد.

روستای رباط حسینیه در حومه گلیپکان ۱۵۰ خانوار (در حدود ۱۵۰۰ نفر) جمعیت دارد. در شمال روستا ۱۷۰ هکتار مرتع قرار دارد که در گذشته مورد استفاده همه اهالی بود. در سال ۵۳ د و نفر زمینخوار به اسمی مکی سزاد و شعبی با استفاده از قدرت نفوذشان و باتیانی با ژاندارم ری و دادگستری زمینها را تصاحب می کنند و در پاسخ اعتراض روستائیان برای چند نفر اهالی روستا برونده سازی کرده و آنها را زندانی می کند.

در زرسن گذشته در زمان اوج جنبش، روستائیان زمینهای خود را تصاحب نموده و مشترکا روی آن کنار می کشند. چندی پس از قیام درباره اشخاص نامبرده با عناوین مختلف در کار روستائیان اختلال می نمایند. با حمایت ژاندارم ری و با استفاده از وکیلی به اسم لقمانی (رئیس سابق دادگستری گلیپکان که حکم زندان و جریمه روستائیان را صادر کرده بود) به اصلاح حکم تخلیه زمینها می گیرند بعد از آن روستائیان با نوشتن عریضه و نامه به مقامات دولتی و فرستادن نماینده





### گزارش کاملی از دستگیری

# کارگران و کارمندان مبارز صنعت نفت اهواز و پی آمدهای آن

## الف - گزارش بازداشتها

۱- روز شنبه ۵۸/۳/۵ در ساعت ۲/۳۰ بعد از ظهر دو نفر از ماموران "کمیته اهواز" شرمعیل مهدیس نفت، کارمند اداره مهندسی نفت و عضو شورای انقلاب صنعت نفت اهواز را در حاشای درکوی کوروش اهواز بازداشت می کنند. ظاهرا از او خواهش می شود که برای پاسخ گفتن به چند سؤال از سوی آباء اله موسوی احضار شده است - چون دستگیر کنندگان اجازه بازداشت از سوی دادستان را نداشتند پس از انتقال به اتومبیل کمته، چشمپاودستهای او را می بندند و او را به نقطه نامعلومی می برند. بلافاصله تلافی دوشان و همکاران و همسر آبتنی او برای یافتن آغاز می شود ولی کمته و دادستانی و استناداری خود را بی اطلاع سان می دهند. بالاخره در ساعت ۲ بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۸/۳/۶ همسرتی موفقی به دیدار کوتاهی با او می شود و آگاه می گردد که در ۲۴ ساعت گذشته چشمپاودست و پای او بسته شده و نمی داند که در کجا زندانی بوده چون مدام او را از اسب سو به آن سو نقل مکان (با چشم بسته) می کرده اند. پس از آن دیگر هیچ وجه اجازه ملاقات با او داده نشد و حتی لباسی را که همسرش برای او "کمته" می برده است و تحویل نمی دادند. در تاریخ ۵۸/۳/۱۴ اطلاع یافتیم که او را به زندان منتقل کرده اند. (بازآوری می شود که اکثر همکاران و آباء اله سنگان حلی عرب را پس از خونریزی های خرمسهر و آبادان با هلی کوبیر نظامی به درفول منتقل کردند و در راه درفول بعنوان سگچه روانی ماموران کمته تعابش می دادند که می خواهد از اهواز هوا به زمس سیدازند. دستگیر شدگان عرب را در درفول در زندان کمته در سلولهای عمومی و با انفرادی نگهداری می کردند. تعداد اوله آنان بین ۱۱۰-۱۲۰ نفر بوده است.)

در دو ملاقات که همسر او بین ۳/۱۴-۳/۲۲ (زمان انتقالش به همراه حیاتی و خاتمی به تهران) با او داشته است و هر یک بیش از ۵ دقیقه در حضور پاسداران طول کشیده، متوجه شد که او را در سلول انفرادی بسیار کوچکی (۲x۱/۵ متر) محبوس کرده اند که در تمام طول روز آفتاب گرم خوزستان در آن می تابد و از همه وسائل محروم است و فقط برای آب و غذای سرد و ماموران پاسداران به همسر او اجازه تحویل هیچگونه وسیله لازم راه وی نمی دهند.

شرمعیل مهدیس اداره مهندسی نفت و عضو کمیته چهارده نفری محفی سازماندهان اعتصاب و عضو شورای مرکزی انقلابی صنعت نفت اهواز پس از اعتصاب - بوده و در دوره دانشجویی خود در دانشکده نفت آبادان یکسال زندانی سیاسی رژیم پهلوی بوده و دوره افسری و طبع خود را بصورت سرباز صفر سبیدی در کرمان گذرانده است. آنها می که دادستان جدید انقلاب اهواز (ابوالقاسم ستاریان) بر علیه او (ولی فقط بطور شفاهی) اعلام کرده است. "تحریک اعراب" و "خزیه طلبی" بوده است. ولی در تحقیق اس دستگیری در ارتباط با حرکتی بود که عوامل ارتجاع به عنوان جزئی از دسیسه های خود برای دامن زدن به اختلافات ارتجاع روز قبل از خونریزی های خرمسهر و آبادان آغاز کرده بودند. ناروز انتقال به تهران هیچگونه بازجویی از او بعمل نیامد. او که عضو فعال کانون فرهنگی حلی عرب بود به همین دلیل پس از دستگیری او در تحمسن و احتیاجات اس کانون به هواداری او سخنرانی و اعلامیه بخش ندون غارهای سرداده شد.

۲- روز پنجشنبه ۵۸/۳/۱۰ کریم شعبی زاده، کارگر تعمیرات منطقه مارون در کویال و عضو شورای کارگاهی کارخانه تولید نفت کویال و نماینده کارگران مارون در اعتصاب صنعت نفت پس از خروج از کانون فرهنگی حلی عرب (که همان روز توسط پاسداران اشغال و محله نموده ستاد پاسداران مدخل گشت) توسط عناصر ارتجاع و ماموران کمته تعقیب می شود و در منطقه کبیلو او را محاصره می کنند و با فحاشی و تهنیت زدن به وضع نوین آمیزی او را دستگیر و به کمته اهواز می برند. در آنجا او را کتک مصلتی می رسد و پس از چند ساعت او را به زندان شهربانی اهواز تحویل می دهند. وی ار همان ساعت به عنوان اعتراض دست به اعتصاب غذایی زد، ولی چون سه کسی اجازه ملاقات با او را نمی دادند و در نتیجه کسی از اعتصاب غذای او (جز عوامل رژیم ساسی که هم بند او بوده اند) خبری نداشته است. پس از پنج روز اعتصاب غذای خود را می شکند. تاکنون (۳/۲۴) در زندان شهربانی اهواز در بازداشت است و هیچگونه بازجویی از او بعمل نیامده و فقط شاعی در مورد "خزیه طلبی" او توسط عوامل ارتجاع در همان کارکنان صنعت نفت پراکنده شده است.

۳- سحرگاه جمعه ۵۸/۳/۱۱ در ساعت ۱ بعد از نیمه شب ناصر حیاتی مهندس بهره برداری نفت و سرپرست به کارخانه بزرگ تولید نفت در منطقه مارون در خانه خود درکوی کوروش اهواز به وسیله ساسی از ماموران مسلح کمته که با تهدید همسر ایشان وارد خانه شده بودند با ارائه اجازه بازداشت از سوی دادستان جدید دستگیر می شود.

ناصر حیاتی یکی از سازماندهان اصلی اعتصاب صنعت نفت، نماینده مارون در شورای هماهنگی اعتصاب، عضو کمیته محفی چهارده نفری سازماندهان اعتصاب، سرپرست کمیته عملیات بهره برداری برای تولید نفت خام مصرفی داخلی قبل از تمام، و نماینده مارون در شورای مرکزی انقلاب صنعت نفت اهواز پس از تمام شده و در دوره دانشجویی خود در امریکادر سالهای ۵۵-۱۳۵ عضو فعال کنگر ساسون و ممنوع الورد به ایران بوده و به هنگام ورود به ایران با وجودیکه قبلا به استخدام صنعت نفت درآمدن بود در مرز دستگیر شده بود (سال ۵۵).

۴- در ساعت دو بعد از نیمه شب جمعه ۵۸/۳/۱۱ ماموران کمته مسلحانه و با قرار بازداشت به خانه محمد جواد خاتمی (مهندس نفت در بهره برداری مارون) درکوی کوروش اهواز می روند و چون در خانه نبود، ساعت ۱۲ دوباره مراجعه کرده و او را دستگیر (مثل ناصر حیاتی) به زندان شهربانی اهواز منتقل می کنند. حاتمی در طول دوره دانشجویی خود در دانشکده نفت آبادان دیوار و جمعاً بعدت یکسال و چند ماه زندانی سیاسی رژیم پهلوی بوده و دوره افسری خود را بصورت

سرباز صفر سبیدی در کرمان گذرانده است. در اعتصاب صنعت نفت از سازماندهان و پایه گذاران اصلی اعتصاب، عضو کمیته محفی چهارده نفری گردانندگان اعتصاب، نماینده بهره برداری مارون در شورای هماهنگی اعتصاب و عضو اصلی کمیته عملیات بهره برداری برای تولید نفت خام مصرفی داخل (قبل از تمام) بوده است.

خاتمی و حیاتی از صبح روز یکشنبه ۵۸/۳/۱۳ دست به اعتصاب غذای ترمی زنده و بانوشن نامه ای به دادستان اهواز حواستار محاکمه علنی خود با حضور نمایندگان کانون و کلاس و مطبوعات می شوند. و متین دفتری را بعنوان وکیل خود انتخاب می کنند و فیدمی کنند که خواستار آزادی خود بدون محاکمه نیستند. امروز پنجشنبه ۵۸/۳/۱۷ به بهانه اینکه ممکن است در زندان شهربانی زندانیان را تحریک کنند آنها را به بازداشتگاه ستاد عملیات امام اهواز (واقع در باشگاه پرورشی در کبیلو) منتقل می کنند. روز پنجشنبه ۳/۱۷ حال خاتمی وخیم می شود که به بیمارستان منتقل می شود ولی پس از چند ساعت دوباره او را به بازداشتگاه برمی گردانند.

اعتصاب غذای آنها ناروز دوشنبه ۵۸/۳/۲۱ (یعنی هنگامیکه حسن نزه تلگرافی از آنان خواست که اعتصاب غذای خود را بشکنند و او در سال کار آنها را خواهد گرفت) ادامه یافت. در نامه ای که خاتمی و حیاتی در ۵۸/۳/۲۱ از زندان به نخست وزیر نوشته اند و مخفیانه از زندان خارج شد، ایشان پس از شرح جریانات و اشاره به سوابق و اعتصاب غذای خود خواستار محاکمه علنی خود (به همان صورت پیش گفته) شدند. تاکنون فقط یکبار در ۳/۱۹ بازجویی ای مقدماتی پس داده اند و چون بازجویی علیه آنان در پیرونده پیدانی کننده آنان می گوید که تا یکی دو روز آزاد خواهند شد ولی در تاریخ ۵۸/۳/۲۱ تلگرافی از هادوی (دادستان کل) می رسد که خواسته بود آن درباره اتفاق شرمعیل به تهران اعزام دارند و بالاخره در ساعت ۹ بعد از ظهر روز ۵۸/۳/۲۲ به تهران منتقل شدند، و اکنون هر سه در زندان قصر بازداشت می باشند.

۵- در ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۵۸/۳/۱۱ به نفر مسلح به درخانه حسن آقائی سرپرست موقت اداره اقتصاد صنعتی صنعت نفت جنوب واقع در انبار به مراجعه می نمایند و چون در خانه نبوده خانه را در محاصره می کنند و پس از ساعتی مشکوک شده و به همراه ۲ نفر مامور کمکی مسلح به زور وارد خانه می شوند و پس از جستجو تا مبدی شونولی با تهدید به همسر او خانه را همچنان در محاصره نگه میدارند. ماموران تا غروب آن روز خانه را در محاصره نگه میدارند و پس از تهدید اطراف خانه را ترک کرده و ماموران محفی غیر مسلح خود را در اطراف خانه نگه میدارند.

آقائی پس از اطلاع از هجوم مامورین به منزلش برای اینکه غلب پیگرد را جویا شود با دادستان تعابش برقراری کند و پس از اعتراض به حمله به خانه خود، خود را آماده بازجویی و دستگیر شدن اعلام می کند. دادستان که به وضوح از حرکات و اوج اعتراض در صنعت نفت جاخورده بود حمله به خانه را انکار می کند و می گوید که سو، نگاهم شده است. ولی از آن پس خانه و دفتر کار و محل های رفت و آمد آقائی، تحت نظر است و شکار تهدید تلقنی می شود. آقائی ارباب گذاران و سازماندهان اصلی اعتصاب صنعت نفت، عضو کمیته محفی ۱۴ نفره سازماندهان اعتصاب، نماینده اداره برنامه ریزی اقتصادی در شورای هماهنگی اعتصاب و سخنگوی اعتصاب در تمام طول آن و پس از تمام نماینده اداره خود در شورای مرکزی صنعت نفت و سرپرست کمیته های رفاهی کارکنان و تعاونی و مسکن کارگران صنعت نفت جنوب بوده است.

## ب- فعالیت های خانوادگی

### کارکنان صنعت نفت و نیروهای انقلابی

### برای محاکمه علنی و آزادی زندانیان

۱- پس از دستگیری شرمعیل کارکنان صنعت نفت اهواز بانوشن نامه ای به نزه (بارونوش به بازگان، دفتر امام، طالقانی، جمعیت حقوقدانان، کانون وکلا) فعالیت خود را برای محاکمه و آزادی او شروع کردند. اس نامه در روز چهارشنبه ۵۸/۳/۹ تا ۵۳ تا ۵۳ اعضا از کارکنان صنعت نفت اهواز بصورت تلگرافی مخابره شد. همسر همکاران او (زیر پوشش شورای مرکزی صنعت نفت) برای آگاهی از چگونگی فضا یا بطور مرتب به کمته دادستانی و استناداری مراجعه می کنند که همه بی نتیجه بوده است. همسر او در ۵۸/۳/۶ تلگرافی مبنی بر اعتراض به بازداشت معیل و اعلام حرم علیه ماموران کمته به بازگان مخابره می کنند تاکنون بی جواب مانده است. پس از انتقال او به درفول همسر او فقط ۲ بار اجازه ملاقات با او را از دادستان اهوازی می تواند بگیرد و آن هم به مدت ۵ دقیقه بدون تماس مستقیم و حق مکالمه در حضور پاسداران. "کمته اهواز مصری از موضوع اظهار بی اطلاعی می کند و فقط مسئولیت دستگیری و بازداشت او را بر گردن می گردند، ملاقات با استناداری بطور تشنج اوضاع خوزستان غیر ممکن بود و معاون سیاسی استنادار با سخنانی بی لایمی داد و شماری معاون فنی استنادار که خود از کارمندان ارتد صنعت نفت و شخصی مترجم و فرصت طلب است به احتمال قریب به بعضی خود در این دستگیری هانقش اساسی و فرماندهی داشته است، دادستان جدید به فقط می گوید که معیل را به جرم تحریک اعراب (البته بدون ارائه دلیل و مدرک) دستگیر کرده است و هر کسی را که لازم بداند دستگیری می کند و اگر هم لازم باشد حتی "در شرکت نفت راهم تخته" می کند.

۲- در مورد کریم شعبی زاده پس از چند روز از سوی خلق عرب اهواز اعلامیه ای مبنی بر تقاضای آزادی او و فشارگری در مورد سوابق مبارزاتی او و جریانات خوزستان پخش شد. در روز تحمسن (۵۸/۳/۲۳) اعلامیه ای از سوی متحمسن در رابطه با دستگیری او و درخواست از دولت موقت برای اعلام موضع خود در قبال اینگونه تعدیات و رسیدگی هر چه سریعتر به وضع او و اعلام موارد اتهام و محاکمه علنی او با حضور نمایندگان کانون وکلا و مطبوعات صادر و پخش شد.

۳- اقدامات کلی به ویژه در ارتباط با حیاتی و خاتمی:

۱-۳- نامه سرگشاده ای از سوی همسران حیاتی، خاتمی و معیل در تاریخ ۵۸/۳/۱۴ به دادستان اهواز نوشته شده که در آن پس از اشاره به سوابق مبارزاتی این ۳ نفر نسبت به دستگیری و بازداشت آنان بدون مدرک و بازجویی اعتراض شده.

۲-۳- یک شماره فوق العاده "نشریه نفت جنوب" در ۴ صفحه روز ۵۸/۳/۱۹ منتشر شده که در آن پس از فشارگری در مورد شرایط حاکم بر صنعت نفت و خوزستان و سوابق مبارزاتی دستگیر شدگان نسبت به دستگیری شان اعتراض شده بود.

۳-۳- اعلامیه ای در ۵/۲ صفحه از سوی تعدادی از کارکنان نفت اهواز در فشارگری و اعتراض به دستگیری ۳ نفر (معیل-حیاتی-خاتمی) در تاریخ ۵۸/۳/۱۹ منتشر شد.

۴-۳- با مراجعه همسران به کمته تحقیق جمعیت حقوقدانان، جنبه دمکراتیک، کانون وکلا و احزاب سازمانهای دیگر برای رسیدگی به وضع خوزستان و ملاقات با اعضا آن در اهواز، این گروه رسول مهاجری (حقوقدان) را برای بررسی علل دستگیری مامور کرد. جلسه مهاجری و دادستان در حضور نمایندگان عضو شورای مرکزی صنعت نفت اهواز بی نتیجه بود و فقط معلوم شد که هیچ مدرکی در پیرونده آنان وجود ندارد ولی دادستان تحت این عنوان که مدارک بعد از بر علیه آنان پیدا خواهد شد (عس مدارک مورد ادعای امیرانتظام در ارتباط با ۴۲ نفر رفقای کادر و هوادار دستگیر شده در آبادان) از محاکمه و آزادی آنان طفره می رفت و ماموریت مهاجری بدون نتیجه پایان یافت.

۵-۳- روز جمعه ۵۸/۳/۱۸ متین دفتری و صحرائیان از کانون وکلا برای رسیدگی به وضع زندانیان وارد اهواز شدند که چون مقامات مسئول از ملاقات با آنان طفره رفتند بدون نتیجه به تهران مراجعه کردند و قرار شد اقدامات بعدی در تهران صورت گیرد.

۶-۳- در تاریخ ۵۸/۳/۱۹ نامه سرگشاده ای از سوی همسران حیاتی، خاتمی و معیل به آیت اله شریعتمداری (با رونوشن به دفتر امام، بازگان، طالقانی، کانون وکلا، جمعیت حقوقدانان، کمته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، حسن نزه جنبه دمکراتیک ملی و روزنامه های کثیرالانتشار) نوشته شد شریعتمداری نامه را با بیوستی مبنی بر درخواست محاکمه سریع یا آزادی آنان برای هادوی (دادستان کل) فرستاد ولی دستور هادوی به دادستان اهواز دستگیری بر محاکمه یا آزادی هر چه سریعتر زندانیان تنها پس از انتقال آنان به تهران به دست دادستان اهواز رسید (احتمالا نامه بعد از ظهر روز ۵۸/۳/۲۳-رسده است).

## ج- گزارش تحصن همسران زندانیان و

### کارکنان صنعت نفت اهواز

روز دوشنبه ۵۸/۳/۲۱ اعلامیه ای از سوی "همکاران متحد" در صنعت نفت اهواز درد عوب به تحصن پس از یک مهلت ۴۸ ساعته برای محاکمه علنی دستگیر شدگان در اهواز پخش شد. در این اعلامیه پس از ذکر سوابق مبارزاتی زندانیان و اعتراض به دستگیری آنان قد شده بود که تحصن بطور محدود و برای یک روز و به عنوان اخطار خواهد بود و از کارکنانی که وجودشان بطور مستقیم در تولید نفت موثر است (برای جلوگیری از هرگونه سو، استفاده از نتایج در متهم کردن متحصن به حساب و کاهش عمدی تولید و فرصت طلبی) خواسته شد بود که در تحصن شرکت نکنند و اینکه "آنان آزادی همکاران خود را از هیچکس گدایی نمی کنند".

روز سه شنبه ۵۸/۳/۲۲ ساعت ۷ صبح تحصن همسران حیاتی-خاتمی و معیل در دفتر رفوفی سرپرست کل مناطق نفت حیز جنوب در اداره مرکزی شرکت نفت در اهواز آغاز شد. قبل از آن و از روی برنامه اعلامیه تحصن توسط رفقا تهیه شده بود که در سطح وسیعی پخش شد. خواسته های تحصن کنندگان همچنانکه در اعلامیه آمده است محاکمه علنی زندانیان با حضور نمایندگان کانون وکلا و مطبوعات و همکارانشان در صنعت نفت بود. تحصن نامحدود اعلام شده بود. بتدریج تعدادی از زنان صنعت نفت و همسران بعضی از کارکنان به متحمسن پیوستند و تعداد آنان به ۶۰ نفر رسید. محبرین حرا به راکه به وسیله رفقا از موضوع مطلع شده بودند دستور رفوفی به اداره مرکزی راه ندادند. تهدید تلقنی عوامل ارتجاع در صنعت نفت و خارج از آن مبنی بر حمله به متحصن و کشتن آنان بر ادامه تحصن بی تاثیر بود. پس از ساعت ۳ بعد از ظهر بنا به خواهش همسران زندانیان تعدادی از زنان خاطر محدودیت های خانوادگی تحصن را ترک کردند ولی تعداد ۲۰ نفر شب را در تحصن گذراندند.

ساعت ۷ صبح روز ۴ شنبه ۵۸/۳/۲۳ بر اساس اعلامیه قبلی، تحصن کارکنان صنعت نفت اهواز در راهروی هیئت رئیسه (که منتهی به دفتر رفوفی می شود) آغاز شد و با وجودی که از کارکنان موثر در تولید نفت خواسته شده بود که از شرکت در تحصن خودداری کنند تعداد متحصنین مرتب افزایش می یافت و به ۵۰۰ نفر رسید (بیش از حد انتظار) نسبت اعلامیه و مقررات تحصن خوانده شد که در آن تاکید بر نظم تحصن، جلو گیری از درگیری با ارتجاع در صورت حمله به متحصن و خواهش از همکاران موثر در تولید برای عدم شرکت در تحصن قید شده بود. شعار اصلی تحصن این بود "ما خواهان محاکمه فوری علنی همکاران مبارز زندانی خود هستیم. سپس اعلامیه و متحصنین در اعتراض به دستگیری کریم شعبی زاده و تقاضای محاکمه علنی و فوری او خوانده شد (این اعلامیه به ویژه از آن جهت بطور جداگانه و مخصوص تهیه شده بود تا تاثیر سو، کم کاری در ارتباط با دستگیری او و فشارگری را بخصوص از سوی کارگران پاک نماید). در طول تحصن اعلامیه های پشتیبانی دانشجویان پیشگام اهواز، دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر-اهواز، گروهی از هنرجویان هنرستان صنعتی اهواز گروهی از کارآموزان صنعت نفت اهواز، گروهی از کارکنان کارخانجات لوله سازی و گروهی از کارکنان پخش (مواد نفتی) در اهواز خوانده شد و از آبادان خبر رسید که گروهی از کارکنان صنعت نفت آمادگی خود را برای پیوستن به تحصن در صورت بقیه در صفحه ۲ ضمیمه

روستایان شهرستان فومن:

ما را بکشید و راحتان کنید

آیا خلق بلوچ همکاری دولت  
با مرتجعین محلی را  
ناید میکند؟

دانشجویان پیشگام دانشکده بلوچستان حمایت دولت از نیروهای مرتجع  
و ضدانقلاب را عملی غیرمردمی دانسته و تاکید دارند که دولت به هیچ یک از  
وعده های خود عمل ننموده است. ما با خطر آشنائی بیشتر خوانندگان با وضعیت  
بلوچستان متن کامل اطلاعیه دانشجویان پیشگام را به چاپ می رسانیم.

شددولت ۵۰۰قرصه اسلحه به حاج کریم  
بخش بدهد تا آنها را اسیر سردارها و خانها  
تقسیم کند و بدین ترتیب حفاظت و  
امنیت منطقه نامش شود.

هم اکنون این موضوع عملی نشده  
و حاج کریم بخش و همان حدی که نام  
بردم ماه ۵۰۰قرصه تفنگ دولتی مشغول  
حفاظت از حاکمان محلی مردم می باشد.

گذشته این حاکمان آنقدر کثیف  
است که نیازی به افشاکاری ندارد و همس  
س که حاج کریم بخش و سرمولاد در سر -  
کوب و سزاران بخش بلوچهای اراکستان  
بوسیله فائوتمهای شاه خائن نقش فعال و  
مستقیم داشتند و در طول چندین سال  
نوکری و حلقه یگونی برای شاه بسیاری  
از زمینهای مردم را غصب کرده اند و حتی  
حاج کریم بخش را غصب همه زمینهای  
مردم در "گرم سید" آنها را اداره کار  
روی زمینها کرده و روابط ارباب و رعیتی  
را در آنجا احیا نموده است. این کار را  
همکار دیگرش محمدخان میرلاشاری هم  
درگمک (محمدآباد) انجام داده است.

به حال با این عمل دولت بخوبی روشن  
می شود که خانهای زایل وستان برج  
اساس و پایه های خواستار اسلحه از دولت  
برای حفظ منطقه شده بودند. ما از دولت  
می پرسیم اگر هدفش حفظ امنیت منطقه  
است چرا وقتی که در حدود چند هفته  
پیش مردم بخش تحت رهبری مولوی -  
شان برای جلوگیری از قتلهایی که در آنجا  
اتفاق افتاده بود (که بدست عوامل  
سردارهای همکار بود) اقدام به تشکیل  
کمیته پاسداران انقلاب نمودند و از این  
اسلحه خواستند جواب در داده شد؟ و آیا  
مسلح کردن مرتجعین و حاکمان ترس  
عناصر این منطقه و حاکم کردن آنها را  
سروشست مردم خیانت به انقلاب و منافع  
خلق نیست؟ آیا همین است عمل انقلابی  
دولت در قبال غارتگران و آدمکشانی  
رژیم خونخوار پهلوی، آیا این عمل احیای  
سیاست محمد رضاشاهی یعنی سارن  
بمرتجعین محلی برای سرکوب نیروهای  
مترقی نیست؟

دولت این روزها مسئله اجناس های  
انالتی و ولایتی را مطرح کرده است و  
می گوید که از این طریق حاکمیت مردم سر  
سروشست خودشان عملی می گردد. و  
در نتیجه تمعوض و احقاق در مورد خلقهای  
مظروفار سراسرین می رود. دولت همچنین  
مطرح نموده است ستم اقتصادی در بلوچستان  
را که بارشده بوده است از بین خواهد  
برد. در رابطه با بهر دوی اس ساستها ما  
می پرسیم چگونه؟ آیا از طریق حاج کریم  
بخشها و عملشان مصادحاری این اهداف  
را دارد؟ آیا دولت نمی داند که بسیاری از  
بودجه های راکه وارد این منطقه می شود  
همین دزدهای سفوف به نفع خودشان  
حیف و میل می کردند؟ ما معتقدیم که  
رفع ستم اقتصادی در بلوچستان مسئله  
بسیار مهمی است (و عدم وجود کارخان  
نه های تولیدی، کمبود آب و وسایل مدرن  
کشاورزی، بدی وضع بهداشت، پائیس  
بودن سطح آموزشی و فرهنگی، نبودن  
راههای ارتباطی کافی در منطقه و غیره)  
اما انجام اس کار در گرو آزاد گذاشتن  
خلق بلوچ برای انتخاب نمایندگان  
راستین مورد اعتمادش می باشد و بدین  
اجرای این دو امر دولت فعلی برای خلق  
بلوچ هیچ فرقی با دولت قلی ندارد.  
مامی دانیم تنها آگاهی و اتحاد  
مردم بلوچستان می تواند به تمام رنجها  
ستمها و تبعیضها و زدهای انجام شده  
در این منطقه پایان دهد.

در هفته های اخیر مسائل و تحریکاتی  
در بلوچستان به وقوع پیوسته که هر فرد مشغول  
و انقلابی را عمیقاً نگران می کند. از چند  
ماه پیش که انقلاب خلق فیرمان ایران به  
اوج خود رسید و منجر به فرار شاه خائن و  
سپاری از سوکرانش شد، عمال و نوکران  
دست نشانده رژیم در بلوچستان نیز قدرت  
خود را از دست داده و با توجه به خنثیات  
سپاری که انجام داده بودند، همه مردم  
دوران خودتقریبی و روزگونی این خائنان را  
پایان یافته می دانستند و انتظار محاسرات  
آنها را بوسیله دولت انقلابی داشتند.

اما متأسفانه دولت اصلاحه این مسئله  
توجهی نکرد و به این ترتیب راه را برای  
حنایات بعدی این ضدانقلابیون بسا  
گذاشت. آنها هم که بی عملی دولت را  
دیدند شروع به مسلح نمودن اطرافیان  
خود و ایجاد یک گروه به نام "اتحاد  
بلوچ" کماک بسیاری از سردارهای مرتجع  
دیگر نمودند. از اصلی ترین افراد این  
گروه حاج کریم بخش سعیدی، میرمولا  
داد، سردار زهی، بهمن خان بارکزی  
علم خان مبارکی و محمد خان میرسالاری را  
میتوان نام برد. این عده که همگی شان  
ناهم نسبتهای نزدیک قومی و فامیلی دارند  
به حد کافی سابقه خیانت نیست به مردم  
بلوچ را دارند. مثلاً حاج کریم بخش  
سعیدی ( این شخص و سرمولاد داد حیزو  
اصلی ترین مهره های این "اتحاد کثیف"  
می باشند) وکیل جاه سپار و بهمن خان  
وکیل سراوان و محمد خان وکیل برانشهر  
در مجلس فرمایشی شاه بودند و هر سه جزو  
کسانی بودند که تا آخر لحظه با رژیم  
شاه و پادشاه همکاری نزدیک داشتند.  
پس از قیام ۲۲ بهمن که منجر به پیروزی  
انقلاب شد، چند تن از این جوانان از جمله  
محمد خان و بهمن خان در ایرانشهر دست به  
آتش سوزی، آدم کشی و زدند و حتی  
رزمه تحزیه طللی و اغتشاش را راه  
انداختند.

این جریان ادامه داشت تا اینکه  
آقای خامنه ای برای بررسی وضع مردم  
و مشکلات مردم منطقه به این منطقه هم  
حای بلوچستان هم رفت ولی برای  
ساختن دردهای مردم تنها به ملاقات  
با مولوی ها و سردارها اکتفا نمود. یکی از  
تبرخیش ترین این ملاقاتها دیدار سا  
حاج کریم بخش سعیدی در منزل او  
می باشد. از این ملاقات پربار نتایج  
زیادی بدست آمد از جمله اینکه فرار

وعده و وعیدهای بی نتیجه و سلسله  
مراتب اداری با مهره های بی اراده ای که  
بدون نصیب مقامات بالاآب هم  
نمی خوردند. یعنی در حقیقت روابط  
اداری حاکم بر رژیم سابق بدون تغییر  
بایر خامنه ای است البته همه اینها در  
شرایطی است که همه مسئولین حکومتی  
صحت از تلاش فعالانه همه مردم  
خصوصی کارگران و دهقانان را می کنند.  
و به هرگونه که گاری مارک ضد انقلابی می زند.  
ولی باید از آن پرسید که پس چرا در  
شرایطی که کشاورزان بی چیز و تهیدست  
تقاضای وام، کود، بذر و از این قبیل  
احتیاجات کشاورزی خود را داده اند  
هیچ قدم موثری در این راه برداشته  
نشده. آیا این روستائیان تنگدست برای  
بالا بردن تولید خود که در حد بازار  
باشد، نمی بایست از دولت تقاضای  
کمک بکنند؟ و آیا دولت موظف به یاری  
مادی و معنوی کشاورزان نیست؟ البته  
خود کشاورزان در مراجعه به استانداری به  
جوبی به این امر اشاره کرده اند که چگونه  
مقامات دولتی تسهیلات همگانه ای را  
برای سرمایه داران بزرگ و زمینداران (چه  
با دادن وامهای چند صد میلیونی و چه  
با ایجاد زمینه های سرمایه گذاری های  
وسعت) فراهم می کنند ولی در عوض  
تقاضای کشاورزان را در راه گسترش  
تولیدات کشاورزی پشت گوش انداخته اند.

باید بخشیده شود.  
مدیرکل گفت:  
منظور این نیست که تمام بدهکاری  
های زارعین قابل برگشت است و در سنوات  
نزدیک هم این برنامه ها را نداریم.  
یکی از کشاورزان گفت:  
پس اعلام کنید که لعونده اسب  
مدیرکل:  
دولت بدهده ندارد.  
نماینده: کی گفته؟  
مدیرکل: رادبو بلوچریون.

مدیرکل گفت:  
چه طلبی؟  
نماینده:  
پول بخرید زمین که در سالهای  
گذشته از ما گرفته اند. سودهای ۱۲% که  
از ما گرفته اند ۲% عمرانی که بجای  
ان هیچ کاری نکردند. هر بار ۲۰۰ تا ۳۰۰  
تومان به رئیس پاسگاه می دادیم تا اموال  
ما را ضبط نکنند. پس اینها چه می شود؟  
مدیرکل گفت:  
اس بولها باب چه بود؟

پس از صد نعره از کشاورزان روستاهای  
احمد سرگوراب و بیداب از توابع شهرستان  
فومن  
استاداری رشت اجتماع می کنند. آنان  
بدسال نامه هایی که برای نخست وزیر  
می فرستند و پاسخی دریافت نمی کنند،  
برای گرفتن خواسته های خود دست به این  
کاری می زنند. خواسته های عمده روستائیان  
که در فصل کشت و زرع برایشان حائسی  
است به شرح زیر است.  
۱- وام دراز مدت بدون بهره  
۲- لغو کلیه قروض، بازخرید  
رهن و آب بها.  
۳- لغو کلیه قروض به بانکهای  
کشاورزی و بانک تعاونی و موسسات دیگر.  
آنان ۵ نفر نماینده بین خود تعیین  
و به اطای استانداردی می فرستند. استاندار  
گفت:

۱۴۵ میلیون تومان برای کلبان وام  
آمده که ۲ میلیون تومان آن به شرکت  
تعاونی احمد سرگوراب ( شامل ۱۱ د ه )  
اختصاص دارد. یکی از نمایندگان گفت:  
۲ میلیون تومان برای احمد  
سرگوراب بظاهر رقم گنده ای است ولی  
بایک حساب سرانگشتی به هر خانوار ۹۲۵  
تومان بستر نمی رسد که اگر سود ۶%  
همراه با دیرکرد بدهیهای ضلی را از آن  
کم کنند چیزی برای مانعی ماند. علاوه  
شامی گوشت که این رقم را با فرصهای  
فیلی در شما سد بدهیم، ماهیچونک  
نمی توانم سد بدهیم و این برای مسا  
قابل قبول نیست.

یکی دیگر از کشاورزان گفت:  
۱۵ هزار تومان برای ما کم است  
ناچه رسد به ۹۲۵ تومان. چون هر کارگر  
کشاورزی ۵ هزار تومان غیر از غذا و پوتاک  
مزد می خواهد.  
استاندار پاسخ داد:  
فعلاً جوابی ندارم. بروید  
و فردا نمایندگان شما باین نامضمی  
بگیرم.  
موقع رفتن استاندار از استانداردی  
کشاورزان دیگر خلوصی را می گیرند. به  
حدی که نزدیک بود کشاورزی زیر ما نشین  
برود و می گویند نم گذاریم بروید.  
تفنگداران کسه امام گلنگدن را می کشند  
و بسوی کشاورزان نشانه می گیرند. یکی  
از کشاورزان سینه اش را مقابل لولسه  
تفنگ قرار می دهد و داد می کشد:  
بکشند و ما را راحت کنند.  
یکی دیگر از کشاورزان می گوید:  
استاندار انقلابی تعبد است که  
اینطور رفتار کند. ماکه ضد انقلابی  
نستیم و شما عوض کوس دادن به حرفهای  
ما نظرفمان نشانه می روید.  
استاندار گفت:  
چه کسی به طرف شما نشانه رفته  
است؟

یکی از کشاورزان گفت:  
چه کسی به تفنگداران گفت ساند  
انجا؟ شما تلفن ردید یا معاون شما و یا  
راننده تان؟  
دیگری گفت:  
از استاندار انتصابی انتظاری ندارم.  
ما که شمار انتخاب نکردیم تا درد ما را  
بدانید.  
و استاندار قول داده که فردا بسا  
نخست وزیر و وزیر کشاورزی تماس بگیرد.  
در این میان یک کشاورز گفت:  
دیش تلویزیون می گفت پنج  
میلیارد تومان به سرمایه دارها کمک  
کردند تا وضعیت خوب بشود ولی به  
ما وام نمی دهند.

یکی دیگر گفت:  
همه اینجای نشینم. پیسول  
می خواهم. میدانید چرا اسجا آمده ام  
نکم ماگرنه است. گرنه حاضریم  
بمیرم. چرا اسلحه را به ما نشان می دهند؟  
ما اینها را زیاد دیده ایم.  
فردای آن روز نمایندگان کشاورزان  
به استانداری می روند. مدیرکل  
تعاونی فومانت هم هست. استاندار  
می گوید: پول به کسی داده می شود که  
فرصت را برداخت کرده باشد.

نماینده کشاورزان می گوید:  
اگر پول داشته باشیم که قرض را  
بدهیم خوب ما آن پول زندگی خود را  
می خرچ می کنیم. دیگر اینجانی آدمم.  
دیگری گفت:  
سما فرض هار می خواهید؟ پس  
طلب ما را چه کسی باید بپردازد؟



نماینده: رادبو تلویزیون! این  
رادبو تلویزیون که شامی گویند وضعش  
معلوم است.  
مدیرکل: خودم گواهم. اسم شما  
چیست؟  
نماینده اسمش را می گوید و اضافه  
می کند:  
من خواستم را از شما می خواهم  
دانستن اسم من مشکلی را حل نمی کند.  
در پایان استاندار که با یافشاری  
کشاورزان برای دریافت وام بیشتر روبرو  
شده بود گفت:

نتیجه صحبت ما با نهران این شد  
که به هر کشاورز برای هر هکتار ۲۵۰۰  
تومان بپردازیم و قرضهای قبلی فعلاً  
همانطور باشد. بدون اینکه در ستم  
بیاوریم. سه تن از نمایندگان مخالف  
بودند و گفتند کم است و یکی موافق بود.  
قرار شد نمایندگان به روستا ها بروند  
و نتیجه را با روستائیان در میان بگذارند  
آنان حداقل برای هر خانوار ۱۰ هزار  
تومان خواستارند.

بدین ترتیب برای تحق  
خواست هاسان بگیرانه مبارزه می کنند.  
مسائلی که در گفتگوی کشاورزان  
محروم روستاهای احمد سرگوراب و بیداب  
مطرح شد فقط گوشه ای از ستمهایی است  
که به میلیونها نعره از روستائیان بی چیز  
و ستمدیده میهنان روا شده است اکنون  
دیگر زمان بهره کشی های بی حد و حساب  
کشاورزان به وسیله زورگویان و زلوفت  
زمیندار گذشته است. چرا که دیگر رژیم  
حنایتکار سابق از بین رفته است و اجباراً  
تعامی آثار و عوارض ناشی از آن  
می بایست از بین برود. اما زبان گویای  
کشاورزان حکایت از آن می کند که سا  
وجود نبود رژیم پهلوی. بهره کشی -  
های بی حساب که در رژیم گذشته برقرار  
بود، همچنان به فوب خود باقی است  
و دولت چند دهه ای اقدام موثری در زمینه  
خواسته های عاجل کشاورزان محروم و -  
زحمتکش بعمل نیاورده است کشاورزان در  
مراجعه به مقامات مسئول نازم شاهد  
دست به سر کردن خود می باشند. شاهد

یکی از کشاورزان گفت:  
وقتی زارعی نمی توانست وام  
سرک تعاونی را بپردازد. شرکت برای او  
اخرایه صادر می کرد و پاسگاه زاندارم  
ماور می سده که اموال زارع را ضبط  
کند. رارع برای اسکه مانع اینکار نبود و  
حربان را به تاحیر اندازد. مجبور بود هر  
بار ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان به رئیس پاسگاه  
بدهد. وانگهی با پولی که تمام می دادید  
مانع و گوشه و گوشه و موه را به چند برابر  
قیمت خرید می نمود. این گرانی هار چه  
کسی باید به ما پرداخت کند؟ کی اینها  
را تمام بپردازد؟

یکی از نمایندگان گفت:  
باید طلبکارها و بدهکارها را  
حساب کنیم. س آخر می بنیم پیش  
از ۵۰ هزار تومان از اساطلکارم.  
مدیرکل:  
مردم باید مانند آقای نازگان  
احساس مسئولیت بکنند.  
یکی از کشاورزان:  
مردمی که گرنه اند، نشان  
ندارند بخورد و وظیفه و مسئولیت  
نمی شناسند. زارعی که پول ندارد  
فرض را بپردازد. شامی گویند از کجا  
بیاورد به شما بدهد؟ نا احساس مسئولیت  
بکند؟

نماینده دیگری گفت:  
نویسید به نخست وزیر که ما  
کشاورزان زن و بچه هارمان را می آوریم  
رنت و خیانتهای رنت را پاک می کنیم  
تا پول بجزر و تعمیری به ما بدهید. سه  
آقای نخست وزیر گویند آنها نمی توانند  
زراعت کنند. نگویند در رادبو تلویزیون  
پخش کنند که شهر نشینان بروند ده و به  
جای ما کار کنند.  
می توانند برج امریکائی بخرند و به  
آن ها بدهند.  
مدیرکل گفت:  
" دولت وظیفه اش نیست که خرج  
دهقانان را بدهد. باید کار کنند. باید  
ار مردم وصول کسم تا دوباره آنها  
بدهیم.

نماینده گفت:  
تمام بدهکاریهای اصلاحات ارضی



زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند